



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مہتاب حسن قریشی

پہلے منظر: شہینہ حسن قریشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از آیه های مهدوی

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	پرتوی از آیه های مهدوی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۵	«فهرست مطالب»
۲۳	مقدمه
۲۶	سوره حمد
۲۶	اشاره
۲۷	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صراط الهی
۳۰	ضرورت معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۴	سوره بقره
۳۴	اشاره
۳۵	معنا و علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۱	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عهد الهی
۴۳	امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خلیفه الهی
۴۵	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منصوب و منتخب خدا
۵۵	تعداد باران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۵۷	عصر غیبت و امتحان های گوناگون
۶۱	صبر بر مشغلات عصر غیبت و راه چسب آن
۶۷	برکات صبر در عصر غیبت
۷۰	حج و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷۵	رجعت در عصر ظهور
۷۸	امتحان برای انتخاب باران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۱	توسل به عروه الوثقی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۸۷	معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصداق بارز حجت
۹۰	سوره آل عمران
۹۰	اشاره
۹۱	ظهور و شرایط امدادهای غیبی
۹۴	رابطه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۹۸	سوره نساء
۹۸	اشاره
۹۹	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امانت الهی
۱۰۲	اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۰۷	امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، رفیق مهربان
۱۱۰	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت مسیح علیه السلام
۱۱۲	سوره مائده
۱۱۲	اشاره
۱۱۳	ولایت فقیه در عصر غیبت
۱۱۹	ویژگی های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۲۴	سوره اعراف
۱۲۴	اشاره
۱۲۵	فضیلت و معنای انتظار
۱۲۸	زمینه سازی برای ظهور
۱۳۴	زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۳۷	سوره انفال
۱۳۷	اشاره
۱۳۸	امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، منصور به رعب
۱۴۱	سوره توبه
۱۴۱	اشاره
۱۴۲	دشمنان اسلام و مهدویت و شگردهای آن ها

- ۱۴۷ حتمیت حکومت اسلام بر جهان
- ۱۴۹ شهادت طلبی منتظران
- ۱۵۰ سوره هود
- ۱۵۰ اشاره
- ۱۵۱ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و لقب بقیه الله
- ۱۵۲ سوره یوسف
- ۱۵۲ اشاره
- ۱۵۳ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت یوسف علیه السلام
- ۱۵۶ سوره رعد
- ۱۵۶ اشاره
- ۱۵۷ ضرورت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۴ سوره نحل
- ۱۶۴ اشاره
- ۱۶۵ عدم شتابزدگی در طلب ظهور
- ۱۶۸ سوره اسرا
- ۱۶۸ اشاره
- ۱۶۹ تلاوت سوره اسرا و افتخار یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۷۰ یهود و مهدویت
- ۱۷۵ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام
- ۱۷۹ محسور شدن با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیامت
- ۱۸۲ سوره کهف
- ۱۸۲ اشاره
- ۱۸۳ تلاوت سوره کهف و رهایی از فتنه های آخرالزمان
- ۱۸۵ اصحاب کهف، الگوی جوانان مهدوی
- ۱۸۷ چشم انداز حکومت مهدوی
- ۱۹۲ سوره انبیاء

- ۱۹۲ اشاره
- ۱۹۳ حتمی بودن حکومت جهانی مهدوی
- ۱۹۶ سوره حج
- ۱۹۶ اشاره
- ۱۹۷ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امنیت بخش زمینیان
- ۲۰۰ سوره نور
- ۲۰۰ اشاره
- ۲۰۱ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نور الهی
- ۲۰۵ غدیر و مهدویت
- ۲۱۰ سوره نمل
- ۲۱۰ اشاره
- ۲۱۱ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مضطرّ حقیقی
- ۲۱۴ سوره قصص
- ۲۱۴ اشاره
- ۲۱۵ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پایان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام
- ۲۱۸ سوره نوح
- ۲۱۸ اشاره
- ۲۱۹ مسأله طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۲۲ سوره لقمان
- ۲۲۲ اشاره
- ۲۲۳ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نعمت الهی
- ۲۲۶ سوره فتح
- ۲۲۶ اشاره
- ۲۲۷ بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۳۲ سوره واقعه
- ۲۳۲ اشاره

- ۲۳۳ قرآن در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۳۸ سوره حدید
- ۲۳۸ اشاره
- ۲۳۹ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، احیاگر زمین با عدالت
- ۲۴۳ منزلت منتظران ظهور
- ۲۴۶ سوره صف
- ۲۴۶ اشاره
- ۲۴۷ رمز پیروزی اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۵۰ سوره ملک
- ۲۵۰ اشاره
- ۲۵۱ طولانی بودن غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۵۴ سوره قلم
- ۲۵۴ اشاره
- ۲۵۵ خرافات جلوه دادن اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط دشمنان وی
- ۲۵۸ سوره مدثر
- ۲۵۸ اشاره
- ۲۵۹ سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پوشش
- ۲۶۲ سوره فجر
- ۲۶۲ اشاره
- ۲۶۳ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، فجر واقعی
- ۲۶۴ سوره قدر
- ۲۶۴ اشاره
- ۲۶۵ شب قدر، اثبات گر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۶۷ «فهرست منابع»
- ۲۷۲ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور: پرتوی از آیه های مهدوی / محسن قرائتی؛ به کوشش حسن ملایی.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۴-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۵۱ - ۲۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- جنبه های قرآنی

موضوع: مهدویت -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده: ملایی، حسن، ۱۳۵۶ -، گردآورنده

رده بندی کنگره: BP۱۰۴/م۲۵ق۴ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۹۶۵۳۵

ص: ۱

اشاره

پرتوی از آیه های مهدوی

محسن قرائتی

به کوشش حسن ملایی

ص: ۳

پرتوی از آیه های مهدوی

مؤلف: محسن قرائتی

به کوشش: حسن ملایی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویراستار: زینب احمدیان

صفحه آرا: سید مجتبی میررضوی

طراح جلد: عباس فریدی

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸_۶۰۰_۷۱۲۰_۱۴_۹

شمارگان: دو هزار نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۶ و ۱۱۷) / (فروش) ۳۷۸۴۱۱۳۰ / (مدیریت) ۳۷۸۴۱۱۳۱ / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

□ www.mahdi۳۱۳.com

□ www.mahdaviat.ir

□ info@mahdaviat.ir

کد فایل ۰۹۲۰۰۱

مقدمه. ۱۰

سوره حمد. ۱۳

آیه ۴ / امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صراط الهی.. ۱۴

آیه ۷ / ضرورت معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۱۷

سوره بقره. ۲۱

آیه ۳ / معنا و علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۲۲

آیه ۲۷ / امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عهد الهی.. ۲۸

آیه ۳۰ / امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خلیفه الهی.. ۳۰

آیه ۱۲۴ / امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منصوب و منتخب خدا ۳۲

آیه ۱۴۸ / تعداد یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۴۲

آیه ۱۵۵ / عصر غیبت و امتحانهای گوناگون. ۴۴

آیه ۱۵۶ / صبر بر مشکلات عصر غیبت و راه کسب آن. ۴۸

آیه ۱۵۷ / برکات صبر در عصر غیبت.. ۵۴

آیه ۱۹۶ / حج و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۵۷

آیه ۲۴۳ / رجعت در عصر ظهور. ۶۲

آیه ۲۴۹ / امتحان برای انتخاب یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۶۵

آیه ۲۵۶ / توسل به عروه الوثقی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۶۸

آیه ۲۶۹ / معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصداق بارز حکمت.. ۷۴

سوره آل عمران. ۷۷

آیه ۱۲۵ / ظهور و شرایط امدادهای غیبی.. ۷۸

آیه ۲۰۰ / رابطه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۸۱

سوره نساء. ۸۵

آیه ۵۸ / امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امانت الهی.. ۸۶

آیه ۵۹ / اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۸۹

آیه ۶۹ / امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، رفیق مهربان. ۹۴

آیه ۱۵۹ / امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت مسیح علیه السلام. ۹۷

سوره مائده. ۹۹

آیه ۴۴ / ولایت فقیه در عصر غیبت.. ۱۰۰

آیه ۵۴ / ویژگی های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۱۰۶

سوره اعراف.. ۱۱۱

آیه ۷۱ / فضیلت و معنای انتظار. ۱۱۲

آیه ۹۶ / زمینه سازی برای ظهور. ۱۱۵

آیه ۱۸۷ / زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۱۲۰

سوره انفال. ۱۲۳

آیه ۱۲ / امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، منصور به رعب.. ۱۲۴

سوره توبه. ۱۲۷

آیه ۳۲ / دشمنان اسلام و مهدویت و شگردهای آنها ۱۲۸

آیه ۳۳ / حتمیت حکومت اسلام بر جهان. ۱۳۲

آیه ۵۲ / شهادت طلبی منتظران. ۱۳۴

سوره هود. ۱۳۵

آیه ۸۶ / حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و لقب بقیه الله... ۱۳۶

ص: ۶

سوره یوسف.. ۱۳۷

آیه ۵۸ / حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت یوسف علیه السلام. ۱۳۸

سوره رعد. ۱۴۱

آیه ۷ / ضرورت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۱۴۲

سوره نحل. ۱۴۹

آیه ۱ / عدم شتابزدگی در طلب ظهور. ۱۵۰

سوره اسرا ۱۵۳

تلاوت سوره اسرا و افتخار یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۱۵۴

آیات ۴ الی ۷ / یهود و مهدویت.. ۱۵۵

آیه ۳۳ / حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام. ۱۶۰

آیه ۷۱ / محشور شدن با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیامت.. ۱۶۴

سوره کهف.. ۱۶۷

تلاوت سوره کهف و رهایی از فتنه های آخرالزمان. ۱۶۸

آیه ۱۳ / اصحاب کهف، الگوی جوانان مهدوی.. ۱۷۰

آیه ۴۱ / چشم انداز حکومت مهدوی.. ۱۷۲

سوره انبیاء. ۱۷۷

آیه ۱۰۵ / حتمی بودن حکومت جهانی مهدوی.. ۱۷۸

سوره حج.. ۱۸۱

آیه ۶۵ / امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امنیت بخش زمینیان. ۱۸۲

سوره نور. ۱۸۵

آیه ۳۵ / حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نور الهی.. ۱۸۶

آیه ۵۵ / غدیر و مهدویت.. ۱۹۰

سوره نمل. ۱۹۵

ص: ۷

آیه ۶۲ / امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مضطرّ حقیقی.. ۱۹۶

سوره قصص.... ۱۹۹

آیه ۵۵ / امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پایان مظلومیت اهلیت علیهم السلام. ۲۰۰

سوره عنکبوت.. ۲۰۳

آیه ۱۴ / مسأله طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۲۰۴

سوره لقمان. ۲۰۷

آیه ۲۰ / امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نعمت الهی.. ۲۰۸

سوره فتح.. ۲۱۱

آیه ۱۰ / بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۲۱۲

سوره واقعه. ۲۱۷

آیه ۷۹ / قرآن در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۲۱۸

سوره حدید. ۲۲۳

آیه ۱۷ / حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، احیاگر زمین با عدالت.. ۲۲۴

آیه ۱۹ / منزلت منتظران ظهور. ۲۲۸

سوره صف.. ۲۳۱

آیه ۹ / رمز پیروزی اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۲۳۲

سوره ملک... ۲۳۵

آیه ۳۰ / طولانی بودن غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۲۳۶

سوره قلم. ۲۳۹

آیه ۱۵ / خرافات جلوه دادن اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط دشمنان وی.. ۲۴۰

سوره مدثر. ۲۴۳

آیه ۴ / سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پوشش... ۲۴۴

سوره فجر. ۲۴۷

ص: ۸

آیه ۱ / امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، فجر واقعی.. ۲۴۸

سوره قدر. ۲۴۹

آیه ۴ / شب قدر، اثبات گر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۲۵۰

ص: ۹

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن کریم، چراغی نورانی است که با وجود گذشت ده ها قرن از نزول مبارک آن، هنوز هم که هنوز است پرتوهای درخشان آن، مسیر حق طلبان را در طول تاریخ روشن کرده و در آینده هم، چنین خواهد بود. در این کتاب آسمانی و بی نظیر، آینده ای روشن به بشریت نوید داده شده است که با سیطره دین حق و البته توسط امام حق و یاران صالحش بر تمام جهان محقق می شود. بدین سان فرهنگی به نام مهدویت بر محور امام مهدی شکل گرفت که مجموعه ای است از باورها، ارزشها، نمادها، رفتارها، وقایع و هر آنچه که به امام زمان و جایگاه و حکومت و غیبت و ظهور وی مربوط است.

«پرتوی از آیه های مهدوی» نگارشی است ساده، اما گویا و مستند از مهم ترین آیه های قرآنی که درباره معارف مهدوی بوده و توسط حضرت حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی در آثار مکتوب و نیز در طول بیش از سه دهه، در ضمن برنامه درس هایی از قرآن به دوست داران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه شده و اینک با حفظ قالب پر جاذبه تبلیغی ایشان، تدوین یافته است.

در این مجموعه علاوه بر این که آیه های مهدوی به ترتیب سوره های قرآنی استخراج و به نکته های هر کدام پرداخته شده، تلاش شده است تا در کنار هر آیه، یکی از موضوع های خاص معارف مهدوی متناسب با آن آیه نیز طرح گردد و بدین گونه برای مشتاقان مباحث مهدوی، دو مجموعه ترتیبی و موضوعی از این معارف با زبانی دقیق اما

ساده، فراهم آمده که همین امر، این اثر را از دیگر آثار مهدوی، ممتاز نموده است.

در پایان لازم می دانم از استاد بزرگوار حجت الاسلام و المسلمین قرائتی که در ضمن گفتگوهایی با حمایت های معنوی و نکته های راهبردی در به ثمر رساندن این اثر سهم داشته اند قدردانی نمایم.

قم مقدسه _ تدوین گر: حسن ملایی

ص: ۱۱

سوره حمد

اشاره

ص: ۱۳

(اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) (۱)

«خداوندا! ما را به راه راست هدایت فرما.»

نکته ها:

۱. درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم ترین خواسته یکتاپرستان از خداوند است: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ... اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)

۲. برای دست یابی به راه مستقیم، باید دعا کرد: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ).

۳. امام عصر، صراط الهی است. مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «صراط چیست؟» فرمود: «هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُمَا صِرَاطَانِ صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَ صِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ وَ أَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَ افْتَدَى بِهِدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ (۲)

صراط راهی به سوی شناخت خدای بزرگ است، و آن دو گونه است؛ صراطی در این دنیا و صراطی در آن دنیا. اما صراط دنیا امام است که فرمانبرداری از او واجب

می باشد؛ هر کس در دنیا او را شناخت و رهنمودهای او را به کار بست، از صراط آخرت

— که پلی روی جهنم است — خواهد گذشت، و هر کس در این جا امام خود را نشناخت، هنگام گذشتن از صراط آخرت، گامش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد».

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) فرمود: «الطَّرِيقَ وَ مَعْرِفَةَ

ص: ۱۴

۱- سوره حمد، آیه ۴.

۲- معانی الأخبار، ص ۳۲.

الْإِمَامُ؛ (۱) صراط مستقیم درخواست راه یابی به راه و معرفت امام است».

۵. راه های متعددی در برابر انسان قرار دارد و او باید یکی را انتخاب کند:

__ راه خواسته ها و هوس های خود

__ راه انتظارات و توقع های مردم

__ راه وسوسه های شیطان

__ راه طاغوت ها

__ راه نیاکان و پیشینیان

__ راه خدا و اولیای خدا

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می کند که بر دیگر راه ها امتیازاتی دارد:

الف) راه الهی ثابت است؛ برخلاف راه طاغوت ها و هوس های مردم و هوس های شخصی که هر روز تغییر می کند.

ب) یک راه بیش تر نیست؛ در حالی که راه های دیگر متعدد و پراکنده اند.

ج) انسان در پیمودن راه الهی، به مسیر و مقصد، مطمئن است.

د) در انتهای این مسیر، شکست و باخت وجود ندارد.

۶. خداوند در قرآن کریم، دین پابرجا و استوار خود را «راه مستقیم» معرفی کرده است. (۲) در روایات نیز آمده است که امامان معصوم علیهم السلام فرموده اند: «ما راه مستقیم هستیم». (۳) یعنی هم نمونه عینی و عملی راه مستقیم، و هم بهترین اسوه و الگو در پیمودن این راه، رهبران آسمانی هستند. آنان در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزند و... نظر داده و ما را به

ص: ۱۵

۱- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸.

۲- (قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ). سوره انعام، آیه ۱۶۱.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰.

اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند. (۱) جالب آن که ابلیس نیز در همین صراطِ مستقیم به کمین می نشیند. (۲)

ص: ۱۶

۱- در این باره رک: اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات.

۲- شیطان به خدا گفت: (لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ). سوره اعراف، آیه ۱۶.

ضرورت معرفت به امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

(صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ) (۱)

«خداوندا! ما را به [راه کسانی که آن ها را مشمول نعمت خود ساختی] هدایت کن [نه به راه غضب شدگان و گمراهان!]

نکته ها:

۱. این آیه راه مستقیم را راه کسانی معرفی می کند که مشمول نعمت الهی شده اند و عبارت اند از: انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین. (۲) توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کج روی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می دارد. انسان مؤمن بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا می کند که او را در مسیر غضب شدگان و گمراهان قرار ندهد؛ زیرا بنی اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجاجت، گرفتار غضب شدند.

۲. امام صادق علیه السلام در ضمن تفسیر این آیه فرمود: «الضَّالِّينَ الشَّاكِرُ وَالَّذِينَ لَمَّا يَعْرِفُونَ الْإِمَامَ؛ ضَالِّينَ وَ گمراهان، شکاکان و کسانی هستند که امامشان را نمی شناسند». (۳)

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن حدیث ثقلین که شیعه و سنی نقل کرده اند، فرمود: «إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا» (۴) اگر همراه قرآن و اهل بیت علیهم السلام باشید، گمراه نمی شوید». این

ص: ۱۷

۱- سوره حمد، آیه ۷.

۲- (مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ) ؛ «کسانی که خدا و رسول را پیروی کنند، آنان با کسانی هستند که خدا آن ها را نعمت داده است، از پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحان».

سوره نساء، آیه ۶۹ و سوره مریم، آیه ۵۹.

۳- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹.

۴- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۹.

گمراهی، همان است که در آخر سوره حمد از خدا می خواهیم که ما را از آن دور کند: (غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ). (۱)

با این بیان، ضالین دو دسته اند: یک عده، کسانی که با اهل بیت علیهم السلام هستند، اما قرآن را رها کرده اند، و عده دیگر، کسانی که قرآن را گرفته اند، اما از اهل بیت علیهم السلام جدا شده اند؛ چراکه پیامبر در حدیث ثقلین تصریح می کند که اگر به هر دوی این ها تسمک نکنید، گمراه می شوید. مثل ریل های قطار، که اگر دو ردیف باشد، قطار حرکت می کند، اما اگر یک ردیف باشد، قطار از ریل خارج، و در نتیجه نابود می شود.

پس اگر در نماز می گوئیم: «خدایا! ما را جز ضالین قرار نده»، برای آن که منحرف نشویم، باید به قرآن و اهل بیت علیهم السلام رجوع، و به آن ها تمسک کنیم و این یعنی معلم و کتاب باید با هم باشد.

۴. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره لزوم شناخت امام و پیروی از او فرموده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۲) اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

۵. اگر انسان امام زمانش را نشناسد، از دینش منحرف می شود. در یکی از ۵ دعاهاى عصر غیبت می خوانیم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (۳) خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسی، نمی توانم پیغمبرت را بشناسم. خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را نشناسم، حجتت را هم نمی شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر امام را نشناسم، از دینم منحرف می شوم». به راستی که انحراف، وقتی است که انسان، امام زمانش را نشناسد.

ص: ۱۸

۱- سوره فاتحه، آیه ۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۶. در روایتی می خوانیم: «اگر شخصی تمام شب ها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج برود، اما ولی خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او انجام ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست» (۱).

۷. امامان معصوم علیهم السلام معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را جزو لوازم ایمان برشمرده و فرموده اند: «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَيُرَدَّ إِلَيْهِ وَيُسَلِّمَ لَهُ» (۲). بنده خدا مؤمن نمی شود تا آن که خدا و رسولش و همه ائمه و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیم او باشد». سپس فرموده اند: «چگونه ممکن است کسی امام آخر را (که امام زمان اوست) بشناسد و امام اول را نشناسد؟»

۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که برای معرفت امام زمان خود از خانه و شهر خود خارج شود، ولی اجل به او مهلت ندهد، از مصادیق این آیه است: (وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَيِّئَةً وَ مَنْ يُخْرَجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)» (۳). (۴).

۹. خداوند در پاسخ به این پرسش که چرا ما را آفریده، فرموده است: (لِيُعْبُدُونِ)؛ (۵) «تا مرا پرستش کنید». از ائمه پرسیدند: (لِيُعْبُدُونِ) یعنی چه؟ فرمودند: «لِيعْرِفُونِ»؛ یعنی نسبت به خدا معرفت پیدا کنید. از آن طرف و در سخنی دیگر، امام حسین علیه السلام در پاسخ به

ص: ۱۹

۱- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- «هر که در راه خداوند هجرت کند، اقامت گاه های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هر که از خانه اش هجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس او را مرگ دریابد، حتماً پاداش او بر خداوند خواهد بود و خداوند آمرزنده مهربان است». سوره نساء، آیه ۱۰۰.

۴- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۵- سوره ذاریات، آیه ۵۶.

این سؤال که معرفت خدا چیست، فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمْ» (۱). معرفت خدا، شناخت مردم هر زمان نسبت به امامشان است». یعنی معرفت خدا جز با معرفت امام زمان حاصل نمی شود. پس آفرینش برای عبادت خداست، عبادت خدا هم معرفت خدا و در نهایت، معرفت خدا هم به معرفت امام است.

۱۰. اگر کسی بخواهد ائمه علیهم السلام را بشناسد، امام شناسی کامل در زیارت جامعه کبیره است که از امام هادی ع به ما رسیده است.

ص: ۲۰

۱- بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

سوره بقره

اشاره

ص: ۲۱

(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) (۱)

«[مؤمنان] کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند.»

نکته ها:

۱. اساسی ترین اصل در جهان بینی الهی آن است که هستی، منحصر به محسوسات نیست. «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»

۲. قرآن، هستی را به دو بخش تقسیم می کند: عالم غیب و عالم شهود. مؤمنان به کل هستی ایمان دارند؛ ولی دیگران تنها آنچه را قبول می کنند که برایشان محسوس باشد. آنان حتی توقع دارند که خدا را با چشم ببینند و چون نمی بینند، به او ایمان نمی آورند. چنان که برخی از قوم بنی اسرائیل به حضرت موسی گفتند: (لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً)؛ (۲) «ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم، مگر آن که خداوند را آشکارا مشاهده کنیم». این افراد درباره قیامت نیز می گویند: (مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ)؛ (۳) «جز این دنیا که ما در آن زندگی می کنیم، جهان دیگری نیست. می میریم و زنده می شویم و این روزگار است که ما را از بین می برد». چنین افرادی هنوز از مدار حیوانیت نگذشته اند و راه شناخت را منحصر به محسوسات می دانند و می خواهند همه چیز را از طریق حواس درک کنند.

ص: ۲۲

۱- سوره بقره، آیه ۳.

۲- سوره بقره، آیه ۵۵.

۳- سوره جاثیه، آیه ۲۴.

۳. در احادیث معصومین علیهم السلام کلمه «غیب» به خداوند متعال، فرشتگان، معاد و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اطلاق شده است. به عنوان نمونه، امام صادق ع در تفسیر این واژه فرمود: «وَ الْعَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ» (۱) و نیز در تفسیر آیه شریفه (هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) فرمود: «آن ها که ایمان به غیب می آورند کسانی هستند که اعتقاد به قیام قائم آل محمد علیهم السلام دارند» (۲).

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ» (۳) برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی».

۵. امام دوازدهم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غائب شده است و طبق صدها حدیث معتبر، برای تشکیل یک حکومت عدل جهانی ظهور خواهد کرد. غیبت آن حضرت در دو مرحله بوده است: غیبت کوتاه (صغری) و غیبت طولانی و بلند (کبری). در مرحله اول

— که حدود ۷۰ سال به طول انجامید — شیعیان به واسطه چهار نایب خاص، با ایشان ارتباط داشتند و امور دینی خود را به فرمان آن حضرت انجام می دادند؛ تا آن که حضرت به چهارمین نایب خود فرمودند: «تو تا شش روز دیگر از دنیا می روی و پس از خودت شخص دیگری را میان من و مردم مگذار»؛ (۴) البته ایشان قبلاً تکلیف شیعیان را روشن نموده و به نایب دیگرشان فرموده بودند که: «شیعیان موظف اند در حوادث به دانشمندان دینی رجوع کرده و به حکم آن ها عمل کنند. آنها حجت من بر مردم هستند؛ همان طور که من حجت خدا بر آنان هستم» (۵). از آن زمان، غیبت طولانی حضرت آغاز گشته است و هنوز ادامه دارد.

ص: ۲۳

۱- کنز الدقائق، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۱.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

۵- «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاهِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ». کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

۶. منظور از غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این نیست که ایشان در میان ما حاضر نیستند؛ زیرا او در میان ماست و ما را می شناسد، ولی ما او را نمی شناسیم. سؤالی که این جا به ذهن خطور می کند این است که مگر می شود ایشان ما را بشناسد، اما ما او را نشناسیم؟ پاسخ آن است که بله؛ قرآن می فرماید: حضرت یوسف علیه السلام بعد از حدود چهل سال از جریان افتادن در چاه تا رسیدن به ریاست، وقتی برادرها را دید شناخت، ولی برادرها او را نشناختند: (فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ). (۱)

۷. لذا وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، خیلی ها می گویند ما او را در زمان غیبت دیده بودیم. در دعای ندبه هم می خوانیم: «بِنَفْسِي أَنْتَ»، جان من فدایت مهدی جان! تو غایبی، اما از میان ما بیرون نیستی: «لَمْ يَخْلُ مِنْنا».

۸. دلیل این که چرا افراد عادی نمی توانند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینند را خود ایشان بیان کرده است: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَنْصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ» (۲) ما را از شیعیانمان دور نمی کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیه آن ها به ما می رسد. این سخن با صراحت می گوید که به خاطر اعمال زشتی که انجام داده ایم، توفیق ملاقات و درک ظهور را پیدا نمی کنیم.

۹. چون همه ائمه علیهم السلام خبر می دادند که از نسل آن ها شخصی به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود که غیبتی خواهد داشت، مردم از آنان درباره چرایی غیبت آن حضرت سؤال می کردند. از امام صادق علیه السلام نیز سؤال شد که چرا امام زمان غائب می شود؟ و ایشان در پاسخ، اشاره به گردن خود کردند؛ (۳) کنایه از این که اگر آن حضرت بیاید کشته می شود. همین طور هم هست. بنابراین باید زمینه آماده شود. علت غیبت امام دوازدهم، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام است. خداوند، آن حضرت را برای زمان مناسبی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره گیری نمایند، ذخیره فرموده است.

ص: ۲۴

۱- سوره یوسف، آیه ۵۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳- «وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ». کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

۱۰. برای بیان علت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین می توان مثال زد. اگر اداره برق یک شهر برای روشنایی کوچه ای، تیر چراغ برقی نصب کند و لامپی به آن بزند، ولی بچه های کوچه با زدن سنگ، آن را لامپ را بشکنند، مأمور اداره برق لامپ دیگری می زند. اگر مجدداً بچه ها لامپ را بشکنند، باز اداره برق، برای روشنایی محل اقدام به نصب لامپ دیگری می نماید. حال اگر برای بار سوم، بچه های بی ادب کوچه، لامپ را بشکنند، به احتمال بسیار زیاد، اداره برق تمایلی به نصب مجدد لامپ نخواهد داشت؛ اما به خاطر خواهش بزرگ ترها و رفاه اهالی آن کوچه، ممکن است لامپ دیگری نصب کند. اما فکر می کنید اداره برق تا چند بار این کار را انجام می دهد؟! در بحث ما نیز، حاکمان ستمگر، یازده چراغ هدایت را شکستند و امامان معصوم را به شهادت رساندند، خداوند نیز امام دوازدهم را نگه داشت تا زمانی که مردم لیاقت و آمادگی بهره گیری از این چراغ هدایت را پیدا کنند.

۱۱. گاهی صلاح معلم در این است که موقتاً از کلاس بیرون برود؛ چون تا سر کلاس است، بچه ها خوب شناخته نمی شوند. باید دید آن ها در غیاب معلم چه می کنند و از بیرون، آن ها را کنترل کرد. امامان ما وجود چنین امتحانی در عصر غیبت را بارها تذکر داده اند.

۱۲. جایگاه و نقش امام در زمان غیبت مثل خورشید پشت ابر است. خورشید حتی وقتی پشت ابر قرار دارد، حرارت، نور و انرژی اش را به جهانیان تحویل می دهد. خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز فرمود: «أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِفِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛^(۱) وجه انتفاع از من در دوران غیبت، همچون نحوه استفاده از خورشید است وقتی که ابر، آن را از دیدگان نهان سازد». حضرت یوسف ع نیز وقتی در زندان بود، نقش پیامبری اش را ایفا کرد. مگر شما ندیدید که امام در فرانسه بود، اما انقلاب را هدایت کرد؟!

۱۳. وجود امام ولو در غیبت، باعث بقای زمینیان است. نگویید امام زمان غائب چه

ص: ۲۵

فایده ای دارد؛ کما این که نباید بگویید وجود کوه ها چه اثری دارد! قرآن می گوید: «ما کوه ها را قرار داده ایم و اگر کوه ها نبودند، زمین دائماً شما را می جنباند» (۱). گداختگی درون زمین باعث می شود که پوست آن همیشه در حال لرزش باشد. این کوه است که پوسته زمین را نگه داشته است.

۱۴. در ایام دفاع مقدس، برخی از علمای سن و سال دار با لباس رزم به جبهه ها و میان رزمندگان می رفتند. آن ها نمی توانستند فعالیت های رزمندگان را ببینند و به سبب این که در جبهه ها هزاران نفر را شارژ می کرد. البته این فقط مثال است و من از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معذرت می خواهم که در آموزش و برای فهم مطلب مجبورم مثال بزنم. قرآن می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا). (۲).

۱۵. ابوحمزه گوید به امام صادق ع عرض کردم: «آیا زمین بدون امام می ماند؟» فرمود: «اگر زمین بدون امام باشد، فروخواهد رفت [و نظمش از هم خواهد پاشید]» (۳). بیانش این است که در منطق قرآن کریم، خدا هستی را برای بشر آفریده است. پس هستی برای ماست؛ اما ما برای چه خلق شده ایم؟ ما برای برای عبادت آفریده شده ایم؛ اما عبادت چیست؟

عبادت یعنی هر کاری که رنگ خدا داشته باشد؛ گاهی این عبادت، نماز است یا مطالعه، کار است یا خدمت به جامعه؛ هر کاری که برای خدا باشد اعم از شوهرداری، همسرداری، بچه داری، خانه داری، همسایه داری و رفیق داری عبادت است.

حالا اگر هستی را برای بشر آفریدند و بشر را برای عبادت، اما بشر _ چون آزاد بود _ عبادت نکرد و ظلم نمود، دیگر وجود این بشر فایده ای ندارد. اگر سفره را پهن کرده ایم برای آن که مهمان غذا بخورد، اما او غذا نمی خورد، سفره را جمع می کنیم. پس حال که ما

ص: ۲۶

۱- سوره نحل، آیه ۱۵.

۲- سوره بقره، آیه ۲۶.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

عبادت حقیقی خدا را نمی‌کنیم، چرا خدا سفره را جمع نکرده است؟!

قرآن در پاسخ می‌گوید: (مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ) (۱) ای رسول خدا! به خاطر وجود تو سفره باز است. گاهی وقت‌ها سر سفره همه غذا می‌خورند و می‌روند و گاهی نمک شناسی هم می‌کنند؛ اما یک آدم حسابی، نشسته و مشغول غذا خوردن است. صاحب‌خانه، به خاطر آن آدم حسابی، سفره را جمع نمی‌کند. او همان خلیفه خدا در زمین و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وجود اهل بیت علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همانند وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و آنان نیز تمام منزلت و کمالات پیغمبر را غیر از مقام نبوت دارا هستند.

مثال دیگر این است که گاهی خادم مسجد می‌بیند همه از مسجد بیرون رفته‌اند، اما یک مرد خدا در مسجد عبادت می‌کند و به خاطر همان یک نفر، لامپ‌های مسجد را روشن می‌گذارد.

ص: ۲۷

(الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ) (۱)

«[فاسقان] کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آن که محکم بستند، می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع می نمایند و در زمین فساد می کنند. قطعاً آنان زیان کاران اند.»

نکته ها:

۱. پیمان های الهی که در این آیه از آن سخن به میان آمده، در آیات دیگر قرآن بیان شده است: خداوند از انبیا پیمان گرفته تا آیات الهی را به مردم بگویند (۲) و از اهل کتاب تعهد گرفته تا کتمان حقایق نکنند و به بشارت های تورات و انجیل درباره ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عمل کنند (۳) و از عامه مردم نیز عهد گرفته که به فرمان الهی عمل کرده و راه شیطان را رها کنند. (۴)

۲. در اسلام، وفای به عهد واجب است، حتی نسبت به کفار؛ و عهدشکنان،

بی دین معرفی شده اند، هرچند که اهل نماز باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لا دین لمن لا عهد له؛ (۵) آن کس که پایبند تعهدات خود نیست، دین کامل ندارد.»

ص: ۲۸

۱- سوره بقره، آیه ۲۷.

۲- (وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ) . سوره احزاب، آیه ۷.

۳- (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ) . سوره آل عمران، آیه ۱۸۷.

۴- (وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ مِنْ بَيْنِ آدَمَ) . سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

۵- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۸.

۳. خداوند در این آیه فرمان داده تا با گروه‌هایی پیوند و رابطه داشته باشیم: (أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ) در روایات، آن گروه‌ها چنین معرفی شده‌اند: رهبران آسمانی، دانشمندان، خویشاوندان، مؤمنان، همسایگان و اساتید. هرکس رابطه خود را با این افراد قطع کند، خود خسارت می‌بیند؛ زیرا جلوی رشد و تکاملی را که در سایه این ارتباطات می‌توانسته داشته باشد، می‌گیرد.

۴. وفای به عهد، کمالی است که خداوند، خود را به آن ستوده است: (وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ)؛ (۱) «کیست که بهتر از خدا به پیمانش وفا کند؟». وفای به عهد حتی در قبال مشرکان هم لازم است: (فَأْتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ)؛ (۲) «تا پایان مدت قرارداد، به پیمانی که با مشرکان بسته‌اید وفادار باشید». هم چنین در آیه ۲۵ سوره رعد، پیمان شکنان لعنت شده‌اند. (۳)

۵. عهد دو گونه است؛ اول، عهد و پیمانی که مردم با یک دیگر می‌بندند و باید به آن وفادار باشند و دوم، عهد و پیمانی که خداوند برای رهبری یک جامعه، بر عهده پیامبر یا امام قرار می‌دهد که این عهد، مقام الهی است: (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) (۴)

۶. در زیارت آل یاسین، خطاب به امام زمان می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ»؛ (۵) «سلام بر تو که پیمان خدا هستی». وقتی حضرت ابراهیم ع به امامت رسید، به خدا عرض کرد: «خدایا! مقام امامت را به بچه‌هایم هم بده». خدا فرمود: (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)؛ (۶) امامت، عهد من است و من عهد و پیمانم را به هر کسی نمی‌دهم!

ص: ۲۹

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲- سوره توبه، آیه ۴.

۳- (وَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ).

۴- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۵- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۶- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

(وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ قَالُوْۤا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ) (۱)

«و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بر آنم که در زمین جانشینی قرار دهم. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می دهی که در آن فساد کند و خون ها بریزد؟ در حالی که ما با حمد و ستایش، تو را تنزیه و تقدیس می کنیم. خداوند فرمود: همانا من چیزی می دانم که شما نمی دانید.»

نکته ها:

۱. گرچه همه انسان ها، بالقوه می توانند خلیفه خدا باشند، اما همه خلیفه خدا نیستند و به فرموده روایات، افراد خاصی به این مقام می رسند. چون برخی از انسان ها با رفتار خود به اندازه ای از انسانیت سقوط می کنند که از حیوان هم پست تر می شوند؛ چنان که قرآن می فرماید: (أُولٰٓئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ) (۲)

۲. قرارگاه این خلیفه، زمین است؛ ولی لیاقت او تا (قَابَ قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنٰی) (۳) می باشد.

۳. انتصاب خلیفه و حاکم الهی، تنها به دست خداست: (إِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ).

۴. در زیارت آل یاسین، خطاب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَهٗ اللّٰهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ؛ سلام بر تو ای کسی که جانشین خدا و ناصر حق هستی.»

۵. خدایی که دائماً حاضر، ناظر و قیوم است، چه نیازی به جانشین و خلیفه دارد؟

ص: ۳۰

۱- سوره بقره، آیه ۳۰.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

۳- سوره نجم، آیه ۹.

پاسخ آن است که اولاً- جانشینی انسان، به معنای نیاز و عجز خداوند در اداره امور نیست، بلکه این مقام به خاطر کرامت و فضیلت رتبه انسانیت است.

ثانیاً نظام آفرینش بر اساس واسطه هاست؛ یعنی با آن که خداوند مستقیماً قادر به انجام هر کاری است، ولی برای اجرای امور، واسطه هایی قرار داده است. پس انسان می تواند جانشین خداوند شود و اطاعت از او، همچون اطاعت از خداوند باشد: (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ) (۱) و بیعت با او نیز به منزله بیعت با خداوند باشد: (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ... إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ). (۲)

ص: ۳۱

۱- سوره نساء، آیه ۸۰.

۲- سوره فتح، آیه ۱۰.

(وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) (۱)

«و [به خاطر بیاور] هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و او به خوبی از عهده آزمایش برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از فرزندان من نیز [امامانی قرار بده]، خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی رسد [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام اند].»

نکته ها:

۱. مفضل بن عمر گوید: درباره این آیه، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «کلماتی که خداوند با آن ابراهیم را آزمود، کدام اند؟» فرمود: «هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ؛ همان کلماتی که آدم آن ها را از پروردگارش دریافت نمود و توبه اش پذیرفته شد و آن این بود که عرض کرد: پروردگارا! به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام از تو مسألت دارم که توبه ام را بپذیری و خداوند نیز توبه او را پذیرفت؛ چراکه او توبه پذیر و مهربان است.»

عرض کردم: «یابن رسول الله! مقصود خداوند از این که می فرماید ابراهیم کلمات را به پایان رسانید چیست؟» فرمود: «يَعْنِي فَأَتَمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ اثنى عشر إماماً تسعة من ولد الحسين؛ یعنی خدا را تا حضرت قائم و به دوازده امام که نه نفرشان از فرزندان

حسین

ص: ۳۲

۲. حضرت ابراهیم ^ع مقام امامت را برای نسل خود نیز درخواست نمود. پاسخ آمد که این مقام، عهدی است الهی که به هر کس لایق باشد عطا می شود و در میان نسل تو نیز کسانی که شایستگی داشته باشند، به این مقام خواهند رسید. چنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از نسل ابراهیم علیه السلام است و به این مقام رسید؛ ولی کسانی که مرتکب

کوچک ترین گناه و ستمی شده باشند، لیاقت این مقام را ندارند.

۳. این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است. شیعه بر اساس این آیه معتقد است که امام باید معصوم باشد و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید.

۴. منشأ امامت، وراثت نیست؛ بلکه لیاقت است و آن با پیروزی در امتحانات الهی ثابت می گردد: «فَأَتَمَّهُنَّ».

۵. امامت، عهد الهی میان خدا و مردم است: «عَهْدِي».

۶. امامت، انتصابی است نه انتخابی. امام باید حتماً از طرف خداوند منصوب شود: «إِنِّي جَاعِلُكَ». زیرا امام باید دارای شرائط و ویژگی هایی باشد که جز خدا کسی واقف به آن ها نیست؛ از جمله:

— امام باید تمام قوانین حاکم بر انسان و هستی را بداند.

— امام باید از نتیجه حتمی راهی که انتخاب می کند، آگاه باشد.

— امام باید در مسیر رهبری، منافع خود را در نظر نگیرد و عوامل درونی و بیرونی باعث تحریک او نشود.

— امام باید از عالی ترین صفات برجسته انسانی در حد اعلی برخوردار باشد و...

ناگفته پیداست که این شرایط در افراد معمولی یافت نمی شود و مردم نیز از وجود این شرائط در افراد بی خبرند.

۷. کلامی درباره تعیین امام: بهترین شیوه تعیین رهبر و مقام مسئول در جوامع امروز

انتخابات است. ولی شکی نیست که انتخابات، اگرچه راه حل است، اما همه جا راه حق نیست؛ چون هیچ برهان و دلیل علمی و عقلی، لیاقت، صلاحیت و حقانیت شخص انتخاب شده را تأیید نمی کند. گرچه در مقام عمل، رأی اکثریت مورد نظر قرار می گیرد و بهترین راه حل است.

علاوه بر آن، توجه به رأی اکثریت، تنها در مسائل اجتماعی است، اما در مسائل اعتقادی، رأی اکثریت هیچ ارزشی ندارد؛ و گرنه باید پیامبران دست از دعوت خود

برمی داشتند و تابع رأی اکثریت _ که کافر یا مشرک بودند _ می شدند. چنان که در سوره انعام می خوانیم: (و ان تُطع اکثر مَنْ فی الارض یضلّوک عن سبیل اللّٰه ان یتبعون الّٰما الظنّ و ان هم الّٰما یخرصون)؛ (۱) ای پیامبر! اگر از اکثر کسانی که روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند. آن ها تنها از گمان و حدس پیروی می کنند و جز به دروغ سخن نمی گویند».

بنابراین در مسأله بسیار حساس و اساسی امامت _ که امری اعتقادی است _ رأی و انتخاب مردم نقشی ندارد و تعیین آن به عهده خداوند است. البته بیعت مردم با امام، زمینه را برای اعمال حاکمیت او فراهم می کند؛ اما این گونه نیست که امام با رأی مردم، امام، و با اعراض مردم، از امامت ساقط شود. حضرت علی صلی الله علیه و آله و سلم در مدت ۲۵ سال خانه نشینی نیز امام بود؛ اما امکان اعمال حاکمیت را نداشت.

بارها در انتخابات، افرادی با رأی اکثریت انتخاب شده اند، ولی دیر یا زود، اشتباه مردم در انتخاب روشن شده است. افرادی چنان باریا و تظاهر و سیاست، گام برمی داشتند که احتمال خلاف در آنان نمی دادیم و علاوه بر رأی دادن، حاضر بودیم جان خود را نیز برایشان فدا کنیم، ولی در حوادث مختلف _ که زمینه ساز روشن شدن حقایق و اسرار است _ چهره واقعی آنان نمایان شد و روحیتشان در مقابل مال و مقام تغییر یافت.

راستی که انسان محدود با نداشتن علم غیب و اطلاع از آینده و باطن افراد، چگونه می تواند نظر صددرصد صحیحی درباره شخصی پیدا کند؟! مگر انگیزه ها و حالات و

ص: ۳۴

عمل کرد انسان ها با توجه به شرایط و موقعیت های مختلف تغییر نمی کند؟ چه بسا افرادی که امروز مؤمن و متعهد هستند، اما فردا دست از ایمان و تعهد بر می دارند.

افراد بسیار زیادی را سراغ داریم که مایه امید بودند، اما عامل یأس و ناامیدی شدند و در مقابل، کسانی بودند که احتمال خیری در آنان نبود، اما دگرگون و مایه صدها خیر و برکت شدند.

مگر ساحران مزدور فرعون برای آبروریزی موسی علیه السلام پا به صحنه نگذاشته بودند که ناگاه با بیداری فطرت خفته و وجدانشان، از بهترین طرفداران موسی شدند؟ و مگر بلعم باعورا مرد دانشمندی نبود که به خاطر دنیاگرایی و گرایش به طاغوت، همه کمالات خود از دست داد؟

البته غرض ما از بیان این نمونه ها، نفی انتخابات و رأی مردم نیست؛ بلکه هدف ما این است که بگوییم انتخابات اگرچه بهترین راه حل در مسائل اجتماعی است، اما

نمی تواند یک راه الهی و علمی و صددرصد قطعی باشد.

انتخابات و همه پرسشی با این که در بسیاری از موارد راه حل خوبی است، ولی به طور طبیعی عوارض سوئی نیز دارد که نباید از آن ها چشم پوشید. آن عوارض عبارت اند از:

__ میان انتخاب شوندگان رقابت هایی به وجود می آید که چه بسا خود زمینه ساز نوعی تضاد و اختلاف و تفرقه و کدورت گردد.

__ هر انتخاب شده ای به طور طبیعی از انتخاب کنندگان خود حمایت می کند و تنها آنان برای او ارزش دارند. بنابراین در حمایت ها و دفاع ها و جهت گیری هایش، تمایل و خواست انتخاب کنندگان نیز مطرح می باشد و این، خود نوعی شرک است که انسان در کنار جلب رضایت خدا، به فکر راضی کردن این و آن هم باشد.

__ ممکن است همان شک، خطا، سهو و غرائزی که انسان را در شبانه روز به مسیرهای انحرافی می کشاند، در تعیین رهبر نیز انسان را از حق منحرف نماید.

__ انتخاب شده ها بیمه و مصونیتی ندارند و معلوم نیست که در برابر حوادث تلخ و شیرین، چهره و رنگ عوض نکنند!

برای این که مطالب فوق، بهتر روشن شود به حدیث جالبی از امام سجاد علیه السلام توجه کنید.

امام فرمودند: «هرگاه دیدید که مردی خوش برخورد است و راه و روش نیکویی دارد و از خود زهد و عبادت نشان می دهد و در حرکات خود خیلی شکسته نفسی می کند، پس در قضاوت نسبت به او عجله نکنید و فریب ظاهر او را نخورید. چه بسیارند افرادی که از به دست آوردن دنیا عاجزند و به دنیا نرسیدن آن ها به خاطر ناتوانی جسمی یا عدم لیاقت و کمبود شخصیت یا ترس آن هاست [نه به خاطر ایمان و تقوی]».

امام در ادامه فرموده اند: «و اگر دیدید شخصی از مال حرام دوری می کند، صبر کنید و زود درباره او قضاوت نکنید، زیرا شهوات مردم مختلف است. چه بسیارند افرادی که از مال حرام کناره می گیرند _ گرچه زیاد باشد _ اما خود را بر اعمال ناپسند وادار می کنند و مرتکب دیگر حرام ها می شوند.

اگر دیدید او از تمام اعمال ناپسند دوری می کند، باز فریب نخورید تا ببینید میزان تعقل او چه مقدار است؟ زیرا بسیارند افرادی که از تمام اعمال بد دوری می کنند، اما درایت و ریشه عقلایی ندارند؛ لذا چون شعور فکری آن ها کم است، معمولاً به جای اصلاح، دست به افساد می زنند.

اگر دیدید دارای عقل متین هم هست، باز فریب نخورید و صبر کنید تا ببینید آیا با هوای نفس خود، عقل را می کوبد یا با کمک عقل علیه هوای نفس گام برمی دارد و نیز نسبت به ریاست های باطل چقدر علاقه مند است. زیرا در میان مردم، کسانی هستند که در دنیا و آخرت زیان کارند؛ آن ها دنیا را رها می کنند، نه برای خدا، بلکه برای رسیدن به دنیا، زیرا لذت ریاست نزد آن ها به مراتب از لذت مال و دنیا بیشتر است».

سرانجام امام فرمودند: «انسان واقعی کسی است که خواسته هایش را تابع و مطیع فرمان الهی، و توانش را در مسیر رضایت خداوند قرار دهد و ذلتِ ظاهریِ همراهی با حق را از عزتِ ظاهریِ همراهی با باطل به رستگاری و سعادت نزدیک تر بداند».

آن حضرت، در پایان، ضمن تشویق به پیروی از چنین شخصی می فرمایند: «به رفتار و منش این شخص چنگ بزنید و به روش او اقتدا کنید و برای رشد و پرورش خود و رسیدن به خداوند به او متوسل شوید؛ چرا که دعا و درخواست او مستجاب است و

رد

حاصل آن که انتخابات می تواند راه حل باشد، اما همیشه راه حق نیست؛ زیرا پست و مقام و ریاست، بعضی از انسان ها را عوض می کند و چه بسیار افراد فداکار و علاقه مندی که پس از گرفتن مقام، روحیه و روش آنان عوض شده است. به همین جهت می گوئیم تعیین رهبر باید از طرف خدا باشد. اوست که علم غیب دارد و از آینده و تمام حالات افراد باخبر است و بهتر می داند که مقام رسالت و پیام رسانی خود را به چه شخصی عطا کند: (اللّٰه اعلم حيث يجعل رسالته). (۲).

امام باقر علیه السلام به جابر فرمودند: «ای جابر! تو ولی ما نمی شوی، مگر زمانی که اگر تمام مردم شهر درباره تو بگویند فلاحنی مرد بدی است، ناراحت نشوی و اگر هم گفتند مرد خوبی است شاد نشوی؛ بلکه برای شناخت خود، خود را به کتاب خدا عرضه نمایی». (۳) از این حدیث هم به خوبی استفاده می شود که رأی و قضاوت مردم همیشه دلیل بر حقانیت یا باطل بودن افراد نیست.

در قرآن می خوانیم که مردم می گفتند: (وقالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم)؛ «چرا قرآن بر مرد سرشناسی از دو قریه مکه و طائف نازل نشد؟». (۴) آنها خیال می کردند که اگر شخصی سرشناس و معروف یا سرمایه دار و باغ دار باشد، باید بر او وحی نازل شود! همین که طلوت از طرف خدا فرمانده لشکر شد، بسیاری از مردم، فرماندهی او را فقط به خاطر فقر و تهیدستی او نپذیرفتند.

آیت الله شهید صدر با بیان چند مقدمه درباره شیوه تعیین امام، نتیجه می گیرد که این کار تنها باید از راه انتصاب الهی و از طریق اعلان رسول باشد. آن مقدمات این گونه است:

الف) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عهده دار دگرگونی همه جانبه و انقلاب بزرگ عقیدتی و فکری و

ص: ۳۷

۱- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۴.

۲- سوره انعام، آیه ۱۲۴.

۳- تحف العقول، ص ۲۸۴.

۴- سوره زخرف، آیه ۳۱.

تبدیل سیستم جاهلی آن عصر به یک نظام اسلامی _ انسانی برای ابد بود.

ب) دوران رسالت آن حضرت، ۲۳ سال بود. در آن دوران، مسلمانان در مکه در خفقان و فشار و ترس، و در مدینه متحمل انواع مشکلات و جنگ ها و توطئه های دشمنان بودند؛ از این رو، مدت رسالت با آن همه گرفتاری، برای آن دگرگونی، مدت کمی بود.

ج) پیامبر اسلام عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ناگهانی از دنیا نرفت تا بگوییم زمانی برای بررسی مسأله رهبری امت و ادامه کار نداشت و فرصتی برای تعیین جانشین خود پیدا نکرد.

کوتاه سخن آن که ۲۳ سال برای آن دگرگونی کم است و باید بعد از پیامبر عجل الله تعالی فرجه الشریف هدایت ادامه یابد. حال برای این مسأله، چند نظریه مطرح است که باید مورد بررسی قرار دهیم:

الف) پیامبر اکرم عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به جانشینی خود بی تفاوت بود و بدون آن که به فکر تداوم انقلاب و هدایت مردم باشد، آنان را رها کرد و از دنیا رحلت نمود.

این نظریه قابل قبول نیست؛ زیرا یک انسان عادی نیز هرگز حاضر نخواهد بود که طرح و برنامه ای را که برای آن زحمت بسیار کشیده، رها کند و آن را به شخصی نسپارد؛ آن هم با سوز و گدازی که قرآن درباره حضرت محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان می کند و می فرماید که آن حضرت در امر ارشاد و هدایت مردم بسیار دل سوز بود: (حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ) (۱) و در جای دیگر می فرماید: (لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ)؛ (۲) «گویا تو از ناراحتی این که چرا مردم ایمان نمی آورند، خود را می کشی».

آیا پیامبری که این چنین نسبت به هدایت مردم، تعهد و عشق دارد، حاضر است مردم را به حال خود رها کند؟ پیامبری که در وقت عزیمت به جنگ تبوک _ که هشتاد روز طول کشید _ کسی را به جای خود در مدینه گذاشت، آیا برای پس از خود فکری نمی کند؟!

ب) نظریه دوم آن است که بگوییم پیامبر از دنیا رفت و رهبری امت را به شورا و

ص: ۳۸

۱- سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۲- سوره شعراء، آیه ۳.

انتخاب خود مردم واگذار کرد؛ اما اگر چنین بود، چرا ابوبکر مثل پیامبر، امت را به شورا واگذار نکرد و شخصاً دخالت نمود و عمر را نصب کرد؟! چرا عمر نیز در رهبری امت همه پرسى نکرد؟! بلکه خود شورایی مرکب از شش نفر تشکیل داد، آن هم شورایی که عملاً دیکتاتوری بود؛ زیرا گفته بود در این شورا کسی رهبر است که عبدالرحمن بن عوف به او توجه داشته باشد! این چه شورایی است که یک نفر در آن حق و تو دارد و نظر آن دسته قابل قبول است که این یک نفر در میان آن ها باشد؟ آیا این شورا است یا دیکتاتوری؟! اگر این نظریه را بپذیریم، پس ماجرای غدیر خم چه خواهد شد؟

ج) اکنون که نظریه اول و دوم رد شد، تنها یک راه باقی می ماند و آن این که خود پیامبر _ که از همه دلسوزتر است _ شخص لایقی را که در شناخت مکتب و عمل به دستورات آن و نیز اداره و هدایت جامعه، از همه افراد بهتر است و دارای هرگونه صلاحیت علمی و فکری است و سابقه ای درخشان دارد، برای رهبری امت، انتخاب کرده، او را منصوب نموده و به مردم معرفی کند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز چنین کرد و در غدیر خم، حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب نمود.

راه حق در شیوه تعیین امام، همان راه پیامبر است؛ زیرا ما امامت را همچون نبوت، امام را همچون پیامبر، و دلیل نیاز به امام را همانند دلیل نیاز به پیامبر می دانیم. کار امام در هدایت و رشد مردم و نشان دادن راه سعادت، شبیه کار پیامبر است و خداوند درباره هدایت مردم می فرماید: (انّ علینا للهدی)؛ (۱) «همانا بر ماست هدایت مردم».

اندیشمندی می گوید: «امام باید معصوم، و از حد اعلاى صفات عالی برخوردار باشد و چون متصف بودن یک انسان به آن صفات و روحیات چیزی نیست که مردم عادی بتوانند آن را تشخیص دهند و اگر چیزی بفهمند خیلی ناقص است و تنها از راه علائم و آثار، چیزی را می فهمند، لذا باید خداوند عالم و مدبر و قادر، امام را تعیین کند. زیرا اوست که هم از اسرار مردم باخبر است و هم عالم به غیب است و هم راه سعادت واقعی ما را می داند و هم تدبیر جهان به دست اوست».

ص: ۳۹

نتیجه آن که اگر باور کردیم امامت مقامی انتصابی است نه انتخابی، باید بپذیریم که مردم در مقابل انتصاب الهی، اختیاری ندارند. قرآن می‌فرماید: (وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ...)^(۱) «در مواردی که خداوند برای مرد و زن باایمان، حکم و قانون [یا مقام و فردی را برای مسئولیتی] انتخاب نمود، دیگر مردم حق انتخاب ندارند».

در سوره قصص نیز چنین می‌خوانیم: (وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ)^(۲) «خداوند می‌آفریند و هرچه را بخواهد اختیار می‌کند و مردم [در برابر گزینش خداوند] اختیاری ندارند». در تفسیر قمی^(۳) ذیل این آیه روایتی آمده است که می‌فرماید: «هرگاه خداوند کسی را به امامت برگزیند، مردم نباید به سراغ دیگری بروند».^(۳)

بنابراین با وجود امکان اشتباه در انتخاب از سوی مردم عادی، ارزش انتخاب از بین می‌رود و انتخابی می‌تواند صددرصد ارزش داشته باشد که از سوی خدا باشد؛ زیرا اوست که آگاه بر باطن و آینده انسان هاست.

پرسش: هدف شما در این بخش آن بود که مشخص شود تعیین امام باید از طرف خدا باشد و انتخابات مردم عادی به دلیل عدم آگاهی از اسرار و آینده افراد و محدودیت علمی و تجربه‌های ناموفق آنان نمی‌تواند ارزش مهمی داشته باشد.

در این جا سؤالی مطرح است و آن این که چرا خود امام علی علیه السلام در نامه ششم نهج البلاغه برای اثبات حقانیتش، رأی مردم به خویش را به رخ مخالفان می‌کشد یا چرا در نظام جمهوری اسلامی ایران، رأی گیری از مردم ملاک انتخاب است؟

پاسخ: حضرت علی علیه السلام در آن بیان می‌خواهد طبق معیار مخالفانش سخن بگوید. یعنی می‌فرماید: شما که دم از مردم و رأی و انتخاب آنان می‌زنید، همان مردم مرا پذیرفتند، پس چرا در برابر من می‌ایستید؟

ص: ۴۰

۱- احزاب، آیه ۳۶

۲- قصص، آیه ۶۸

۳- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۳.

در نظام جمهوری اسلامی ایران هم از آن جهت که مردم راه حق را شناختند و رهبری امام را بر طاغوت، و نظام اسلامی را بر نظام شاهنشاهی ترجیح دادند، ما این انتخاب نیکو را به رخ دنیا می کشیم تا مورد تهمت قرار نگیریم و نگویند که سیستم شما یک سیستم تحمیلی است.

اما اگر منتخب مردم به بیراهه رفت، مردم در مقابل او می ایستند و او را از مقامش خلع می کنند؛ چنان که امام خمینی (ره) بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، به رئیس جمهور معزول _ که به هواداری مردم افتخار می کرد _ فرمود: «اگر با روش غیراسلامی به کار خود ادامه دهی، من با تو مخالفت می کنم؛ گرچه همه مردم با تو باشند».

بنابراین انتخابات و همه پرسى ها زمانى مورد افتخار است که مسیر حق را طی کند؛ و گرنه رأی و انتخاب مردم تا به حقیقت متصل نشود و از طریق وحی و راه خدا نورانی نشود، ارزش الهی نخواهد داشت.

ما نمی خواهیم ارزش انتخابات را به کلی نادیده بگیریم، بلکه شعار ما این است که انتخابات همیشه راه حق را نمی پیماید و دلیل عقلی و صددرصد صحیحی ندارد. علاوه بر آن که انتخاب مردم در برابر انتخاب خدا ارزشی ندارد و فقط در جایی که کسی از سوی خدا برای این امر معین نشده باشد، بهترین راه، رأی گیری از مردم و دخالت دادن نظر آنان در انتخاب حاکم است.

(وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيُّهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (۱)

«و برای هر کس قبله ای است که به آن سوی رو می کند. [بنابراین درباره جهت قبله گفتگو نکنید و به جای آن] در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت بجویید، [و بدانید] هر جا که باشید، خداوند همه شما را [در محشر] حاضر می کند؛ همانا خداوند بر هر کاری تواناست.»

نکته ها:

۱. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرْشَتِهِمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ فَيُصَيَّبُونَ بِمَكَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا وَ هُمْ أَصِحَابُ الْقَائِمِ؛ (۲) کسانی که بسترهای خود را برای یاری او ترک می کنند، سیصد و سیزده تن، به شمار اصحاب جنگ بدر هستند. آن ها خود را به مکه می رسانند و این همان قول خدای تعالی است که می فرماید: «هر کجا باشید خداوند همه شما را مجتمع گرداند» و آنان اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.»

۲. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یار و یاور بسیاری دارد؛ اما در روایات، تعداد یاران ایشان، سیصد و سیزده نفر ذکر شده است که پنجاه نفر از آن ها خانم هستند. البته آنان فرماندهان و افسران سپاه امام هستند. امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: «به خدا قسم، سیصد و سیزده تن که پنجاه زن نیز در میان آن هاست، مانند قطعه های ابر در فصل پاییز، در غیر موسم حج در

ص: ۴۲

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴.

مکه معظمه جمع می شوند. چنان که خداوند می فرماید: (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)؛ هر کجا باشید، خداوند تمام شما را گرد می آورد، خداوند بر هر چیز تواناست». (۱)

۳. علاوه بر سیصد و سیزده نفر، باید یاران دیگری نیز جمع شوند تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند. ابوبصیر گوید: شخصی از اهالی کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: «چند نفر به همراه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کنند؟» فرمود: «وَمَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُوْلَى قُوَّهِ وَ مَا تَكُونُ أُوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛ او به همراه اصحابی نیرومند خروج می کند و آن ها کمتر از ده هزار تن نیستند». (۲)

ص: ۴۳

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴.

(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (۱)

«و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می کنیم و صابران [در این حوادث و بلاها] را بشارت ده».

نکته ها:

۱. یکی از سنت های حتمی خداوند درباره انسان، آزمایش و امتحان است که حدود بیست مرتبه در قرآن از آن سخن به میان آمده است. ناگواری ها از ابزارهای آزمایش خدا هستند؛ لذا گاهی انسان با آن که گناه و تقصیری هم نکرده، به برخی از ناگواری ها مبتلا می شود؛ همان گونه که خوشی ها نیز وسیله دیگری برای آزمایش الهی است.

۲. امام صادق علیه السلام فرموده است: «پیش از ظهور قائم نشانه هایی از جانب خدای تعالی برای مؤمنان خواهد بود». راوی گوید: «عرض کردم: فدای شما شوم! آن ها کدام است؟» فرمود: «این قول خدای تعالی که (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ)؛ یعنی شما مؤمنان را پیش از خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می آزمائیم به [خوف از] پادشاهان بنی فلان در آخر سلطنت آن ها و [گرسنگی به واسطه] گرانی قیمت ها و [کاستی در اموال به واسطه] کسادی داد و ستد و کمی سود و [کاستی در نفوس به واسطه] مرگ و میر فراوان و [کاستی در ثمرات به واسطه] کمی برداشت محصولات زراعتی و در آن هنگام صابران را به تعجیل خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مژده بده» (۲).

ص: ۴۴

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹.

۳. خداوند مصیبت‌ها را به این جهت استخدام کرده است که به وسیله آن، انسان را از دنیا قطع، و به خود وصل کند؛ دست انسان را از دست دنیا دریاورد و در دست خود قرار بدهد. شما تا دستتان در دست دوستی قرار دارد، آیا می‌توانید با دوست دیگران دست بدهید؟ هرگز! مگر نمی‌گویید که با یک دست نمی‌شود دو هندوانه برداشت؟ پس با یک دست هم نمی‌شود با دو کس دست داد!

انسان تا دست خود را از دست دنیا بیرون نکشد، نمی‌تواند با آخرت دست بدهد؛ باید از بیعت ظالم خارج بشود تا بتواند با امام بیعت کند؛ باید از وادی کفر بیرون بیاید تا بتواند به وادی ایمان وارد شود. همان‌طور که تا وقتی آخرین ثانیه‌های شب پایان نیابد، وارد اولین ثانیه‌های روز نخواهیم شد. پس مصیبت‌ها این هنر را دارند که دست انسان را برای همیشه از دست دنیا خارج کنند.

خدا برای این که می‌خواهد انسان را نسبت به دنیا و دنیایی‌ها بی‌میل و رغبت کند، او را تحت فشار قرار می‌دهد و انواع مصیبت‌ها را بر او فرود می‌آورد.

۴. گاهی برای به هوش آمدن انسانی که بی‌هوش شده است، به او سیلی می‌زنند. مصیبت‌ها سیلی خداوند هستند که بر صورت بی‌هوشان و سرمستان وادی دنیا نواخته می‌شود. آن که مرده است، هیچ‌گاه سیلی نخواهد خورد. پس آن که به مصیبتی گرفتار نیست، باور کند که مرده است؛ البته در صورتی که آثار به هوش بودن را در خویش نمی‌بیند.

۵. یکی از تأثیرات مصیبت، آن است که انسان حالتی پیدا می‌کند که دنیا را در شأن و حیثیت خویش نمی‌بیند یا آن را برای خود، کم می‌بیند. اگر از بچه‌ای چیزی که داده‌اید پس بگیرید، قطعاً یک حالت زدگی در او ایجاد می‌شود و دیگر وقتی چیزی به او

می‌دهید، از شما قبول نمی‌کند؛ چون احساس می‌کند که هیچ‌اعتمادی به آن چیزهایی که به او می‌دهید، نیست.

خداوند متعال وقتی بخواهد مؤمنی را متوجه کند که به این دنیا هیچ‌اعتمادی نیست، با «بده‌بستان» با او برخورد می‌کند! انسان در ابتدا وقتی چیزی را به چنگ می‌آورد، آرام و قرار ندارد؛ اما کمی که خدا با او بده‌بستان کرد، متین و باوقار می‌شود، هم در گرفتن و

هم در پس دادن. دیگر نه وقتی که به او چیزی می دهند، فرحی از خود نشان می دهد و نه وقتی که از او چیزی می گیرند، جزع می کند.

۶. پرسش: مگر خدا نمی داند که هر کسی چه کاره است تا لازم باشد او را به وسیله ناگواری ها آزمایش کند؟

پاسخ: شکی نیست که میان آزمایش ما و آزمایش خدا فرق است. آزمایش ما برای شناخت است، اما آزمایش خدا برای علم و آگاهی به وضع و روحیه و عکس العمل ما نیست؛ زیرا او قبل از هر فکر و عملی، می داند که ما چگونه فکر می کنیم و چگونه عمل خواهیم کرد. بلکه هدف او از آزمایش، این است که از ما کاری سرزند و بدین وسیله، استحقاق پاداش و کیفر داشته باشیم؛ زیرا خداوند طبق علم خود و بدون آن که از شخصی عملی سر بزند، به خوبی و بدی او پاداش و کیفر نمی دهد.

معلم می داند که فلان دانش آموز اهل درس خواندن نیست؛ ولی نمی تواند قبل از امتحان، او را مردود قلمداد کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «آزمایش های الهی برای علم پیدا کردن خداوند نیست؛ بلکه برای آن است که بستری ایجاد شود و از انسان عملی سرزند تا کیفر و پاداش بر مبنای عمل او باشد» (۱).

آزمایش الهی برای آن است که مدعیان راستین از مدعیان دروغین شناخته شوند. زیرا همه انسان ها به نوعی ادعا می کنند که آدم های خوبی هستند؛ اما به هنگام امتحان، حقیقت روشن می شود و هر کس می فهمد که چه مقدار در ادعایش راستگو بوده است.

۷. اهداف آزمایش عبارت اند از:

— شکوفا شدن استعدادهای نهفته در انسان: (وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ). (۲)

— جداسازی افراد نیک از بد: (مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ

ص: ۴۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

— جداسازی صفوف مجاهدان و صابران از غیر آن ها: (وَلْتَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ). (۲)

— انجام کارهای بهتر: (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا). (۳)

۸. منصور صیقل گوید: من و حارث بن مغیره با جماعتی از اصحابمان (شیعیان) خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم و از ظهور دولت حق سخن می گفتیم. آن حضرت سخن ما را می شنید، سپس فرمود: «شما در چه موضوعی وارد شده اید؟ هیهات! هیهات! به خدا قسم، آنچه انتظارش را می کشید، واقع نشود تا وقتی که غربال شوید. به خدا قسم، آنچه چشم به راهش هستید، واقع نشود تا وقتی که امتحان شوید. به خدا قسم، آنچه به سوی چشم می کشید، واقع نشود تا وقتی که جدا شوید». (۴)

ص: ۴۷

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۷۹.

۲- سوره محمد، آیه ۳۱.

۳- سوره کهف، آیه ۷.

۴- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

(الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (۱)

«[صابران] کسانی هستند که هر گاه مصیبتی به آن ها رسد، می گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم.»

نکته ها:

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ضمن حدیثی فرمود: «إِذَا عَجَّلَ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا... طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ» (۲) هنگامی که خداوند در خروج قائم ما تعجیل فرماید [و او خروج کند] زمین را پر از عدل و داد می نماید، هم چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد... خوشا به حال کسانی که در زمان غیبتش صابر و شکیبا باشند.»

۲. شعار صابران (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) است. در حدیث می خوانیم: «هرگاه با مصیبتی مواجه شدید، (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) بگویند» (۳) گفتن این عبارت و یاد خدا به هنگام ناگواری ها، آثار فراوانی دارد؛ از جمله:

— انسان را از کلام کفرآمیز و شکایت به خدا باز می دارد.

— موجب تسلیت و دلداری و تلقین افکار خوب به انسان است.

— مانع وسوسه های شیطانی است.

— اظهار عقاید حق است.

ص: ۴۸

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۲- کفایه الأثر، ص ۶۰.

۳- درّ المنثور، ج ۱، ص ۳۷۷.

— برای دیگران، مایه درس و الگوپذیری است.

۳. مردم در برابر مشکلات و مصائب چند دسته اند:

— گروهی جیغ و داد می کنند: (إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا). (۱)

— گروهی بردبار و صبور هستند: (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ).

— گروهی علاوه بر صبر، شکر گزارند: «اللهم لك الحمد، حمد الشاكرين لك على مصابهم». (۲)

۴. جایگاه صبر:

— صبر از صفات انبیاست: (كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ). (۳)

— صبر کلید بهشت است: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ...) (۴)

— صبر در بلاها و آزمایش های الهی، محک و ملاک شناخت مجاهدان و صابران و موجب روشن شدن چهره آنان است: (و)

لَتَبْلُوَنكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ). (۵)

— صبر نسبت به ایمان، به منزله سر برای بدن است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الصبر من الايمان كالرأس من

البدن». (۶)

— صبر، میزان درجات بهشتیان است: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ) (۷)، (أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا) (۸)، (و جزاهم بما صبروا

جَنَّةً وَ حَرِيرًا). (۹)

ص: ۴۹

۱- سوره معارج، آیه ۲۰.

۲- فقره آخر زیارت عاشورا.

۳- سوره انبیاء، آیه ۸۵.

۴- سوره بقره، آیه ۲۱۴.

۵- سوره محمد، آیه ۳۱.

۶- بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۰۳.

۷- سوره رعد، آیه ۲۴.

۸- سوره فرقان، آیه ۷۵.

۹- سوره انسان، آیه ۱۲.

— صبر دارای درجاتی است. در حدیثی می خوانیم که صبر بر مصیبت، ۳۰۰، صبر بر طاعت، ۶۰۰، و صبر بر معصیت، ۹۰۰ درجه دارد. (۱)

— در سراسر قرآن، اجر بی حساب فقط برای صابران مطرح شده است: (إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ). (۲)

— قرآن مجید در کنار صبر، شکر را نیز مطرح فرموده است؛ اشاره به این که مشکلات هم نعمت هستند: (لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ). (۳)

— ریشه صبر، ایمان به خداوند و معاد، و امید به دریافت پاداش است: (الَّذِينَ ... قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)

۵. راه هایی که قرآن برای صبر بر مشکلات به ما ارائه می دهد، از این قرار است:

— داشتن جهان بینی الهی

قرآن در مدح افراد باایمانی که در برابر سختی ها صبور هستند، می فرماید: این ها به خاطر داشتن جهان بینی الهی، در مواجهه با حوادث می گویند: ما برای خدا هستیم، استقلالی از خود نداریم، طلبی هم از او نداشته ایم، وجود ما و نعمت های ما همه و همه از اوست و ما امانتداری بیش نیستیم.

صابران، به جای خود باختگی و پناهندگی به دیگران، تنها به خدا پناه می برند؛ زیرا از دید آن ها، تمام جهان، کلاس درس و میدان آزمایش است و باید در آن رشد کنند. دنیا جای ماندن نیست، خوابگاه و عشرتکده نیست و شدائد و سختی های آن نیز نشانه بی مهری خداوند نیست. بلکه ناگواری ها برای آن است که زیر پای ما داغ شود و تندتر و سریع تر حرکت کنیم. بنابراین در تلخی ها نیز شیرینی است؛ زیرا شکوفا شدن استعدادها، کامیابی از پاداش های الهی را به دنبال دارد. این دید و جهان بینی، انسان را برای برخورد

ص: ۵۰

۱- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۲.

۲- سوره زمر، آیه ۱۰.

۳- سوره ابراهیم، آیه ۵.

صحیح با حوادث آماده می کند.

_ آگاهی از سنت های الهی

قرآن می فرماید: شما انسان های امروز، متفاوت از انسان های پیشین نیستید که بدون هیچ آزمایش و رنج و زحمتی به بهشت برسید؛ بلکه باید همچون امت ها و شخصیت های دیگر در جریان سخت ترین حوادث قرار گیرید و آزموده شوید: (ام حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ اِلا اَنْ نَّصَرَ اللَّهُ قَرِيبًا)؛ (۱) «آیا گمان می کنید که وارد بهشت می شوید بدون آن که با حوادث امت های پیشین برخورد کنید؟! مؤمنان قبل از شما مردمی بودند که انواع سختی ها به آن ها رسید تا جایی که اضطراب، همه آنان را فرا گرفت و پیامبر و مؤمنان گفتند: کجاست یاری خدا؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است».

این آیه می گوید که در طول تاریخ، افراد باایمان و حق طلب دچار سخت ترین ناملایمات شده اند، اکنون نیز نوبت شماست! بنابراین، نه ناگواری ها تازگی دارد و نه تنها شما هستید که گرفتار این سختی ها و مشکلات شده اید؛ این یک سنت الهی است که باید طی شود.

قرآن مکرر می فرماید: (وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ...); (۲) یعنی تاریخ پیامبران و امت های پیشین را یاد کنید تا فکر نکنید که ناگواری ها فقط برای شما بوده است. آنگاه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ اُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرَّسُلِ)؛ (۳) «تو نیز مانند سایر انبیا صبور باش».

آری! انسان اگر بداند که ناگواری ها، هم یک قانون و سنت است و هم عمومی و همگانی، آمادگی بیشتری برای مقابله با آن پیدا می کند. ما در ماه رمضان خیلی راحت

ص: ۵۱

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۴.

۲- سوره مریم، آیات ۴۱ و ۵۱.

۳- سوره احقاف، آیه ۳۵.

روزه می گیریم، چون عموم مردم در آن ماه، روزه هستند؛ اما در غیر ماه رمضان، روزه گرفتن سخت و دشوار است!

— آشنایی با صابران و چگونگی صبرشان

اطلاع از استقامت پیشینیان، یکی از رمزهای موفقیت در برخورد با حوادث است. قرآن در این زمینه بسیار سخن گفته و الگوها و مدل های صبر و استقامت را از افراد و امت های پیشین بیان کرده است.

قرآن می فرماید که پیامبران الهی علیهم السلام در برابر سرسخت ترین مخالفان خود می گفتند: (وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا)؛ [\(۱\)](#) «ما در برابر آزار شما استقامت خواهیم کرد» و نیز ساحرانی که به دعوت فرعون برای مقابله و محکوم کردن حضرت موسی علیه السلام آمده بودند، همین که به حقانیت پیامبر خدا پی بردند، ایمان آوردند و در برابر تهدیدات فرعون گفتند: (فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا)؛ [\(۲\)](#) «هر حکمی را که می توانی صادر کن، تو فقط در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی»، ما راه خود را پیدا کرده ایم و از مسیر حق دست بر نمی داریم.

آری! علم به تاریخ گذشته، در صبر و بردباری انسان بسیار مؤثر است؛ همان گونه که علم به اسرار آینده در صبر و تحمل انسان اثر می گذارد. حضرت خضر علیه السلام به موسی علیه السلام گفت: چون تو از باطن حوادث و اسرار کار من خبر نداری، صبر و تحمل نخواهی کرد: (و كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا)؛ [\(۳\)](#)

— توجه به حضور خدا

اگر انسان بداند و باور داشته باشد که خداوند بر تمام اعمال و رفتار و حتی افکار او آگاه است و در همه حال، حاضر و ناظر بر اوست، در برابر مشکلات صبر می کند و نه تنها سختی ها بر او آسان و شیرین می شود که خود به استقبال آن خواهد رفت.

ص: ۵۲

۱- سوره ابراهیم، آیه ۱۲.

۲- سوره طه، آیه ۷۲.

۳- سوره کهف، آیه ۶۸.

خداوند به موسی و هارون علیهما السلام فرمود: نزد فرعون بروید و سخن حقّ خود را به گوش او برسانید و او را به یکتاپرستی دعوت کنید، و بدانید که من با شما هستم، کارتان را می بینم و گفتگوهایتان را می شنوم: (أَنْتَى مَعَكُمْ اسْمَعُ وَ اَرَى). (۱)

و نیز خداوند برای عذاب قوم نوح و نجات افراد باایمان، به حضرت نوح دستور داد که با تأیید الهی کشتی بسازد: (وَاضِعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا). (۲) همین که آن حضرت به ساختن کشتی مشغول شد، تمسخر کفار نیز شروع شد. آن ها می گفتند: «گویا پیامبری شما نگرفت و اکنون دست به نجاری زده ای!»، ولی چیزی که موجب مقاومت او در برابر طعنه ها می شد، همان جمله خدای متعال بود که «تو پیش چشم ما هستی و کار تو زیر نظر ماست». چنین ایمان و بینشی روح استقامت را در انسان زنده می کند.

— توجه به پاداش الهی

از جمله مواردی که روح استقامت را در انسان زنده می کند، توجه به آثار مثبت و اجر و پاداش الهی صبر است؛ زیرا تحمل سختی ها، بزرگ ترین پاداش دنیوی و اخروی را برای انسان در بردارد. در قرآن نمونه های فراوانی از این امتیازها به چشم می خورد.

ص: ۵۳

۱- سوره طه، آیه ۴۶.

۲- سوره هود، آیه ۳۷.

(أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ) (۱)

«آنان هستند که برایشان از طرف پروردگارشان درودها و رحمت‌هایی است و

همان‌ها هدایت‌یافتگان اند.»

نکته‌ها:

۱. امام حسین علیه السلام فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمُ النَّاسِ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظَهِّرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ عَجَبٌ يَزِيدُ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَنْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَّا إِنْ الصَّابِرِينَ فِي عَجَبِهِ عَلَى الْمَادِي وَ التَّكْذِيبَ بِمَنْزِلِهِ الْمُجَاهِدِينَ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ؛ (۲)

از ما [اهل بیت] دوازده مهدی است که اولین آنان، امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنها نهمین نفر از فرزندان من است. اوست قیام‌کننده به حق که خداوند به وسیله او زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند و دین حق را به دست او بر تمامی ادیان پیروز می‌نماید؛ اگرچه مشرکین نخواهند. برای او غیبتی است که جمعی در آن مرتد شوند و جمعی دیگر در دین ثابت قدم بمانند و آزار شوند و به ایشان گفته شود: «کجاست این وعده، اگر راستگو هستید؟». هر آینه در دوران غیبت او، بردباران بر آزار و تکذیب مردم همانند جهادکنندگان با شمشیرند در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم».

۲. هدایت صابران، قطعی و مسلم است. با آن که در قرآن، هدایت یافتن بسیاری از

ص: ۵۴

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۷.

۲- کفایه الأثر، ص ۲۳۲.

انسان ها، تنها یک آرزو است: (لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ)، ولی در مورد صابران، هدایت آنان قطعی تلقی شده است: (أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ).

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ انْتَظَرَ أَمْرَنَا وَصَبَرَ عَلَيَّ مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي زُمْرَتِنَا؛ (۱) هر که چشم به راه دولت ما باشد و بر آزار و ترسی که می بیند، شکیبایی ورزد، فردای قیامت در زمره ما محشور می گردد».

۴. آثار و برکات صبر در قرآن:

- امنیت از مکر و حيله دشمنان: (وَ إِنْ تَصَبَّرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً). (۲)

- امداد غیبی الهی: (إِنْ تَصَبَّرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ). (۳)

- قطعی بودن پیروزی: (وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا). (۴)

- دریافت پاداش نیکوتر: (وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (۵)

- محبوب الهی شدن: (وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ). (۶)

- بهره مندی از همراهی خاصه الهی: (وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ). (۷)

- پیشوایی بر مردم: (وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا

ص: ۵۵

۱- الکافی، ج ۸، ص ۳۶.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۲۰.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۴- سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۵- سوره نحل، آیه ۹۶.

۶- سوره آل عمران، آیه ۱۴۶.

۷- سوره انفال، آیه ۴۶.

— ورود به بهشت: (وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ) (۲).

— رفاه دنیوی: (وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا) (۳).

— آرامش: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (۴).

۵. پرسش: آیا مشکلات جنبه مثبت نیز دارد؟

پاسخ: مشکلات، آثار و برکات دیگری نیز به همراه دارد؛ از جمله:

— انسان را به یاد ضعف خود می اندازد و غرورش را شکسته، او را متواضع می کند.

— ارتباط انسان با خداوند زیباتر می شود.

— انسان در مشکلات به فکر چاره می افتد و استعداد و ابتکارش شکوفا می شود.

— مشکلات، انسان را به یاد کسانی می اندازد که دائماً در حوادث تلخ زندگی می کنند.

— انسان با صبر و شکیبایی بر مشکلات، به مقام برتر و بالاتر می رسد.

— در مشکلات، عواطف مردم تحریک شده، احساس هم دردی می کنند و به این وسیله، پیوندهای عاطفی و اجتماعی محکم می شود.

— مردم با امداد و هم دردی و کمک رسانی، به پاداش های الهی می رسند.

— انسان در مشکلات، قوی و خودساخته می شود.

ص: ۵۶

۱- سوره سجده، آیه ۲۴.

۲- سوره فصلت، آیه ۳۵.

۳- سوره جن، آیه ۱۶.

۴- سوره احقاف، آیه ۱۳.

(وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...) (۱)

«حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید.»

نکته ها:

۱. امامان معصوم علیهم السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: «حج تمام، حجی است که در آن، کلام زشت، گناه و نزاع نباشد و از محرّمات پرهیز شود». (۲) همچنین فرموده اند که حجی تمام است که در آن، انسان توفیق یابد امام زمان خود را ملاقات کند. امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمود: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ؛ (۳) از موجبات تمامیت حج، دیدار امام است».

۲. امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: «إِنَّمَا أُمِرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَخْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُوا فَيَخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَ يَعْرضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ؛ (۴) همانا مردم مأمور شده اند تا به سوی این سنگ ها بیایند و دور آن ها طواف کنند، و آن گاه به سوی ما آیند و ما را از ولایتشان خبر دهند و نصرت خود را بر ما عرضه نمایند».

ایشان با استناد به آیه (فَجَعَلْنَا أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ) (۵) فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا نخواست که دل های مردم به کعبه تمایل پیدا کند، بلکه از خداوند

ص: ۵۷

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

۲- نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳- الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۴- الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۵- سوره ابراهیم، آیه ۳۷

درخواست کرد که مردم به ذریه او تمایل یابند» (۱). آری! توجه به امام، یکی از فلسفه های حج است.

۳. نصب امام در غدیر خم، در جریان حج بوده است. جابر بن عبدالله انصاری، ابوذر غفاری و... در ایام حج شرکت می نمودند و از هر فرصتی برای نقل حدیث غدیر خم استفاده می کردند.

۴. حج، بهترین فرصت برای توبه، یاد مرگ و معاد، از همه چیز بریدن، صحرای عرفات و مشعر را دیدن و در انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نشستن است.

۵. کعبه مرکز قیام است؛ یعنی می توان دور آن، مردم را برای قیام دعوت نمود. همان گونه که امام حسین علیه السلام قبل از حرکت به کربلا، چند ماه در مکه توقف کرد و هنگام اجتماع مردم برای اعمال حج، آنان را از حرکت خود آگاه ساخت. قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از آن جا آغاز خواهد شد و مایه خواهد گرفت.

۶. ارزش هر چیزی به پایه ها و ارکان آن است. امامان ما در زیارت جامعه «ارکان البلاد» معرفی شده اند. رکن کعبه، امام است؛ رکن مکه، امام است؛ رکن عالم وجود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اگر امام معصوم نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می برد. (۲)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر ساله در زمان حج، در مکه حضور دارد و نقش خود را ایفا می فرماید. امام صادق فرمود: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوْاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَهُ فِيهِ» (۳) قائم دو غیبت خواهد داشت. در یکی از آن دو، شاهد موسم های حج خواهد بود، در حالی که مردم را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند».

آری در عرفاتی که در آن، امام، حاضر نباشد، معرفتی نیست؛ در مشعری که در آن، امام، حاضر نباشد، شعوری نیست؛ اگر در منی امام حاضر نباشد، شیطان ها قد علم کرده و ایستاده اند و رمی آن ها ممکن نیست؛ اگر در کنار زمزم، امام، حاضر نباشد، آبی نخواهد

ص: ۵۸

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۱۱

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «لو بقيت الارض بغير امام لساخت». کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- الغيبة، نعمانی، ص ۲۵.

بود، بلکه هر چه هست، سراب است.

همان طور که حیات هر زنده ای وابسته به آب است (مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ)، (۱) حیات معنوی هر انسان نیز به رهبران آسمانی وابسته است: (دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) (۲)

۷. علمای ما، بیش از هر جا، در مراسم حج به دنبال گمشده خود، یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گشته اند. علی بن مهزیار اهوازی حدود بیست مرتبه به عشق دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به حج رفت، تا آن که در مرتبه آخر به او مژده داده شد که در آن سال، خدمت حضرت مشرف خواهد شد.

۸. در روایت آمده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن خدا حرکتش را از مکه شروع می کند و در حالی که به خانه کعبه تکیه زده، می گوید: (بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (۳) و مردم را به سوی خود دعوت می کند. اولین گروهی که با آن حضرت بیعت می کنند، ۳۱۳ نفر هستند. حضرت در مکه می ماند تا تعداد یارانش به ده هزار نفر برسد؛ سپس از آن جا به سمت مدینه حرکت می کند. (۴)

۹. مرحوم آیت الله العظمی حکیم، از مراجع تقلید، ماجرای را در جلسه درس خود نقل کرده اند که من آن را از فرزند شهیدش، مرحوم سید محمدباقر حکیم، امام جمعه نجف و نیز یکی از علمای اصفهان نقل می کنم.

ایشان نقل کرده است که با شخصی رفیق بودیم و او انسان بسیار خوبی بود. با هم قرار گذاشتیم که هر کدام زودتر مردیم، به خواب دیگری بیایم و از اوضاع آن طرف، خبر بدهیم. رفیقم از دنیا رفت و تا یک سال به خوابم نیامد.

بعد از یک سال که به خوابم آمد، به او گفتم: «چرا یک سال مرا بی خبر گذاشتی؟»، گفت: «لحظه مرگ به من گفتند یا یهودی بمیر یا نصرانی؛ زیرا تو امسال واجب الحج

ص: ۵۹

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲- سوره انفال، آیه ۲۴.

۳- سوره هود، آیه ۸۶.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

بودی و نرفتی. من وحشت کردم که بعد از یک عمر عقیده به اسلام و امامان معصوم علیهم السلام، باید یهودی یا مسیحی بمیرم!

شروع به التماس کردم و به حضرت زهرا علیها السلام متوسل شدم. حضرت زهرا علیها السلام به فرزندش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: امسال به نیابت از این محب ما به حج برو. لذا تا یک سال مرا نگه داشتند تا آن که زمان حج رسید و حج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نیابت از من تمام شد و حالا که آزاد شده ام به خواب شما آمدم».

۱۰. قرآن می فرماید: (لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ)؛ (۱) «به این شهر قسم می خورم، در حالی که تو در آن هستی و حلول کردی»، یعنی به خاطر وجود تو به مکه قسم می خورم. هم چنان که منبری ارزش دارد که گوینده، بر آن، حرف حق بزند.

در روایت آمده است: «إِنَّ الْأُمَّةَ أُمَّةُ الْأَسْوَءِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَّ أَمُّ الصَّلَاةِ وَ الرَّكَاةِ وَ الصَّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ». (۲) بر اساس این روایت، دو گونه اسلام داریم: اسلام ساکت و اسلام نامی. اسلام ساکت که غرب آن را ترویج کرده و جا انداخته، اسلام خشک است که تنها عبادت در آن وجود دارد. اسلام ساکت، اسلام خواب است! اما اسلام نامی، اسلامی است که باعث رشد و بالندگی شود. امامت و رهبری حق، باعث رشد اسلام می شود؛ همان گونه که در روایت آمده است که با وجود امام، حج کامل می شود.

۱۱. امام خمینی (ره) می فرمود: « این بیت معظم (کعبه) برای ناس بنا شده و برای قیام ناس و نهضت همگانی و برای منافع مردمی. و چه نفعی بالاتر و والا-تر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد. بیتی که برای قیام تأسیس شده است، آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود». (۳) حج باید وسیله حرکت و محل برائت از طاغوت باشد. حج فقط دور زدن و خم و راست شدن

ص: ۶۰

۱- سوره بلد، آیه ۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴.

نیست. قرآن می فرماید: (وَ عَلٰی كُلِّ ضَامِرٍ يٰٓاْتِيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ)، (۱) یعنی همه، از

همه جا و به هر شکلی به حج بروید، برای آن که مشکلات را حل نمایید.

حج، بسیج جهانی برای خرد کردن شیطان است؛ بسیجی علیه تفرقه ها، تعددها و امتیازات؛ بسیجی علیه کفر، شرک و نفاق. حج به مردم می گوید: ابراهیم، اسماعیل را به خدا داد و عیدی گرفت، شما هم عزیزتان را بدهید و عیدی بگیرید. به جهانیان بگویید که باید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان، سر از پا نشناخت و حتی از اسماعیل ذبیح الله علیه السلام گذشت، که حق، جاودانه است.

ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم به بشریت آموختند که بت ها هر چه هستند، باید شکسته شوند و کعبه _ که ام القری است _ و همه نقاط زمین _ که از زیر کعبه بسط پیدا کرده _ تا آخرین روز جهان باید از لوث بت ها تطهیر شوند.

و چه بتی بدتر از طاغوت های تاریخ، از زمان آدم صلی الله علیه السلام، ابراهیم خلیل الله علیه السلام و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تا آخرالزمان، و مگر ابرقدرت های امروز، بت های جهان نیستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابولهب ها را کوبید، شما هم باید ابرقدرت ها را بکوبید؛ اگر می خواهید پایتان را جای پای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگذارید.

خیلی از مسائل حج _ از منی و عرفات و رمی جمرات و... _ ماند که نگفتیم و تنها دورنمایی از حج را بیان کردیم. آرزوی امام عزیز، آرزوی اسلام و قرآن و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که حاجی ها بیدار و متحد شوند و ابرقدرت ها را درهم بکوبند.

ص: ۶۱

(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَيْذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَعَدُوٌّ فَضِيلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ) (۱)

«آیا ندیدی کسانی را که از ترس مرگ از خانه های خود فرار کردند، در حالی که هزاران نفر بودند؛ پس خداوند به آن ها گفت: بمیرید [و آن ها مردند]، سپس آنان را زنده کرد [تا درس عبرتی برای آیندگان باشند]. همانا خداوند نسبت به مردم احسان می کند، ولی بیشتر مردم سپاس نمی گذارند.»

نکته ها:

۱. در شأن نزول این آیه آمده است که در یکی از شهرهای شام که حدود هفتاد هزار خانوار، جمعیت داشت، بیماری طاعون پیدا شد که با سرعتی عجیب، مردم را یکی پس از دیگری از بین می برد. در این میان، عده ای از مردم (۲) که توانایی و امکان کوچ کردن داشتند، به امید این که از مرگ نجات پیدا کنند، از شهر خارج شدند؛ اما پروردگار، آن ها را در بیابان به همان بیماری دچار، و نابود ساخت.

از برخی روایات استفاده می شود که شیوع آن بیماری در آن شهر، مجازات الهی بود؛ زیرا وقتی رهبر و پیشوای آنان از آن ها خواست که خود را برای مبارزه و جهاد آماده کنند و از شهر خارج شوند، آن ها به بهانه این که مرض طاعون در منطقه جنگی شایع است، از رفتن به میدان جنگ خودداری کردند و خداوند نیز آن ها را به همان چیزی که

ص: ۶۲

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۳.

۲- به گفته صاحب تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، تعداد آن عده، بیش از ده هزار نفر بوده است؛ زیرا عرب به بیش از ده هزار «الوف» و به کم تر از آن «آلاف» می گوید. رک: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸۲.

بهبانۀ فرار از جنگ قرار داده بودند، مبتلا ساخت.

در برخی تفاسیر و روایات آمده است: وقتی حزقیل نبی، یکی از پیامبران بنی اسرائیل، از آن شهر عبور کرد، از خداوند درخواست کرد که ساکنین آن جا را زنده کند. خداوند دعای او را اجابت کرد و آن ها را مجدداً زنده نمود و به زندگی باز گرداند. (۱)

۲. شیعه، به رجعت و زنده شدن گروهی از افراد، قبل از قیامت، اعتقاد دارد و این اعتقاد، علاوه بر صدها حدیث، به آیاتی نظیر این آیه، مستند است. این امر، از نظر عقلی هم محال نیست و امکان وقوع دارد. اصل رجعت، در روایات، متواتر است؛ چنان که اقرار به رجعت اولیای خدا در متن زیارت نامه های امامان علیهم السلام نیز آمده است: «مصدق لرجعتکم».

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيْسَ مِنْنَا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا؛ (۲) از ما نیست کسی که به رجعت ما باور نداشته باشد».

۴. در روایات، روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز رجعت و روز قیامت از مصادیق «ایام الله» عنوان شده اند. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرْهِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ». (۳)

۵. نمونه هایی از رجعت در قرآن آمده است. یکی از معجزات عیسی علیه السلام این بود که مرده ها را زنده می کرد؛ پس در همین دنیا برخی از مرده ها زنده شده اند. به گزارش قرآن، عَزَّيرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ پیغمبری بود که وقتی از قریه ای می گذشت، گفت: «خدایا! اهل این قریه مخروبه که نابود شده اند، چگونه در قیامت زنده می شوند؟» خدا نیز همان جا جان او را گرفت و پس از صد سال، زنده اش کرد. (۴)

۶. در زیارت جامعه می خوانیم: «مُقَرَّرٌ بِرَجْعَتِكُمْ»؛ یعنی ای امام زمان! ای

اهل بیت! من قبول دارم که شما رجعتی خواهید داشت. در دعای عهد هم از خدا

ص: ۶۳

۱- الکافی، ج ۸، ص ۱۹۸.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.

۳- مختصر البصائر، ص ۸۹.

۴- سوره بقره، آیه ۲۵۹.

درخواست می کنیم که اگر قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا رفتیم، ما را در زمان ظهور، زنده کند و به دنیا بازگرداند.

۷. رجعت برای همه مردگان نیست؛ بلکه افراد خاصی با شرایط خاصی دو مرتبه زنده می شوند. درباره این که چه کسانی در رجعت باز خواهند گشت، احادیث فراوانی آمده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسِيُّنُ بَنُو عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَإِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ بَلْ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحْضًا» (۱) نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده شده، به دنیا بازمی گردد، حسین بن علی علیهما السلام است و این رجعت، عمومی نیست [که تمام مردگان زنده شده، سر از قبر برآورند]، بلکه افراد خاصی به دنیا برمی گردند و آن ها یا مؤمن خالص هستند یا مشرک محض».

۸. و نیز در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلِيًّا سَيَرْجِعَانِ» (۲) پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام به دنیا رجعت می کنند». هم چنین امام صادق علیه السلام فرمود: «با قائم آل محمد علیهم السلام، بیست و هفت مرد از مکه معظمه بیرون می آیند. پانزده تن ایشان از قوم موسی علیه السلام هستند، آنان که به حق و درستی راهنمایی می کردند و به وسیله آن، عدالت و دادگری می نمودند. هفت تن از آنان نیز اصحاب کهف هستند و باقی آن ها، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانة انصاری، مقداد و مالک اشتر می باشند که ایشان یاوران و فرماندهان آن حضرت خواهند بود» (۳).

۹. از امام صادق علیه السلام نقل است که فرموده اند: «برای افرادی که [به قهر الهی] هلاک شدند، دیگر رجعت به دنیا ممکن نیست؛ ولی برای کفاری که هلاک نشدند [و به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند] این رجعت امکان پذیر است» (۴).

ص: ۶۴

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۰۷.

۲- مختصر البصائر، ص ۱۰۷.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

۴- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴.

امتحان برای انتخاب یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كُمْ مِنْ قُوَّةٍ قَلِيلًا غَلَبَتْ فِئَةٌ كَثِيرَةٌ يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (١)

«پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آن ها گفت: خداوند شما را به یک نهر آب آزمایش می کند، پس هر که از آن بنوشد از من نیست و هر کس از آن نخورد _ مگر آن که با دست، مستی برگردد [و بیاشامد] _ از من است. پس [همین که به نهر آب رسیدند] جز اندکی، همه از آن نوشیدند. سپس هنگامی که او و یاوران باایمانش از آن نهر گذشتند [و دشمن را دیدند] گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. اما آن ها که اعتقاد داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد [و به روز قیامت ایمان داشتند] گفتند: چه بسا گروهی اندک که به اذن خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند و خداوند با صابران [و استقامت کنندگان] است.»

نکته ها:

۱. امام باقر علیه السلام می فرماید: «افرادی که تا آخر کار به طالوت وفادار ماندند، سی صد و سیزده نفر بودند». (۲)
۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند اصحاب موسی علیه السلام را به وسیله نهر آبی امتحان کرد، چنان که خدا فرمود: (إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ)، اصحاب قائم هم چنین امتحان خواهند شد». (۳)

ص: ۶۵

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۲- نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۵۱.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۲.

۳. یک مدیر باید نیروهای کارآمد را از نیروهای ناکارآمد جدا نماید تا بتواند نیروهای غیرمفید را از مجموعه طرد کند؛ زیرا حضور آن‌ها باعث سست شدن سایر نیروها می‌شود. (فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي)

۴. برای منصوب کردن افراد به مقام و مرتبه‌ای، گزینش و آزمایش لازم است؛

چنان که خداوند برای انتصاب حضرت ابراهیم علیه السلام به امامت، او را آزمود. (۱)

۵. یکی از راه‌های آزمایش، ممنوعیت‌های موسمی است. راحت طلبی و عدم تحمل فشارها و سختی‌های موسمی و موقتی، با سلحشوری سازگاری ندارد. (إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ)

۶. قبل از برخورد و مقابله با دشمن، باید تمرین مقاومت کرد. (مُجْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ)

۷. انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است. در این ماجرا، مدعی بسیار بود، ولی آنان که در آزمایش موفق شدند، اندک بودند. (إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ)

۸. ایمان، درجاتی دارد. با این که گروهی همراه با طالوت بودند و به او ایمان داشتند و از نوشیدن آب هم گذشتند (آمَنُوا مَعَهُ)، ولی همه آن مؤمنان رزمنده نبودند. تنها مؤمنانی رزمنده بودند که به لقاء الله ایمان داشتند. (يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ)

۹. نیروهای کیفی هرچند اندک باشند، بر نیروهای کمی برتری دارند. (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً)

۱۰. ملاک عزل و نصب‌ها، باید اهلیت و صلاحیت افراد باشد. کلید خوش بختی جامعه، بر سر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه آن‌ها، و منشأ نابسامانی‌ها، ریاست ناهلان است.

۱۱. رعایت اصل شایسته‌سالاری لازم است، حتی در مورد زبردستان؛ و خداوند کسانی را که شایسته هستند، سرپرستی می‌کند: (هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ). (۲)

۱۲. مردی از خراسان به امام صادق علیه السلام پیشنهاد قیام کرد و گفت: «شما صد هزار نیروی

ص: ۶۶

۱- سوره انسان، آیه ۲ و سوره ملک، آیه ۳.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۹۶.

مسلح دارید». امام برای آزمایش میزان فداکاری آن مرد به او فرمود: «به آن تنوری که پر از آتش است، وارد شو». او ترسید و عذرخواهی کرد. در این هنگام، هارون مکی، یکی از یاران امام، وارد شد و سلام کرد. امام به او فرمود: «کفش هایت را کنار بگذار و به تنور آتش وارد شو». او بدون هیچ پرسشی وارد تنور شد. امام نیز شروع به گفتگو کرد و از احوال خراسانی ها پرسید.

بعد از مدتی، امام رو به مرد خراسانی کرد و گفت: «برو داخل تنور را نگاه کن». او نیز چنین کرد و دید هارون مکی صحیح و سالم در تنور نشسته است. امام به او فرمود: «از این شیعیان تنوری که هر چه ما گفتیم تسلیم باشند و نق نزنند، چند نفر داریم؟» وی گفت: «شیعه تنوری هیچ!». (۱) آری میان ادعا و عمل، فاصله، بسیار است.

ص: ۶۷

(لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (۱)

«در [پذیرش] دین، اکراهی نیست. همانا راه رشد از گمراهی روشن شده است؛ پس هر که به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد، قطعاً به دستگیره محکمی دست یافته که گسستنی برای آن نیست. و خداوند شنوای داناست.»

نکته ها:

۱. مطابق روایات، یکی از مصادیق تمسک به «عروه الوثقی» و ریسمان محکم الهی، اتصال با اولیای خدا و اهل بیت علیهم السلام است. رسول اکرم فرمود: «ای مردم! کسی که دوست دارد به عروه الوثقی _ که هرگز قطع نمی گردد _ تمسک جوید، به ولایت علی علیه السلام تمسک کند؛ زیرا ولایت او، ولایت من، و اطاعت از او، اطاعت از من است.»

ای مردم! هر کس دوست دارد حجت پس از من را بشناسد، علی علیه السلام را بشناسد. ای مردم! کسی که ولایت خدا او را شاد می کند، باید به ولایت علی علیه السلام اقتدا کند؛ زیرا او خزانه علم من است. ای مردم! کسی که دوست دارد خدا را ملاقات کند و از او راضی باشد، ائمه علیهم السلام را دوست داشته باشد.»

جابر برخاست و پرسید: «ائمه چه تعداد هستند؟» فرمود: «ای جابر! خداوند تو را رحمت کند، [گویا] از همه اسلام پرسیدی. تعداد آنان به تعداد ماه هاست، که نزد خدا دوازده عدد است و آن را در کتاب خود، در روزی که آسمان و زمین را آفرید، آورده است.»

ص: ۶۸

و تعدادشان، به تعداد چشمه هایی است که برای موسی بن عمران علیه السلام جوشید، در آن زمان که عصایش را بر زمین زد و دوازده چشمه از آن جوشید. و تعدادشان به تعداد نقبای بنی اسرائیل است که خداوند فرموده: (وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا)؛^(۱) «و هنگامی که خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و دوازده بزرگ از میان آن ها برانگیختیم». ای جابر! تعداد ائمه علیهم السلام دوازده نفر است؛ اول ایشان علی علیه السلام و آخرینشان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.»^(۲)

۲. دینی که برهان و منطق دارد، نیازی به اکراه و اجبار ندارد. (لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ)

۳. دین، مایه رشد انسان است. (قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ)

۴. محکم بودن ریسمان الهی، کافی نیست؛ محکم گرفتن هم شرط است. (فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ...)

۵. تکیه به طاغوت ها و هر آنچه غیرخدایی است، گسستنی و از بین رفتنی است. تنها رشته ای که گسسته نمی شود، ایمان به خداست. (لَا انْفِصَامَ لَهَا)

۶. ایمان به خدا و رابطه با اولیای خدا ابدی است (لَمَا انْفِصَامَ لَهَا)؛ ولی طاغوت ها در قیامت از پیروان خود تبری خواهند جست.

۷. در زیارت جامعه می خوانیم: «مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ»^(۳) هر کس به شما متوسل شود، متوسل به خدا شده است». مثل آن است که می گوئیم هر کس به بچه من احترام کند، گویی به من احترام کرده است.

هر کس متوسل به شما شود، متوسل به خدا شده است و آن گاه (وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)؛^(۴) «هر کس به خدا متوسل شود، به راه مستقیم هدایت شده است». ما که در نماز می گوئیم: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)؛ «خدایا ما را به راه

ص: ۶۹

۱- سوره مائده، آیه ۱۲.

۲- إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۳.

۳- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

مستقیم بپر»، امام سجاده علیه السلام می فرماید: «راه مستقیم، راه اهل بیت علیهم السلام است»^(۱). راه توسل به خدا، توسل به اهل بیت علیهم السلام است.

۸. آیا توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او شرک است؟! با اندکی دقت در اطراف خود، متوجه می شویم که گردش امور هستی، بر اساس اسباب و وسایل، و به تعبیری دیگر، «توسل» است. آب و مواد غذایی از طریق ریشه، تنه و شاخه درخت به برگ آن می رسد و ریشه درخت از طریق برگ، نور و هوا را دریافت می کند. باران که می بارد، به واسطه ابر است و ابر به وسیله گرم شدن آب دریا در اثر نور خورشید ایجاد می شود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «ابی الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب»^(۲) «خداوند نمی خواهد که کارها بدون سبب و علت، جریان پیدا کند». خداوند برای هر کاری، واسطه و علتی قرار داده است. هر چند شفا و درمان از خداست: (و اذا مرضت فهو یشفین)^(۳) اما همین شفا را خداوند در غسل قرار داده است: (فیه شفاء للناس)^(۴). هر چند خداوند کارها را تدبیر می کند: (یدبّر الامر)^(۵) اما فرشتگان واسطه تدبیر او هستند: (فالمدبّرات امرأ)^(۶).

قرآن در مورد توسل می فرماید: (وابتغوا الیه الوسیله)^(۷) «وسیله ای برای نزدیکی به خدا جستجو نمایید». حال، آن وسیله کدام است؟ خداوند در این آیه، نوع وسیله را برای ما مشخص نکرده و آن را به صورت مطلق فرموده است. لذا وسیله، شامل هر چیزی که ما را به خدا نزدیک کند، می شود.

ص: ۷۰

۱- تفسیر کنز الدقائق، ج ۱، ص ۷۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۰.

۳- سوره شعراء، آیه ۸۰.

۴- سوره نحل، آیه ۶۹.

۵- سوره یونس، آیه ۳.

۶- سوره نازعات، آیه ۵.

۷- سوره مائده، آیه ۳۵.

حضرت آدم علیه السلام پس از آن که از بهشت اخراج گردید، سالیانی را به گریه، زاری، توبه و انابه گذراند. سپس کلماتی را از طرف پروردگارش دریافت کرد و به آن کلمات متوسل شد. قرآن در این باره می فرماید: (فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ).^(۱) فخر رازی و بسیاری از مفسران اهل سنت گفته اند که مراد از کلماتی که حضرت آدم علیه السلام به آن ها متوسل شد، نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش علیهم السلام بوده است. در روایات آمده است که آن کلمات، چنین بود: «الهی یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمه، یا محسن بحق الحسن، یا قدیم الاحسان بحق الحسین و منک الاحسان».

وهابیون می گویند: اگر نام کسی را در کنار نام خدا ببرید، شرک است؛ در حالی که اگر سخن آن ها درست باشد، خداوند _ نعوذ بالله _ خود، مشرک است! زیرا در آیه ۷۴ سوره توبه می فرماید: (أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ)؛ «خداوند و پیامبرش، آن ها را بی نیاز کردند». در این آیه، نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کنار نام خدا آمده است.

همچنین خداوند می فرماید: (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ)؛^(۲) «خداوند جان ها را می گیرد»، ولی در جای دیگری می فرماید: (يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ)؛^(۳) «ملک الموت جان شما را می گیرد».

بنابراین اعتقاد به وجود واسطه، نه تنها شرک نیست، بلکه اساس هستی بر مبنای آن است. کسی که می گوید توسل به امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام شرک است، خودش برای عبور کشتی هایش، متوسل به پرچم آمریکا می شود. آری! کسی که از توسل به زهرا علیها السلام جدا شد، باید متوسل به پرچم آمریکا بشود!

علاوه بر آیات قرآن و استدلال های فوق که توسل را جایز می داند، یک دلیل تجربی هم بر جواز توسل داریم و آن، بر آورده شدن حوائج است. میلیون ها انسان مؤمن و معتقد، با توسل به اهل بیت علیهم السلام حاجات خود را از خداوند می خواهند و خداوند حاجت های

ص: ۷۱

۱- سوره بقره، آیه ۳۷.

۲- سوره زمر، آیه ۴۲.

۳- سوره سجده، آیه ۱۱.

آن‌ها را برآورده کرده و مشکلاتشان را برطرف می‌سازد. اگر انجام این‌گونه کارها شرک است، پس چرا حاجت‌ها برآورده شده و این‌گونه دعاها مستجاب می‌شود؟ چرا آن‌ها ما را کمک می‌کنند؟ آیا خداوند متعال و آن بزرگواران، ما را به شرک سوق می‌دهند؟!

وهابی‌ها می‌گویند: هر ذکری جز «یا الله» شرک است، گرچه «یا محمد» باشد و اصولاً هر گونه استمدادی از غیر خدا شرک است. باید پرسید: اگر استمداد به اولیای خدا شرک است، پس حکم سخن فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام که به پدرشان گفتند: (یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا)؛^(۱) «پدر جان! از خداوند بخواه ما را ببخشد» چیست؟ اگر بگویند که حضرت یعقوب علیه السلام در زمان استمداد آن‌ها زنده بود، می‌گوییم: اهل بیت علیهم السلام نیز زنده هستند؛ زیرا قرآن می‌فرماید: (ولا تحسبنّ الذّین قُتلوا فی سبیل اللّهِ امواتاً بل احياء عند ربّهم یرزقون)؛^(۲) «گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در پیشگاه پروردگار خود، روزی می‌خورند».

۹. آقای کوپائی، نماینده آیت الله بروجردی، می‌گوید: «در سفری به نجف اشرف سخت مریض شدم. در آن جا پس از توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نذر کردم که اگر سالم شدم، دو باب حمام در سامرا بسازم. اتفاقاً خوب شدم و دوستان را از این امر آگاه کردم و نامه‌ای به حضرت آیت الله بروجردی نوشتم. ایشان هم کمک کرد».

بعد بنا گذاشتم حسینیه‌ای بسازم. معمار را از اصفهان بردیم. روزی معمار که در طبقه سوم کار می‌کرد، از بالا سقوط کرد و حال آن که روی زمین مقدار زیادی آهن بود و همه گفتیم از بین خواهد رفت. اما دیدیم که از جا بلند شد و کاملاً سالم بود. علت را پرسیدیم. گفت: «موقعی که پرتاب شدم، گفتم یا صاحب الزمان اغثنی».

بعد از این ماجرا شبی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب دیدم که داخل حسینیه شده و به من فرمودند: «لیست اشخاصی که برای ساخت این جا کمک کرده‌اند را بیاور». من همین کار را کردم؛ در حالی که دیدم همه آن‌هایی که کمک کرده‌اند، اطراف حضرت حاضرند.

ص: ۷۲

۱- سوره یوسف، آیه ۹۷.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

حضرت همه را دعا فرمود و اولین دعا را به حضرت آیت الله بروجردی کردند» (۱).

ص: ۷۳

۱- عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۱۲۲.

معرفت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف، مصداق بارز حجت

(يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) (۱)

«[خداوند] حکمت و بینش را به هر کس بخواهد [و شایسته ببیند] می دهد و به هر کس حکمت داده شود، همانا خیری فراوان به او داده شده است و جز خردمندان [از این نکته] متذکر نمی گردند.»

نکته ها:

۱. حکمت را به معنی معرفت و شناخت اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانسته اند که خداوند آن را به بعضی از افراد، به خاطر پاکی و تقوا و تلاششان، عطا می کند تا آنان و سوسه های شیطانی را از الهامات الهی باز شناخته و چاه را از راه و شعار را از شعور تشخیص دهند و این، خیر کثیر است.

۲. امام صادق علیه السلام راجع به این قول خدای عز و جل: (وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا) فرمود: «مراد از حکمت، اطاعت خدا و معرفت امام است.» (۲)

۳. همه دنیا متاع قلیل است، (۳) ولی حکمت، خیر کثیر است؛ پس اگر همه امکانات مادی در راه دست یابی به حکمت و بینش صحیح استفاده شود، ارزش دارد. (فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا)

۴. حکمت، هدیه ای کلیدی و مادر همه خیرات است. هر که آن را به دست آورد،

ص: ۷۴

۱- سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳- (مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ) سوره نساء، آیه ۷۷.

چیزهای بسیاری خواهد داشت. (وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا)

۵. هر کسی به ارزش حکمت پی نمی برد: (مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) دنیاگرایان بر مال و آمار و محاسبات مادی تکیه می کنند و سود و زیان را بر اساس مادیات می سنجند، ولی دوراندیشان عاقل و راه شناسان اندیشمند، از بُعد دیگری محاسبه می کنند.

ص: ۷۵

سوره آل عمران

اشاره

ص: ۷۷

(بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ) (۱)

«البته اگر صبر و مقاومت کنید و پرهیزگاری نمایید، [گرچه] دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می رساند.»

نکته ها:

۱. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ملائکه ای که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در روز بدر نصرت نمودند، در زمین هستند و هنوز بالا نرفته اند، و به آسمان نروند تا این که صاحب این امر (ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نصرت کنند و آن ها پنج هزار نفرند.»

۲. در حدیث می خوانیم: «سه لشکر برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آیند؛ لشکری از فرشتگان، لشکری از مؤمنان و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان» (۲).

۳. استقامت و تقوا، عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است. (إِنَّ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا ... يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ)

۴. امدادهای الهی، اختصاص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد. (إِنَّ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا ... يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ)

۵. هرچه هجوم دشمن بر تقواییان شدید باشد، خداوند نیز بر امدادهای خود خواهد افزود. (يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ ... بِخَمْسَةِ آلَافٍ)

۶. یکی از امدادهای غیبی، ملائکه هستند. چند آیه وجود دارد که می گوید در جنگ

ص: ۷۸

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۸.

بدر فرشته ها به کمک مسلمانان آمدند. در جایی می فرماید: (بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ)؛^(۱) یعنی سه هزار فرشته، و در جایی دیگر فرمود: اگر تقوی و صبرتان بیشتر باشد، پنج هزار فرشته می فرستم: (بِخَمْسَةِ آلَافٍ)^(۲) معلوم می شود که مدهای غیبی مرحله ای است.

کسی نگوید حال که چنین است در امور شخصی هم خدا از طریق امدادهای غیبی به من کمک می کند. مثلاً بدون درس خواندن در کنکور قبول می شوم یا کشاورزی درخواست کند که بدون زحمت و فقط با امدادهای غیبی، محصول خوبی به دست آورد. بنا نیست که خداوند عالم، دنیا و نظام موجود در آن را به هم بریزد.

در قرآن کریم، قدرت خدا همراه با حکمت او مطرح شده است. خدا قدرت دارد که بدون درد زایمان به مادر بچه بدهد، ولی حکمت خدا می گوید که بچه از راه درد زایمان و کشاورز از راه کشاورزی به هدفش برسد که نابرده رنج گنج میسر نمی شود!

حکمت خدا این است که انسان با دست و پا زدن و تلاش به جایی برسد. امدادهای غیبی پس از آن که انسان تلاش خود را انجام دهد، محقق خواهد شد.

۷. گرچه خداوند هر کس را بخواهد یاری می کند، ولی شرط یاری و آن است که مردم در مقام یاری دین او به پاخیزند. قرآن کریم می فرماید: (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ) برخی از شرایط نصرت و امداد الهی در قرآن عبارت اند از:

— صبر و استقامت: (فَصَبِرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا)؛^(۳) «بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید».

— یاری دین: (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَيِّنْ أَقْدَامَكُمْ)؛^(۴) «اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می کند و گام هایتان را استوار می سازد».

ص: ۷۹

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۲۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۳- سوره انعام، آیه ۳۴.

۴- سوره محمد، آیه ۷.

— مبارزه با دشمن: (قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَخْزِيهِمْ وَ يُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ)؛ (۱) «با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوا کند و شما را بر ایشان پیروزی بخشد».

— تقوا: (وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ)؛ (۲) «و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند».

— مجاهدت: (وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)؛ (۳) «و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راه های خود را بر آنان می نمایم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است».

— ایمان: (إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ)؛ (۴) «آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم و دل هایشان را استوار کردیم».

ص: ۸۰

۱- سوره توبه، آیه ۱۴.

۲- سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.

۳- سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۴- سوره کهف، آیات ۱۳ و ۱۴.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! [در برابر مشکلات و هوس ها] استقامت کنید و [در برابر دشمنان نیز] پایدار باشید [و دیگران را به صبر دعوت کنید] و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید.»

نکته ها:

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه چنین فرمود: «اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الائمه؛ (۲) در برابر واجبات صبر کنید، در برابر مشکلات صبر کنید و از پیشوایان خود دفاع کنید.»

۲. هم چنین امام باقر علیه السلام در مورد این آیه فرمود: «اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عند وکتم و رابطوا إمامکم المنتظر؛ (۳) بر انجام واجبات الهی صبر کنید و در برابر دشمنان پایداری کنید و مراقب و مرتبط با امامتان _ که به انتظارش هستید _ باشید.»

۳. این آیه، در چند مرحله به صبر در برابر انواع حوادث و مصائب توصیه می کند و به مؤمنان سفارش می نماید که در برابر ناگواری های شخصی و هوس ها صبر کنند (اصبروا)، در برابر فشارهای کفار، مقاومت بیشتری کنند (صابروا) و در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، و نیز حفظ مرزهای اعتقادی و فکری از طریق مباحث علمی و نیز حفظ مرز دل ها از هجوم وسوسه ها بکوشند. (رابطوا)

ص: ۸۱

۱- سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۸۱.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۹.

۴. تا در مشکلات فردی صابر نباشیم، نمی توانیم در برابر دشمنان دین، مقاومت کنیم. (اصْبِرُوا... صَابِرُوا...)

۵. نباید از دیگران عقب بمانیم؛ اگر کفار در کفر خود مقاومت می کنند، کشته می دهند و مال خرج می کنند، ما نیز باید در راه خدا با جان و مال پایداری کنیم. (صابِرُوا)

۶. اسلام، دین ارتباط است؛ ارتباط با خدا، پیامبران علیهم السلام، ائمه علیهم السلام و مردم. (رابطوا)

۷. صبر و مصابره و رابطه باید جهت دار باشد و در مسیر تقوا و رضای الهی قرار گیرد؛ و گرنه کفار هم این امور را دارند. (صابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ)

۸. رابطه ما با امام باید رابطه علمی، عاطفی، عملی و رفتاری باشد. یعنی باید با مغز و فکر، امام را بشناسیم؛ با دل و عشق و عاطفه، مرید، مخلص، عاشق و مطیعش باشیم و در عمل هم گوش به حرف او بدهیم.

۹. اگر بخواهیم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رابطه داشته باشیم، باید بعد از شناخت، با ایشان رابطه عاطفی هم برقرار کنیم. قرآن می فرماید: (إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا)؛ (۱) «اگر کسی به شما سلام کرد، شما جواب گرم تر بدهید». پس وقتی می گویند: «السلام علیک یا مهدی، السلام علیک یا صاحب الزمان»، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سلام شما را می شنود و جواب گرم تری به شما می دهد.

اصلاً همین که ما می توانیم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سلام می کنیم، پیداست که او ما را لایق دانسته که با او حرف بزیم. زیارت «آل یاسین» زیارتی است که در آن به وسیله سلام با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط معنوی پیدا می کنیم و بسیار زیارت خوبی است.

۱۰_ رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به ما ارزش می دهد. اسکناس، یک تکه کاغذ است؛ چیزی که به آن ارزش می دهد، نخ است که در وسط آن است. این نخ، ارتباط با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رابطه ما با خداست. نگذارید این نخ پاره شود!

۱۱_ صدقه که می دهیم فقط به نیت سلامتی خودمان نباشد. برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه یارانش نیز صدقه بدهیم. وقتی پول توی صندوق می اندازیم، چرا فقط برای یک

ص: ۸۲

۱۲_ فاصله ما با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زیاد است. روایت داریم که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر هفته کارهای ما را می بیند و چون ما هر هفته گناه می کنیم، قهراً ایشان از ما ناراحت می شود. تنها چیزی که می توانیم خودمان را با آن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وصل کنیم، این است که بگوییم: «مهدی جان! ما برای جدت امام حسین علیه السلام گریه کردیم». این ارتباط با عزاداری سیدالشهدا علیه السلام خیلی ارزش دارد.

۱۳_ روزی در حرم امام رضا علیه السلام مشغول زیارت بودم که شخصی از من سؤال کرد: «چند سال است طلبه ای؟» گفتم: «سال های زیادی است». او گفت: «حضرت علی علیه السلام هنگامی که یارانش را می دید، لذت می برد و خوشحال می شد؛ آیا اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تو را ببیند، خوشحال می شود؟» سرافکننده گفتم: «همین مقدار که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از من عصبانی نشود، برای من کافی است!»

۱۴_ ائمه علیهم السلام در قیامت از افرادی شفاعت می کنند که در این دنیا رابطه شان با ائمه علیهم السلام خوب باشد. هر کس اتصالش به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش تر است، آن جا هم بیشتر مشمول شفاعت خواهد بود و اگر کسی این جا رابطه اش قطع شود، مشمول شفاعت نخواهد شد.

سوره نساء

اشاره

ص: ۸۵

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (۱)

«همانا خداوند فرماتنان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید و هرگاه میان مردم داوری کردید، به عدل حکم کنید. چه نیک است آنچه که خداوند شما را بدان پند می دهد. بی گمان خداوند شنوای بیناست.»

نکته ها:

۱. در فرهنگ قرآن، «امانت» مفهوم وسیعی دارد و تمام شئون زندگی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را شامل می شود.
۲. امانتداری و رفتار عادلانه و دور از تبعیض، از نشانه های مهم ایمان است؛ چنان که خیانت در امانت، از علائم نفاق محسوب می شود. در حدیث است: «به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری آنان بنگرید». (۲)
۳. نافرمانی و ادا نکردن حقوق و وظایف خود در ارتباط با امانت، خیانت است؛ همان گونه که پیشی گرفتن ناصالحان بر صالحان در مسئولیت های اجتماعی، خیانت به خدا، رسول و مسلمانان است.
۴. از امام رضا علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال شد. ایشان فرمود: «هُمُ الْإِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ يُودِيَ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ بَعَدَهُ وَلَا يَخُصَّ بِهَا غَيْرَهُ وَلَا يَزْوِيهَا عَنْهُ» (۳) ایشان،

ص: ۸۶

۱- سوره نساء، آیه ۵۸.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۷۶.

ائمه از آل محمد عليهم السلام هستند. هر امامی باید امانت امامت را به امام بعد از خود بسپارد، به دیگری ندهد و از امام هم دریغ نکند».

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند، چهارده نور از نور عظمت خود را چهارده هزار سال قبل از آفرینش آدم علیه السلام آفرید که آن ها ارواح ما هستند». عرض شد: «آن چهارده نور چه کسانی هستند؟» فرمود: «محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین عليهم السلام که نهمین آن ها قائم ایشان است». سپس یکایک امامان را نام برد و آنگاه فرمود: «به خدا قسم، ما اوصیا و جانشینان بعد از پیامبریم. ما هستیم آن مقامی که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عنایت کرد. ما درخت نبوت، زادگاه رحمت، معدن حکمت، چراغ های دانش، پایگاه رسالت، محل رفت و آمد ملائکه، صاحب اسرار خدا و امانت او در میان بندگانش هستیم».^(۱)

۶. در روایات متعددی، منظور از امانت، رهبری جامعه معرفی شده است که اهل آن، اهل بیت عليهم السلام هستند. بازگرداندن رهبری امت به اهل بیت عليهم السلام، مصداق بارز عمل به این آیه است. آری! کلید خوش بختی جامعه، بر سر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه است و منشأ نابسامانی های اجتماعی، ریاست ناهلان و قضاوت های ظالمانه. حضرت علی علیه السلام فرموده است: «من تقدّم علی قوم و هو یری فیهم من هو افضل، فقد خان الله و رسوله و المؤمنین؛^(۲) هر کس خود را در جامعه بر دیگران مقدّم بدارد و پیشوا شود، در حالی که بداند افراد لایق تر از او وجود دارند، قطعاً به خدا و پیامبر و مؤمنان خیانت کرده است».

۷. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من می روم و دو امانت در کنار شما می گذارم: قرآن و اهل بیت». سپس فرمودند: «این دو هیچ وقت از هم جدا نمی شوند».^(۳) یعنی اهل بیت عليهم السلام معصوم اند؛ زیرا حتی با انجام یک خلاف، انسان از قرآن جدا می شود.

۸. در زیارت جامعه کبیره خطاب به اهل بیت عليهم السلام می خوانیم: «انتم الامانه المحفوظه؛ شما

ص: ۸۷

۱- بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۴.

۲- الحیاه، ج ۲، ص ۵۸۵.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۴۱۴.

آن امانت حفظ شده هستید».

۹. تشکیل حکومت لازم است؛ زیرا لازمه سپردن مسئولیت ها به اهلش و قضاوت عادلانه، برقراری نظام و حکومت الهی است.
(تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ ... تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ)

ص: ۸۸

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا) (۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خود (جانشینان پیامبر) اطاعت کنید. پس اگر درباره چیزی نزاع کردید، آن را به حکم خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و قیامت ایمان دارید. این [رجوع به قرآن و سنت برای حل اختلاف] بهتر و پایانش نیکوتر است.»

نکته ها:

۱. در آیه، اطاعت از اولوالامر آمده، ولی به هنگام نزاع، مراجعه به آنان مطرح نشده است؛ بلکه تنها مرجع حل نزاع، خدا و رسول معرفی شده اند. این نشانه آن است که اگر در شناخت اولوالامر و مصداق آن نیز نزاع شد، باید به خدا و رسول مراجعه شود. اگر همه فرقه ها، قرآن و سنت را مرجع می دانستند، اختلاف ها حل، و وحدت و یکپارچگی حاکم می شد. (فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ)

۲. قرآن درباره مفسدان، مسرفان، گمراهان، جاهلان، جباران و ... دستور (لا تُطِغْ) و (لا تَتَّبِعْ) می دهد. بنابراین موارد (أَطِيعُوا) باید کسانی باشند که از اطاعتشان نهی نشده باشد و اطاعتشان در تضاد با اوامر خدا و رسول نباشد؛ یعنی اولوالامر باید همچون پیامبر معصوم باشند تا اطاعت از آنان، مانند اطاعت از پیامبر، لازم و بی چون و چرا باشد.

عصمت یعنی آن که انسان نه تنها گناه نکند، بلکه در فکر گناه هم نباشد. ما در برخی

ص: ۸۹

گناهان حالت عصمت داریم؛ زیرا تاکنون مرتکب آن نشده ایم و فکر آن را هم نکرده ایم؛ نظیر عریان شدن در کوچه و بازار، خودکشی یا کشتن دیگران. همان گونه که ما به خاطر آگاهی و علمی که به زشتی و پستی و بدعاقبتی بسیاری از گناهان داریم، هرگز به فکر انجام آن ها نیستیم، امام هم به خاطر علم و یقینی که به ناپسندی همه گناهان دارد، هرگز گرد آن نمی رود.

لزوم عصمت امام از خطا و نسیان نیز به جهت آن است که ما معمولاً در رفتار و منش خود دچار خطا و اشتباه می شویم؛ پس به یک امام معصوم نیاز داریم تا به او مراجعه کرده و حقیقت را بازشناسیم و او ما را از اشتباه حفظ کند. لذا او نباید خطاکار باشد.

۳. جابر بن یزید جعفی گوید: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می گفت: وقتی خدای تعالی بر پیامبرش این آیه را فرو فرستاد: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)، عرض کردم: «یا رسول الله! خدا و رسولش را شناخته ایم، اما اولوالامری که خداوند طاعت آن ها را مقرون طاعت خود کرده، چه کسانی هستند؟»

فرمود: «ای جابر! آن ها جانشینان من و ائمه مسلمین پس از من هستند. اول ایشان، علی بن ابی طالب است و بعد از او حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی که در تورات به «باقر» معروف است و تو ای جابر، او را خواهی دید. پس آن گاه که او را دیدار کردی سلام مرا به او برسان.

و پس از او، جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی، ائمه مسلمین خواهند بود و پس از حسن بن علی، فرزندش _ که هم نام و هم کنیه من است _ حجت خدا در زمین و بقیت او در بین عبادش، امام مسلمین خواهد بود. او کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید. او کسی است که از شیعیان و اولیائش غایب شود، غیبتی که بر عقیده به امامت او باقی نماند، مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده باشد» (۱).

۴. در حدیثی دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از ذکر اسامی ائمه معصومین علیهم السلام برای جابر، به

ص: ۹۰

وی فرمود: «ای جابر! آنان جانشینان و اوصیا و اولاد و عترت من هستند؛ کسی که ایشان را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده، و کسی که از آنان سرپیچی کند، مرا سرپیچی کرده، و کسی که ایشان را یا یکی از آنان را انکار کند، مرا انکار کرده است.» (۱)

۵. پیامبر اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره لزوم اطاعت از قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَ الْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَ الْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ؛ (۲) قائم از فرزندان من است. نامش نام من و کنیه اش کنیه من است. شمائل او، شمائل من و روش او، روش من است. مردم را بر آئین و دینم بدارد و آن ها را به کتاب پروردگارم فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده، و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است. کسی که او را در دوران غیبتش انکار نماید، مرا انکار نموده، کسی که او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده، و کسی که او را تصدیق نماید، مرا تصدیق نموده است. از کسانی که گفتار مرا درباره او انکار و تکذیب می کنند و از کسانی از امتم که مردم را از طریقه او گمراه می سازند، به خداوند شکایت می برم.»

۶. آثار اطاعت از امام:

وفا کردن به تعهدات از سوی امام و امت، آثاری دارد که حضرت علی علیه السلام در

— نهج البلاغه — آن را چنین توصیف می فرماید: (۳)

— شکل گرفتن علاقه ها و تشکل نیروها (نظاماً لالفتهم)

— نفوذ ناپذیری و مصونیت مکتب در مقابل هر گونه خطر تحریف و بدعت و التقاط (و عزّاً لدينهم)

ص: ۹۱

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

— تضعیف باطل و استحکام پایگاه حق (و عز الحق بینهم)

— روشن شدن راه های دین (و قامت مناهج الدین)

— مستقر شدن استوانه های عدالت (و اعتدلت معالم العدل)

— قرار گرفتن امور در مجاری خود (و جرت علی اذلالها السنن)

— بسته شدن راه نفوذ دشمن و بهانه گیری بدخواهان (و طمع فی بقاء الدوله و یئست مطامع الاعداء)

۷. اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش به هم آمیخته است. اطاعت از رسول و اولو الامر — که امری سیاسی است — با ایمان به خدا و قیامت — که امری اعتقادی است — آمیخته است. (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ)

۸. این آیه به وظیفه مردم در برابر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کند. با وجود سه مرجع «خدا»، «پیامبر» و «اولوالامر»، مردم هرگز در بن بست قرار نمی گیرند. ذکر این سه مرجع برای اطاعت، با توحید قرآنی منافات ندارد؛ چون اطاعت از پیامبر و اولوالامر در طول اطاعت از خداوند است، نه در عرض آن. در حقیقت، اطاعت از آن دو، شعاعی از اطاعت خداست و به فرمان خداوند، اطاعت از آن ها نیز لازم است.

۹. پرسش: با وجود لزوم اطاعت از امام، حالا که امام زمان غایب است، چه باید کنیم؟

پاسخ: در زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ما به حال خود رها نشده ایم؛ بلکه ملتزم به پیروی از فقها و اسلام شناسان عادل و باتقوا — که نواب عام آن حضرت اند — هستیم. بنابراین بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات، گوش به فرمان حکم خدا که از طریق فقیه جامع شرایط و عادل به ما ابلاغ می شود، باشیم.

خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نامه دادند که در زمان غیبت من به مجتهد عادل رجوع کنید و فرمودند: «در حوادث جامعه و پیش آمدها، به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می کنند مراجعه کنید که من آن ها را به عنوان حجت در میان شما قرار دادم و خودم

البته این مجتهد خصوصیات دارد که امام حسن عسکری علیه السلام درباره آن فرموده است: «هر فقیهی که مراقب نفسش، حافظ دینش، مخالف هوای نفسش و مطیع امر مولایش می باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند. و این شرایط، تنها شامل برخی از فقهای شیعی می شود، نه تمامشان» (۲).

پس وظیفه ما اطاعت از مجتهد عادل است. اگرچه مجتهد، امام معصوم نیست، ولی از نظر عقل و اسلام، هر مسلمانی یا باید خودش فقیه باشد یا در گرفتن برنامه های عبادی اش از فقیه کمک بگیرد. اگر فقیه راه را درست رفت و اشتباهی نکرد، دو اجر دارد و اگر هم اشتباه رفت، چون عادل بوده و خطای عمومی انجام نداده است، باز هم به خاطر زحماتش اجر دارد.

مجتهد عادل، عصمت ندارد؛ ولی کلام او حجیت دارد. همان گونه که پزشکان عصمت ندارند، ولی نسخه آنان برای بیمار حجت است. حتی مراجع تقلید وقتی که بیمار می شوند یا نیاز به عمل جراحی دارند، تسلیم پزشکان می شوند.

ص: ۹۳

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲- تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۹۹.

(وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا) (۱)

«و هر کس که از خدا و پیامبر اطاعت کند، پس آنان [در قیامت] با کسانی همدم خواهند بود که خداوند بر آنان نعمت داده است، مانند پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان، و اینان چه همدم های خوبی هستند.»

نکته ها:

۱. در سوره حمد، گروه (أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ) مصداق ره پویان صراط مستقیم ذکر شده و این، بار دوم است که در کنار آیه صراط مستقیم، گروه (أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ) مطرح شده است. گویا غیر از انبیا، شهدا، صدیقان و صالحان، دیگران به بیراهه می روند و راه مسقیم، منحصرأ راه این چهار گروه است.

۲. رفیق خوب، انبیا، شهدا، صدیقان و صالحان اند. رفقای دنیایی را هم باید با همین خصلت ها گزینش کرد. (حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)

۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر این آیه فرمود: «مِنَ النَّبِيِّينَ يَعْنِي مُحَمَّدًا وَمِنَ الصَّادِقِينَ يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَمِنَ الشُّهَدَاءِ يَعْنِي حَمَزَةَ وَمِنَ الصَّالِحِينَ يَعْنِي الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا يَعْنِي الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ». (۲)

۴. امام رضا علیه السلام در حدیثی مفصل در بیان ویژگی های امام فرمود: «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ»

ص: ۹۴

۱- سوره نساء، آیه ۶۹.

۲- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۷.

الرَّفِيقُ؛ (۱) امام، همدم و رفیق واقعی است».

۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را دوست دارند و فرمودند: «همانا ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم؛ چراکه در غیر این صورت، سختی ها و گرفتاری ها بر شما فرو می آید و دشمنان، شما را ریشه کن کرده و از بین می برند». (۲) حالا- که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را فراموش نمی کنند، ما هم نباید ایشان را فراموش کنیم.

۶. پرسش: چگونه اراده خود را تقویت کنیم؟

پاسخ: یکی از کارهایی که باعث تقویت اراده می شود، آن است که با افرادی که اراده قوی دارند، رفیق شویم و بهترین رفیق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۷. پرسش: با چه کسی رفیق شویم؟

پاسخ: با کسی رفیق شوید که به شما انرژی و آینده نگری بدهد. در حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «حواریون به عیسی علیه السلام گفتند: یا روح الله! با که بنشینیم؟ فرمود: با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و سخنش دانشتان را زیاد کند و کردارش شما را به آخرت تشویق کند». (۳)

۸. مرحوم حضرت آیت الله گلپایگانی تعریف می فرمودند: «وقتی که حضرت آیت الله حائری برای تأسیس حوزه به قم آمده بودند، وضع طلبه ها خوب نبود. طلبه سیدی که مشکل مالی داشت، برای گرفتن مبلغی پول به یکی از اعضای دفتر ایشان مراجعه کرد. آن شخص می گوید: شب در مدرسه فیضیه با آقای حاج میرزا مهدی بروجردی در حجره بودیم که به خواب رفتم. خواب دیدم که شخصی محترم به حجره آمد و گفت: «حضرت رسول عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: به شیخ عبدالکریم حائری بگوئید مضطرب نباش که بر اثر گریه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجوهات شرعیه متوجه قم شد».

از خواب بیدار شدم و برای سفارش آن طلبه سید به خدمت آیت الله حائری رفتم.

ص: ۹۵

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

ایشان گفتند: «به مقسم بگویند شهریه را بپردازد. خواب شما صادقانه بود و وجوهی برای ما رسیده است». آن شخص می گفت: ایشان از خواب من مطلع بود، در حالی که من آن را برای کسی تعریف نکرده بودم». (۱)

۹. پدر شیخ صدوق بچه دار نمی شد. نامه ای به محضر مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت تا حضرت در حقیقت دعا کند و نامه را به وسیله حسین بن روح به آن حضرت رساند. امام علیه السلام در حقیقت دعا کرد و در جواب نامه اش نوشت: «قد دعونا الله لك بذلك، و سترزق ولدین ذکریین خیرین». (۲) پس از آن، به برکت دعای آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف صاحب دو فرزند عالم و فقیه شد. یکی از آن ها شیخ صدوق معروف به ابن بابویه است که قبرش نزدیک حرم حضرت عبدالعظیم می باشد.

۱۰. یکی از علمای نجف می گوید: «شبی در تاریکی شخصی را دیدم که داشت به طرف حرم امیر المؤمنین علیه السلام می رفت. به دنبالش رفتم. دیدم درهای حرم به رویش باز شد و او وارد شد و در مقابل ضریح ایستاد. سؤالاتی کرد و جواب شنید و بعد به طرف مسجد کوفه روانه شد و در مقابل محراب باز سؤالاتی کرد و جواب شنید و از مسجد بیرون آمد.

جلو رفتم و دیدم مقدس اردبیلی است. سلام کردم و قضیه را جویا شدم. از من تعهد گرفت که تا زنده است آن ماجرا را فاش نکنم. بعد فرمود: وقتی بعضی از مسائل بر من مشتبه می شود، به نزد قبر حضرت امیر علیه السلام می آیم و از ایشان جواب می گیرم. امشب آقا مرا به فرزندش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حواله فرمود که در محراب مسجد کوفه بود، رفتم و جوابم را گرفتم». (۳)

۱۲. در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است که ایشان عامل تألیف دل هاست. «این مؤلف شمل الصلاح و الرضا». (۴)

۱۳. اطاعت از رسول، پرتوی از اطاعت خدا و در طول آن است؛ پس با توحید منافاتی ندارد. (مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ)

ص: ۹۶

۱- عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۱۰۳.

۲- رجال نجاشی، ص ۲۶۱.

۳- عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۵۸

۴- إقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت مسیح علیه السلام

(وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا) (۱)

«و هیچ کس از اهل کتاب نیست، مگر آن که پیش از مرگش، به او (مسیح) ایمان می آورد و او روز قیامت، بر آنان گواه خواهد بود.»

نکته ها:

۱. طبق روایات شیعه و سنی، عیسی علیه السلام در آخرالزمان از آسمان فرود می آید و پشت سر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می خواند و پس از زندگی طولانی، از دنیا می رود. در هنگام فرود عیسی علیه السلام، مسیحیان به او ایمان صحیح می آورند، نه آن که او را پسر خدا بدانند. امام باقر علیه السلام فرمود: «عیسی علیه السلام قبل از روز قیامت فرو خواهد آمد و به دنیا احدی از

ملت های یهودی و دیگران نمی ماند، مگر آن که به او ایمان می آورد و او پشت سر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز خواهد خواند.» (۲)

۲. فردی یهودی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و معجزات حضرت موسی علیه السلام را به رخ ایشان کشید. آن حضرت فرمود: «نارواست که انسان از خود ستایش کند، ولی برای اطلاع تو می گویم که حضرت آدم علیه السلام برای توبه خود، حضرت نوح علیه السلام برای نجات از غرق شدن، حضرت ابراهیم علیه السلام برای نجات از آتش و حضرت موسی علیه السلام برای نجات از ترس، خدا را به حق من و آل من سوگند دادند.

ای یهودی! اگر موسی علیه السلام مرا می دید، به من ایمان می آورد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل من است که حضرت عیسی علیه السلام برای یاری او از آسمان فرو خواهد آمد و پشت سر او نماز

ص: ۹۷

۱- سوره نساء، آیه ۱۵۹.

۲- إلزام الناصب، ج ۱، ص ۵۷.

۳. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می خواستم از قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسش کنم که ایشان پیش از آن که من سؤال کنم، فرمود: «ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد شباهتی با پنج تن از انبیا وجود دارد؛ یونس بن متی علیهما السلام و یوسف بن یعقوب علیهما السلام و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

اما شباهت او با یونس بن متی علیه السلام آن است که وقتی پس از غیبت خود در کبر سن باز می گردد، جوان است. شباهت او با یوسف بن یعقوب علیهما السلام آن است که از خاص و عام غایب می شود و او از برادرانش نیز مخفی گشت و امر او بر پدرش هم پوشیده بود، با وجود آن که مسافت بین او و پدرش و خاندان و شیعیانش کم بود.

اما شباهت او با موسی علیه السلام دوام خوف، طول غیبت، خفای ولادت و رنج شیعیانش پس از وی است که آزار و اذیت و خواری می بینند تا آن که خدای تعالی اذن ظهور دهد و او را بر دشمنانش نصرت و تأیید فرماید. اما شباهت او با عیسی علیه السلام اختلافی است که درباره وی شکل می گیرد تا به غایتی که گروهی گویند متولد نشده، و گروهی گویند فوت کرده، و گروهی گویند کشته شده و به صلیب آویخته شده است.

اما شباهت او با جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم خروج او با شمشیر است و این که او جبارین و طواغیت و دشمنان خدا و رسول را خواهد کشت و این که با شمشیر و رعب، یاری می شود و هیچ پرچمی از او باز نگردد».^(۱)

۴. در لوح حضرت فاطمه علیها السلام آمده است: «... و از او (امام هادی علیه السلام) به وجود آورم دعوت کننده به راه من و خزانه دار دانش من [امام] حسن علیه السلام را. سپس این امر را کامل کنم با فرزندش (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) که رحمت برای جهانیان است. او کمال موسی علیه السلام و بها و نورانیت عیسی علیه السلام و صبر ایوب علیه السلام را دارد».^(۲)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۶۶.

سوره مائده

اشاره

ص: ۹۹

(إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوُا اللَّهَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) (۱)

«همانا ما تورات را نازل کردیم [که] در آن، هدایت و نور است. پیامبران الهی که تسلیم فرمان خدا بودند، بر طبق آن برای یهود حکم می کردند و [هم چنین] مربیان الهی و دانشمندان بر طبق این کتاب آسمانی که حفاظت آن به آنان سپرده شده بود و بر آن گواه بودند، داوری می کردند. پس [ای علما!] از مردم نترسید [و احکام خدا را بیان کنید] و از [مخالفت با] من بترسید و آیات مرا به بهای اندک نفروشید. و کسانی که طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند، پس آنان همان کافران اند.»

نکته ها:

۱. «ربّانی» از «ربّان» به معنای تربیت کننده است. به گفته بعضی، «ربّانی» کسی است که با «ربّ العالمین» پیوند خورده، با علم و عمل، خدایی شده و تربیت مردم را بر عهده دارد.

۲. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «أَنَا رَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ (۲) رَبَّانِي أَيْنَ أُمَّةٍ، مِنْ هَسْتُمْ».

۳. «جبر» به معنای اثر نیک است. چون عالمان در جامعه منشأ اثر نیک هستند، به

ص: ۱۰۰

۱- سوره مائده، آیه ۴۴.

۲- مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۳۷.

آنان جبر و اجبار گفته می شود.

۴. علمای هر امت، مسئول اجرای احکام الهی در میان مردم هستند: (يُحْكُمُ بِهَا... وَ الْأَخْبَارُ) قرآن کریم می گوید: ما کتاب آسمانی تورات را فرستادیم و در این کتاب آسمانی، نور و هدایت است. انبیای الهی طبق همین کتاب آسمانی حکومت می کنند. پس از آن ها چه کسی باید حکومت کند؟ در ادامه می فرماید: (الرَّبَّائِيُونَ) آیا پس از آن ها کسی دیگر چنین جایگاهی دارد؟ می فرماید: (الأخبار)، یعنی عالمان دین نیز بر مبنای کتاب آسمانی، حق حکومت دارند و این همان ولایت فقیه است.

ملاحظه می کنید که ولایت فقیه در ادیان قبل از اسلام هم مطرح بوده است. پس فکر نکنیم که این مسأله امری است که فقط امام خمینی (ره) آورده است. آری، ولایت فقیه، ریشه در تمام ادیان دارد.

۵. نقش ولایت فقیه همان نقش امامت و در ادامه خط انبیاست. توضیح آن که اسلام قوانینی درباره مسائل اقتصادی، جزایی، نظامی و قضایی دارد که نه اجازه می دهد آن احکام تعطیل شود و نه اختیار اجرای آن را به دست افراد جاهل به احکام می سپارد؛ بلکه اجرای آن را تنها به دست فقهای عادل و اسلام شناسان باتقوا سپرده تا در تمام حوادث، طبق قانون خدا حکم کنند. خداوند اطاعت از آن فقها را همچون اطاعت از امام معصوم و رسول گرامی واجب دانسته است.

آیا مسلمانان نیاز به حکومت و نظام ندارند؟ آیا جامعه و کشور اسلامی نباید حفظ شود؟ آیا حفظ مرزها لازم نیست؟ آیا قوانین در کشور اسلامی نباید اجرا شود؟ آیا حقّ مظلوم نباید از ظالم گرفته شود و ظالم به مجازات برسد؟ آیا صدای اسلام نباید به همه دنیا برسد؟ آیا تلاش انبیا و امامان تنها برای زمان خود آنان بود یا برای همه زمان ها و مکان ها؟

اگر جواب مثبت است و اسلام نیاز به نظام، حکومت، جامعه و قانون دارد و حفظ حقوق و مرزها هنوز هم مطرح است، باید در زمان غیبت نیز حکومت اسلامی برپا باشد. زیرا بدون یک تشکیلات حساب شده و دقیق، به خصوص در زمان ما که تمام مخالفان اسلام دارای تشکیلاتی بس بزرگ و دقیق هستند، هرگز نمی توانیم از قانون و مکتب و

مرز و جان و مال و آبروی خود دفاع کنیم.

و اگر حکومت لازم است، حاکم هم لازم است؛ زیرا حکومت بدون حاکم محال است. اکنون که اسلام برای اجرای قوانین خود، هم نیاز به حکومت دارد و هم حاکم، باید ببینیم حاکم چه شرایطی باید داشته باشد. آیا لازم است حکم خدا را عمیقاً بدانند یا نه؟ آیا عدالت داشته باشد یا نه؟ آیا آشنا و آگاه به مسائل و حوادث باشد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است و به حاکم اسلام شناس باتقوا و سیاستمدار نیاز است، این همان است که ما آن را ولایت فقیه می نامیم.

۶. کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند باید یکی از نظریه های زیر را بپذیرند:

— اسلام تنها نماز و روزه و یک سری عبادات فردی و اخلاقیات است و در مسائل مهم اجتماعی، حقوقی، قضایی، سیاسی و اقتصادی دخالتی ندارد.

— اسلام تنها برای زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده، و بعد از آن، دیگر جای قوانین مهم اجتماعی تنها در لابه لای کتاب هاست.

— اسلام دارای قوانین حکومتی و اجتماعی است، اما شرایطی برای مجریان آن قرار نداده و هرکس، گرچه جاهل و فاسق باشد، می تواند زمام امور را به دست بگیرد.

حال سؤال این است که آیا جامعه اسلامی در زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیاز به حاکم و حکومت ندارد؟! امام رضا علیه السلام می فرماید: «هیچ ملت و امتی بدون رهبر نیست. قوام جامعه وابسته به وجود رهبر است تا به فرمان او هم بیت المال جمع و تقسیم شود، هم با دشمنان خدا نبرد شود و هم مردم را تشکل داده و از تفرقه و تشتت حفظ کند. اگر جامعه چنین رهبری نداشته باشد، از هم می پاشد و قوانین خدا و دستورات رسول الله و احکام الهی تغییر می کند» (۱).

مشاهده می فرمائید که مسأله رهبری و حکومت در بیان امام رضا علیه السلام به عنوان مهم ترین مسأله زندگی مطرح شده و ناگفته پیداست که گرفتن مالیات به نفع محرومان و تقسیم عادلانه آن و نبرد با مخالفان و تشکل افراد جامعه، چیزی نیست که تنها مربوط به زمان

ص: ۱۰۲

حضور امامان معصوم علیهم السلام باشد و امت اسلامی در زمان غیبت به حال خود رها شده باشند و حکومت و حاکمی برای مسائل فوق لازم نباشد.

بر اساس روایات نیز اسلام بار حکومت را به دوش فقیه عادل گذارده است. به گوشه ای از این دسته روایات اشاره می کنیم:

— رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقها را خلیفه خود معرفی کرده و فرموده است: «اللهم ارحم خلفائی؛ خداوندا! جانشینان مرا مورد لطف و رحمت قرار ده!» از آن حضرت سؤال شد: «جانشینان شما چه کسانی هستند؟» فرمود: «الفقهاء» (۱) و در جای دیگر فرمود: «العلماء ورثة الانبياء؛ (۲) علما، وارثان انبیا هستند».

— حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر غارتگری ستمگران و گرسنگی محرومان خاموش نمانند» (۳) شکی نیست که حمایت از مظلومان و محکومیت ظالمان، نیاز به قدرت و تشکیلات دارد؛ از این رو در جای دیگر فرموده است: «العلماء حکام علی الناس؛ (۴) علما، حاکمان مردم هستند».

— امام حسین علیه السلام می فرماید: «مجرای امور و احکام باید به دست علمای خداشناس و باتقوا باشد، کسانی که در حرام و حلال خدا خیانت نمی کنند و امانت را حفظ می نمایند» (۵).

— از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا شیعیان اجازه دارند برای رفع نزاع های خود به نظام طاغوتی مراجعه کنند؟ امام فرمودند: «مراجعه به آن ها ممنوع است و حتی اگر شخصی حق خود را از طریق دستگاه طاغوتی به دست آورد، تصرف در آن حرام است» (۶) بلکه در

ص: ۱۰۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۳.

۴- غررالحکم، ص ۳۶.

۵- تحف العقول، ص ۲۴۲.

۶- شاید به خاطر آن که مراجعه به دستگاه طاغوتی به منزله پذیرفتن آن نظام و تقویت آن است.

این موارد، وظیفه شما آن است که به افرادی مراجعه کنید که شناخت عمیق نسبت به علوم و روایات ما دارند. من آن‌ها را به عنوان قاضی و داور برای شما تعیین می‌کنم و بدانید که اگر او حکمی داد و شما آن را قبول نکردید، در واقع حکم خدا را کوچک شمرده‌اید و هر که آن فقها را رد کند، گویا ما را رد کرده و ردّ ما ردّ خدا و به منزله شرک به خدای بزرگ است»^(۱).

— امام کاظم علیه السلام فرمود: «الفقهاء حصون الاسلام؛^(۲) فقها قلعه اسلام هستند».

— امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با خط مبارک خود، پیامی برای یکی از نواب خود نوشتند که در آن سفارش شده بود: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجّتی علیکم و انا حجّج الله؛^(۳) در حوادث جامعه و پیش آمدها به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می‌کنند، مراجعه کنید که من آن‌ها را به عنوان حجت در میان شما قرار دادم و خود، حجت خدا هستم».

از این گونه احادیث متوجه می‌شویم که موضوع ولایت فقیه چیز تازه‌ای نیست که جمهوری اسلامی آن را مطرح کرده باشد، بلکه از آغاز بوده است؛ منتهی طاغوت‌ها و پادشاهان نگذاشتند که فرصتی برای عمل به این گونه احادیث پیدا شود. گنجی بود مخفی که امام خمینی (ره) آن را آشکار ساخت.

راه دور نرویم، مهم‌ترین رمز پیروزی ملت ایران در انقلاب خود، توجه به ولایت فقیه بود. فقیه جامع الشرایطی همچون امام (ره) دستور می‌داد و مردم با جان و دل می‌پذیرفتند. دستور داد شیرهای نفت را ببندید، سربازها از سربازخانه‌ها فرار کنند، کمبودها را از سهم امام جبران کنید، به تحصن خود ادامه دهید، اگر درب مساجد را بستند، وسط خیابان‌ها اقامه عزاداری نمایند و... آیا این دستورات به موقع امام در زمان طاغوت و پیروی مردم مسلمان، دلیل سقوط رژیم پهلوی نشد؟!

ص: ۱۰۴

۱- الکافی، ج ۱، ص ۶۸.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۸.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

ایران کشور پهناوری بود که در طول تاریخ، هر وقت دشمنان به آن حمله کردند، گوشه ای از آن را جدا کردند؛ اما تنها زمانی نتوانستند حتی یک وجب از خاک آن را جدا کنند که کشور در دست ولی فقیه بود، با این که تمامی قدرت های استکباری جهان و عمال آن ها، هماهنگ و متحد شده، و مصمم بر شکست ایران و تجزیه آن بودند. برای همین است که جهان خواران و مزدوران داخلی آن ها با ولایت فقیه مخالف اند و با انواع توطئه ها و تهمت ها در صدد تضعیف آن هستند.

ما از مخالفان ولایت فقیه می پرسیم: شما که دست امت را از دست فقیه عادل درمی آورید، می خواهید در دست چه کسی بگذارید؟ در این چند سال که مردم ولایت فقیه را پذیرفتند، چه ضرری کردند و از چه چیزی بازماندند؟ مگر تقلید تنها در مسائل عبادی است؟ مگر در مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، احتمال حرام و حلال داده نمی شود و مگر نباید در هر موضوعی که احتمال حرام و حلال می دهیم، تقلید کنیم؟

آیا سپردن رهبری امت مسلمان به غیراسلام شناس، همچون سپردن دانشکده پزشکی به غیر پزشک نیست؟! آیا سپردن امت به دست افراد غیرعادل و گناه کار، خیانت به مقام انسان نیست؟ آیا نمی توانیم به دنیا اعلام کنیم که تنها کسانی لیاقت رهبری ما را دارند که از علم و تقوای خاصی برخوردار باشند؟ آیا زمان آن نرسیده که از پذیرش رهبری های غیرصادقانه و سیاست بازان و فرصت طلبان حرفه ای، شانه خالی کنیم و خود را در دامن اسلام انداخته و تنها رهبری را بپذیریم که با معیارهای وحی تطبیق کند؟

ویژگی های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد [به خدا ضرری نمی زند، چون] خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان، نرم و فروتن، و در برابر کافران، سرسخت و قاطع اند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد [و شایسته ببیند] می دهد و خداوند وسعت بخش و بسیار داناست.»

نکته ها:

۱. امام صادق علیه السلام می فرمود: «همانا یاران صاحب این امر، برای او نگهداری شده اند؛ اگر همه مردم نیز از بین بروند، خداوند یارانش را به او می رساند، و آنان همان کسانی هستند که خدای عزوجل فرموده: اگر اینان بدان کافر شوند، پس به تحقیق، ما گروهی را که بدان کافر نیستند بر آن موکل کرده ایم. (۲) و آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده است: خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند، در برابر مؤمنان، فروتن، و در برابر کافران با عزت و درشتخو و سختگیر هستند.» (۳)

ص: ۱۰۶

۱- سوره مائده، آیه ۵۴.

۲- سوره انعام، آیه ۸۹.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۶.

۲. امام صادق علیه السلام در برخی از اوصاف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «آنان مردانی هستند که دل هایشان مانند پاره های آهن است، شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان، از سنگ محکم تر هستند. اگر آن ها را وادارند که کوه ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان برمی دارند.

لشکر آن ها قصد هیچ شهری نمی کند، جز این که آن را خراب می نماید. اسب های آن ها زین های زرین دارند و خود آن ها برای تبرک، بدن خود را به زین اسب امام می ساینند. آن ها در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می دهند.

مردانی در میان آن ها هستند که شب ها نمی خوابند؛ زمزمه آن ها در حال عبادت،

همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغول اند و روزها سواره به دشمن حمله می کنند. آن ها در وقت شب، راهب، و هنگام روز، شیرند.

فرمانبرداری آن ها از امام، بیش از فرمانبرداری کنیز از آقایش است. آن ها مانند چراغ های درخشنده اند و دل هایشان همچون قندیل های چراغ است. آن ها ادعای شهادت دارند و تمنا می کنند که در راه خداوند کشته شوند. شعار آنان این است: «ای خون خواهان حسین!» از هر جا می گذرند، رعب آن ها پیشاپیش آنان به اندازه یک ماه راه، در دل ها جای می گیرد و بدین گونه به پیش می روند. خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می گرداند» (۱).

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَيَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا؛ هر کس که بودن در شمار یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شادمانش می سازد، باید در انتظار باشد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند. پس اگر اجلس برسد و امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از درگذشت او قیام کند، بهره او همچون بهره کسی است که آن

ص: ۱۰۷

حضرت را دریافته باشد. پس بکوشید و منتظر باشید» (۱).

۶. امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شَيْعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا» (۲) هنگامی که قائم ما قیام کند، خدای عزوجل از شیعه ما آفت را برطرف سازد و دل هایشان را همچون پاره های آهن کند و نیروی هر مرد از آنان را به اندازه نیروی چهل مرد قرار دهد و ایشان در آن زمان، فرمانروایان و بزرگان روی زمین خواهند بود.

۷. ترسوها یار امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستند. اگر چیزی را بخواهید بدوزید، به نخ محکم نیاز دارید نه نخ های وا رفته! کسانی که دو لیتر برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گریه می کنند، ولی حاضر نیستند که برایش یک سیلی بخورند، یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستند. بیایید آن گونه باشیم که وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما نگاه می کند، لذت ببرد.

۸. کسی که منتظر مصلح است، خود باید صالح باشد. مجرم نمی تواند منتظر مصلح باشد.

۹. امام سجاد علیه السلام فرمود: «کسانی که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، برای دین خدا علنی و مخفیانه تلاش، و برای دینشان تبلیغ می کنند» (۳). این همان معنای انتظار است. امام باقر علیه السلام خطاب به شیعیان فرمود: «لِيَعْنِ قَوِيَّتُكُمْ ضَعْفُكُمْ وَ لِيُعْطِفَ غَيْبُكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ وَ لِيُنْصَحَ الرَّجُلُ أَخَاهُ كُنْصَحِهِ لِنَفْسِهِ وَ اَكْتُمُوا أَسْرَارَنَا» (۴) قوی ها، ضعیف ها را کمک کنند، غنی به فقیر محبت کند، همان گونه که برای خودتان خیرخواهی می کنید، برای مردم خیرخواهی کنید و اسرار ما را حفظ کنید». ایشان بعد از جملاتی، در آخر می فرماید: اگر این چنین بودید و یکی از شما قبل از قیام قائم آل محمد علیهم السلام از دنیا رفت، «كَانَ شَهِيدًا»، یعنی شهید از دنیا رفته است.

ص: ۱۰۸

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰.

۲- الخصال، ج ۲، ص ۵۴۱.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۴- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۳۵.

۱۰. یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر تعهد، تخصص هم دارند. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا در هنگام ظهور، مؤمنی غیر از آن سی صد و سیزده نفر نیست؟» ایشان فرمود: «بَلَى، وَ لَكِنَّ هَذِهِ الْعِدَّةُ الَّتِي يُخْرِجُ اللَّهُ فِيهَا الْقَائِمَ، هُمُ النَّجْبَاءُ وَ الْقُضَاءُ وَ الْحُكَّامُ وَ الْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ؛ (۱) بله، ولی این عده ای که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با آن ها قیام می کند، از نجیبان و قاضیان و حاکمان و فقیهان دین هستند».

۱۱. مدیریت و حکومت، نیاز به لیاقت و صلاحیت های خاصی دارد. قرآن می فرماید: (أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (۲) وارثان زمین دو ویژگی دارند: یکی، بنده خدا بودن و داشتن تقوای الهی (عبادی) و دیگری برخورداری از صلاحیت که همان لیاقت، تخصص و مدیریت لازم است.

ص: ۱۰۹

۱- دلائل الإمامه، ص ۵۶۲.

۲- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

سوره اعراف

اشاره

ص: ۱۱۱

«قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَضِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (۱)

«حضرت هود علیه السلام با دیدن سرسختی قوم عاد [گفت: پلیدی و خشم و عقوبت از سوی پروردگارتان بر شما حتمی شد. آیا با من درباره نام هایی جدل می کنید که شما و نیاکانتان بر آن [بت ها] نهاده اید؟ خداوند نسبت به حقانیت معبودهای شما برهانی نازل نکرده است. پس منتظر باشید، من هم با شما از منتظرانم.»

نکته ها:

۱. امام رضا علیه السلام فرمود: «چقدر صبر کردن و انتظار فرج کشیدن نیکوست! آیا نشنیده اید که عبد صالح فرمود: (انْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ)؛ پس منتظر باشید، من هم با شما از منتظرانم.» (۲)

۲. پیامبر خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ (۳) انتظار فرج و گشایش، برترین عبادت است.»

۳. هر کس در زندگی خود، انتظار و امیدی دارد و البته زندگی به این امیدهاست. اگر چراغ امید خاموش بشود، دیگر کسی دنبال کاری نمی رود. منتهی باید دید که چه انتظاری ارزش دارد؟ همه افراد امید دارند، اما روشن فکر کسی است که در انتظار صلح جهانی باشد و برای همه مردم فکر کند.

ص: ۱۱۲

۱- سوره اعراف، آیه ۷۱.

۲- نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۴.

۳- نهج الفصاحه، کلمه ۴۰۹.

اگر خواستید ببینید فردی چقدر ارزش دارد، ببینید آرزویش چیست؟ آرزوی یک بچه آدامس است! اما هرچه روح بزرگ تر شود، امیدهای او هم بزرگ تر می شود. بزرگ ترین افراد کسانی هستند که در انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. چون انتظار حضرت، یعنی امید جهانی؛ خیر جهانی؛ عدالت جهانی؛ امنیت جهانی!

هرچه آرزو کوچک تر باشد، نشان می دهد که شخص کوچک تر است و هرچه آرزو بزرگ تر باشد، شخص بزرگ تر است. انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی انتظار همه خوبی ها و محو همه بدی ها.

۴. باید دانست که انتظار، یک عمل است؛ زیرا در روایات ما آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» و نمی گوید: «افضل الحالات». پس انتظار، عمل است؛ نه حالت و سکوت و سکون. انسانی که منتظر مسافرش است یا کشاورزی که منتظر رسیدن میوه هاست، آسوده خاطر نمی نشیند. ما که منتظر آقا هستیم، باید رفتارمان با رفتار آقا یک سنخیتی داشته باشد؛ پس منتظر یعنی انسان تلاشگر.

۵. انتظار یعنی اعتراض به وضع موجود و امید به باز شدن درهای رحمت و معرفت. انتظار یعنی من منتظرم جهان پر از عدل شود. در دعای افتتاح که منسوب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، می خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو اليك؛ خدایا! ما به تو شکایت می کنیم». یعنی نظام های طاغوتی موجود در روی زمین را قبول نداریم، پس چه حکومتی را قبول داریم؟ پاسخ آن در ادامه دعا آمده است: «إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ».

۶. در زمانی که استاد شهید مطهری (ره) در تهران بودند و برای تدریس به قم تشریف می آوردند، مدتی در قم میزبان ایشان بودم. در همان زمان و در مسیر راه، سؤالات زیادی از ایشان می پرسیدم که یکی از آن ها درباره انتظار ظهور بود. ایشان درباره حقیقت انتظار، مثلی را از مرحوم حجت الاسلام راشد _ که قبلاً در رادیو سخنرانی می کرد و مرد دانشمندی بود _ نقل نمودند و گفتند: «وقتی شب می شود، همه ما در انتظار خورشید هستیم؛ اما معنی انتظار خورشید، این نیست که در تاریکی بنشینیم. هم منتظر خورشید هستیم، هم بلند می شویم و کاری انجام می دهیم و چراغی روشن کنیم».

۷. کسی که منتظر مصلح است، باید صالح باشد. انسان بی تفاوت و بی غیرت و بی پول

و بی قدرت که نمی تواند بگوید: یا حجت بن الحسن، تشریف بیاور! کسانی که در انقلاب و نظام اسلامی نقشی نداشته و ندارند، اول از خدا بخواهند که به آن ها نقشی بدهد و بعد دعای ندبه بخوانند! وقتی می گوییم: مهدی بیا، حضرت بیاید چه کند؟ لابد می گویند او خواهد آمد تا از حق مردم دفاع کند. خیلی خوب! وقتی هشت سال جنگ تحمیلی بود، شما چقدر از حق دفاع کردید؟ در این حوض چقدر شنا کرده اید که حالا اقیانوس اطلس می خواهید؟! کسانی که در انقلاب هیچ نقشی نداشتند، اصلاً رویشان می شود که بگویند: مهدی بیا؟!

۸. علامت اخلاص، انتظار فرج است. از امام جواد علیه السلام درباره چرایی لقب «منتظر» برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال شد. ایشان فرمود: «زیرا ایام غیبتش طولانی، و مدتش زیاد شود و مخلصان در انتظار قیامش باشند و شکاکان انکارش کنند و منکران، یادش را استهزاء کنند».(۱)

۹. ابوبصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن، هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد؟ گواهی دادن بر این که هیچ معبودی جز خدا نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده [و فرستاده] اوست، و اقرار به هر آنچه خداوند امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما و پرهیزگاری و کوشش و خویشتن داری و انتظار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف».(۲)

ص: ۱۱۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰.

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (۱)

«و اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً [درهای] برکات آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی آنان [آیات ما را] تکذیب کردند، پس ما هم به خاطر عملکردشان آنان را [به قهر خود] گرفتیم.»

نکته ها:

۱. «برکات» جمع «برکت» و به معنای «موهبت های ثابت و پایدار» است. در معنای برکت، «کثرت»، «خیر» و «افزایش» وجود دارد. برکات، شامل برکت های مادی و معنوی می شود؛ مثل برکت در عمر، دارایی، علم، کتاب و...

۲. از مصادیق بارز این آیه، دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به گفته روایات، در آن زمان، برکات از آسمان و زمین به مردم می رسد. امام صادق علیه السلام فرمود: «چون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، به عدالت حکم فرماید و در دوران او ستم برداشته شود و

راه ها امن گردد و زمین برکت های خود را بیرون آورد و هر حقی به اهلش رسد». (۲) و امام حسن علیه السلام فرمود: «در دولت او درندگان آزادانه زندگی می کنند و زمین گیاهان خود را بیرون می دهد و آسمان برکات خود را فرو می فرستد و گنج ها و معادن زمین برای او آشکار می شود». (۳)

ص: ۱۱۵

۱- سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

۳- الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۱. ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه تقوا نیز لازم است. (آمَنُوا وَ اتَّقُوا)
۲. سرمایه گذاری روی فرهنگ و معنویت جامعه، بازده اقتصادی هم دارد. (آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ)
۳. بستن و گشایش، در اختیار خداست: (لَفَتَّحْنَا)؛ اما بازتابی از عمل کرد ماست.
۴. عامل محرومیت ها و مشکلات، عمل کرد خود ماست. (بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)
۵. برای این که اسلام در دنیا فراگیر شود، شرایط باید مهیا شود. به عبارت دیگر عوامل پیروزی در چند چیز است:

— رهبر توانا و لایق: (زَادَهُ بَسْطَهُ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ) (۱)

— پیروان مؤمن: (قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ) (۲)

— توکل: (كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ) (۳)

— صبر و استقامت: (رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبِّثْ أَقْدَامَنَا) (۴)

— اخلاص و انگیزه الهی: (وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (۵)

— وحدت: (وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ) (۶)

— امداد الهی: (لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ) (۷)

— دوری از غرور: (وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ) (۸)

۶. آمادگی جهانی هنوز مشاهده نمی شود؛ لذا باید تلاش کرد و زمینه های لازم را

ص: ۱۱۶

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۷.

۲- سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۳- سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۴- سوره بقره، آیه ۲۵۰.

۵- سوره بقره، آیه ۲۵۰.

۶- سوره انفال، آیه ۴۶.

۷- سوره توبه، آیه ۲۵.

برای آن فراهم ساخت. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی ظهور می کند که آمادگی از هر جهت در مردم وجود داشته باشد و مردم به معارف و اندیشه های قرآن و اسلام، آگاه باشند و برای حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمادگی پیدا کنند.

کسانی که منتظر مصلح هستند، باید خودشان هم آدم صالحی باشند. نمی شود آدم منتظر مصلح باشد، ولی خودش صالح نباشد. نمی شود صبر کنیم تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و همه چیز را درست کند. ما شب ها منتظر خورشید هستیم، اما خودمان هم چراغ روشن می کنیم. پس باید هم منتظر امام باشیم و هم خودمان تلاش کنیم.

۷. برخی می گویند که در برخی احادیث آمده که اگر کسی قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، قیامش باطل است. این عده باید بدانند که این روایت ها در مواردی است که کسی قیام می کند تا مردم را به سوی خودش دعوت کند و این فرد اساساً طاغوت است. اما اگر کسی قیام نماید تا زمینه را برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم کند، قیام او به هیچ وجه باطل نیست.

اگر قرار باشد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه چیز را درست کند، پس این همه آیات دفاع از مظلوم، در دهان ظلم کوبیدن، نهی از منکر، اجرای حدود اسلامی و... برای چیست؟ مگر می شود دستورات قرآن بیش از هزار سال و تا زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تعطیل شود؟

در روایات ما آمده که هر حدیثی از طرف ما به شما رسید، آن را به قرآن عرضه کنید و در صورت مخالفت با قرآن، آن را کنار بگذارید. نظیر این حدیث جعلی که «از حاکم جامعه ولو ظالم باشد، اطاعت کنید»؛ در حالی که قرآن می گوید: (لَا تُطِيعُ مِنْهُمْ آئِمَّةً أَوْ كَفُورًا)؛ (۱) اگر کسی گناه می کند، از او اطاعت نکن.

احادیثی که می گوید قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی تکان نخورد، یا جعلی هستند یا مقصود آن ها درست فهمیده نشده است. در تاریخ است که زید، پسر امام سجاد علیه السلام قیام کرد و امامان ما از او حمایت کردند. حتی گاهی امامان در شرایطی که صلاح نبود خودشان قیام کنند، به کسانی که می توانستند اقدام کنند، جواز قیام می دادند و آن ها را به لحاظ مالی

ص: ۱۱۷

نیز حمایت می کردند.

۸. برای پیروزی، هم باید تلاش کرد، هم دعا. رزمنده ها اگر فقط به پای دعا بنشینند، پیروز نمی شوند. دعای آدم بی کار، مستجاب نیست. اسلحه منهای معنویت، مفید نیست. معنویت هم بدون اسلحه موفقیت ندارد. امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، هم شمشیرش را تیز می کرد و هم نماز شب می خواند. هم اشک و هم شمشیر؛ هم دعا و هم تلاش. مردم ایران نیز در انقلاب هر دو را داشتند. در زمان دفاع هشت ساله نیز در یک طرف، همه مسجدهای ما دعا می کردند و در طرف دیگر، رزمنده ها در جبهه مشغول جهاد و تلاش بودند.

۹. دانستن این که امام در چه زمانی ظهور می کند یا این که اکنون در کجا زندگی می کند، ارزش چندانی ندارد. آنچه ارزشمند است، آن است که بدانیم وظیفه ما در حال حاضر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سپس به آن جامعه عمل بپوشانیم. لذا شناخت وظیفه، لازم ترین مطلب در زمان غیبت امام است، که ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

— شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهداف او. «اللهم عرفنی حجتک فان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی» (۱)

— معرفی و شناساندن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و انقلاب جهانی او به دیگران و ایجاد زمینه های لازم برای ظهور.

— تلاش در جهت جلب رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با انجام اعمال صالح و ارتباط معنوی با ایشان.

— انتظار فرج و دعا برای ظهور آن حضرت.

— صدقه دادن و دعا کردن برای سلامتی امام.

— خواندن دعاهاى فرج، ندبه، عهد و سلام کامل.

— پرداخت حقوق مالی (خمس) متعلق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ص: ۱۱۸

— عمل به تکلیف و واجبات و دوری از گناه و محرّمات.

۱۰. هر وقت مردم بتوانند امام و رهبری بر حق و معصوم را بپذیرند، آن وقت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهند کرد.

۱۱. برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمادگی فکری و اخلاقی لازم است. مسلماً تاجری که کلاهبرداری می کند، منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. کسانی که کم کاری، کم فروشی، بدکاری و خیانت می کنند، منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیستند. ما اگر واقعاً منتظر هستیم، باید حواسمان را جمع کنیم.

۱۲. دعای ندبه یعنی دعای اعتراض به طاغوت های جهان؛ یعنی دعای انتظار و امید به آمدن حکومت حق. اگر جمع می شویم و دعای ندبه می خوانیم و در فکر حکومت حق هستیم، باید در فکر تلاش برای زمینه سازی آن حکومت هم باشیم.

ص: ۱۱۹

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) (۱)

«از تو درباره قیامت می پرسند که چه وقت به پا می شود؟ بگو: علم آن تنها نزد پروردگار من است. جز او کسی نمی تواند زمان آن را آشکار سازد. [فرا رسیدن قیامت] در آسمان ها و زمین سنگین است، جز به صورت ناگهانی پیش نمی آید. از تو چنان می پرسند که گویا از [زمان] آن آگاهی کامل داری! بگو: علم آن تنها نزد خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

نکته ها:

۱. جز خداوند، کسی از زمان برپایی قیامت آگاه نیست: (إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي) آری؛ ندانستن زمان برپایی قیامت، برای آماده باش انسان بهتر است.

۲. امام رضا علیه السلام نقل فرموده است که وقتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره ظهور و خروج حضرت قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف پرسیدند، ایشان فرمودند: «مِثْلَهُ مِثْلُ السَّاعَةِ؛ (۲) قیام او مثل برپایی قیامت، ناگهانی است». سپس این آیه را تلاوت فرمودند: (لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً).

۳. عبد الرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: «قربانت شوم! به من خبر دهید که این امری که در انتظارش هستیم، چه زمان

ص: ۱۲۰

۱- سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۳.

واقع می شود؟» حضرت فرمود: «ای مهزم! تعیین کنندگانِ وقت دروغ گفتند و

شتاب کنندگانِ هلاک شدند و تسلیم شوندگانِ نجات یافتند».(۱)

۴. دانستن این که امام در چه زمانی ظهور می کند یا این که اکنون در کجا زندگی می کند، ارزش چندانی ندارد. آنچه ارزشمند است آن است که بدانیم وظیفه ما در حال حاضر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سپس به آن جامعه عمل بپوشیم. لذا شناخت وظیفه، لازم ترین مطلب در زمان غیبت امام است.

ص: ۱۲۱

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

سوره انفال

اشاره

ص: ۱۲۳

(إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ) (۱)

«[به یاد آور] زمانی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم. پس شما افراد باایمان را تقویت کنید. من نیز به زودی در دل های کافران، رعب و ترس خواهم افکنم. پس فرازگردن ها را بزنیید و همه سرانگشتانشان را قلم کنید [و قطع کنید تا نتوانند سلاح بردارند].»

نکته ها:

یکی از امدادهای غیبی، ایجاد رعب در دل دشمنان است.

۱. ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «هر گاه قائم آل محمد علیهم السلام خروج کند، خداوند او را با ملائکه مسومین و مُردفین و مُنزَلین و کزوبین یاری خواهد فرمود. جبرئیل پیش روی او، میکائیل در سمت راست او و اسرافیل در سمت چپ او قرار دارند و رعب و هیبت او به فاصله یک ماه راه، پیشاپیش و پشت سر و از راست و چپ او حرکت می کند (یعنی شعاع هیبتش تا بعد یک ماه راه را زیر پوشش می گیرد) و فرشتگان مقرب در برابر او خواهند بود.» (۲)

۲. گاهی امداد غیبی به این است که در دل دشمنان ترس بیفتد. شاه، امام خمینی (ره) را زندان کرده بود، اما باز هم از ایشان می ترسید. شاید معنای «المؤمن كالجبل» این باشد که حتی اگر دشمنان بر سر مؤمن پا بگذارند، باز هم از او می ترسند. درست مثل ایران که

ص: ۱۲۴

۱- سوره انفال، آیه ۱۲.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۴.

اکنون همانند یک استخوان در گلوی ابرقدرت هاست و باعث اذیت آن ها شده، به گونه ای که همه از ایران حساب می برند.

۳. خداوند، ارشاد و حمایت مؤمنان را گاهی از طریق فرشتگان انجام می دهد. (إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ)

۴. خداوند بر اهل ایمان، آرامش و سکینه نازل می کند و بر کافران، دلهره و وحشت مستولی می سازد. (فَبَتُّوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ)

۵. گرایش ها و انگیزه های انسان، در سرنوشت او و نیز در دریافت رحمت یا عذاب الهی، تأثیر بسزایی دارد. (فَبَتُّوا الَّذِينَ آمَنُوا ... فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ)

سوره توبه

اشاره

ص: ۱۲۷

(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (۱)

«می خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش سازند، ولی خداوند جز این نمی خواهد که نور خود را به کمال برساند؛ هر چند کفار ناراحت باشند.»

نکته ها:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خداوند به اهل زمین نگاه کرد و من را انتخاب کرد، سپس بار دیگر نگاه کرد و علی بن ابی طالب علیهما السلام را انتخاب فرمود. او بعد از من، نور زمین است.» آن گاه حضرت، این آیه را تلاوت کردند. (۲)

و نیز فرمود: «ای مردم! این نور از حضرت حق به من و علی عطا شده و پس از علی در نسل علی قرار داده شده است تا آن که در صلب خاتم الاوصیا، قائم آل محمد، الحجه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مودع و محتوم گردید.» (۳)

۲. محمد بن فضیل گوید: از حضرت کاظم علیه السلام راجع به این سخن خدای عزوجل: (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ) پرسیدم. آن حضرت فرمود: «می خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با فوت دهانشان خاموش کنند». پرسش کردم از این فرموده خداوند که (وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)؛ فرمود: «خدا تمام کننده امامت است. به دلیل قول خدای عزوجل (فَأْمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا)، پس نور، همان امام است». عرض کردم معنی این فرموده خداوند (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) چیست؟ فرمود: «یعنی دین خود را

ص: ۱۲۸

۱- سوره توبه، آیه ۳۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۲۰.

۳- الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

در زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر همه دین ها غلبه دهد. خدا می فرماید: (وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)، یعنی ولایت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را کامل خواهد کرد» (۱).

۳. توطئه دشمنان، دائمی و بی وقفه است. (يُرِيدُونَ) (فعل مضارع، نشانه استمرار و تداوم است)

۴. احکام اسلام و دین خدا، نور است و نور، سرچشمه حیات. (نُورَ اللَّهِ)

۵. هرچند هر دسته از گروه های کفار، برای هدف خاصی تلاش می کنند، اما هدف همه آن ها خاموش ساختن فروغ دین است. (لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ)

۶. تلاش های کافران در مبارزه با دین، مثل فوت کردن به خورشید است. (لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ)

۷. یکی از فعالیت های دشمنان دین، تبلیغات سوء است. (بِأَفْوَاهِهِمْ)

۸. اگر ندای اسلام از زبان پیامبر، نور است؛ تداوم آن در شکل امامت، اتمام نور است: (يُتِمُّ نُورَهُ) چنان که در آیه اکمال دین، مسأله امامت به عنوان اتمام نعمت معرفی شده است: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي) (۲).

۹. خداوند به طرفداران حق، وعده پیروزی داده است. (أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ)

۱۰. خداوند، فروغ دین را نه تنها حفظ می کند، بلکه گسترش می دهد. (يُتِمُّ نُورَهُ)

۱۱. کفار بدانند که با اراده حتمی خداوند برای پیروزی دین حق طرف اند و هرگونه تلاش علیه مکتب اسلام، محکوم به شکست است. (يُتِمُّ نُورَهُ)

۱۲. اسلام مکتبی جاودانه بوده، (يُتِمُّ نُورَهُ) و مخالف آن، کافر است. (وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)

۱۳. دشمن برای خاموش کردن نور خداوند از راه های مختلفی استفاده می کند؛ از جمله:

ص: ۱۲۹

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲

۲- سوره مائده، آیه ۳.

— تهمت ارتجاع و کهنه گرایي به اسلام می زنند. (أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ) (۱)

— می گویند قرآن، خیال و پندار است. (أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ) (۲)

— سخنان پیامبر را دروغ و افترا می نامند. (أَمْ يَقُولُونَ افْتِرَاءً) (۳)

— آیات وحی را سطحی و بی ارزش قلمداد می کنند. (لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا) (۴)

— برای خداوند رقیب تراشی می کنند. (وَ جَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا) (۵)

— مردم را از شنیدن آیات الهی باز می دارند. (لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ) (۶)

— به راه و مکتب مؤمنان طعنه می زنند و آنان را تحقیر می کنند. (وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ) (۷)

— دین خدا را مسخره می کنند. (اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَ لَعِبًا) (۸)

— سعی در تخریب مساجد و پایگاه های مکتب دارند. (سَعَى فِي خَرَابِهَا) (۹)

— سعی در تحریف دین می نمایند. (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ) (۱۰)

— گاهی در دین بدعت گذاری می کنند. (وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا) (۱۱)

— گاهی حقایق دین را کتمان می کنند. (يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ) (۱۲)

ص: ۱۳۰

۱- سوره انعام، آیه ۲۵.

۲- سوره انبیاء، آیه ۵.

۳- سوره احقاف، آیه ۸.

۴- سوره انفال، آیه ۳۱.

۵- سوره ابراهیم، آیه ۳۰.

۶- سوره فصلت، آیه ۲۶.

۷- سوره توبه، آیه ۱۲.

۸- سوره مائده، آیه ۵۷.

۹- سوره بقره، آیه ۱۱۴.

۱۰- سوره نساء، آیه ۴۶.

۱۱- سوره حدید، آیه ۲۷.

۱۲- سوره بقره، آیه ۱۵۹.

— دین خداوند را تجزیه می کنند. (أَفْتُوْمُنُوْنَ بِيْعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُوْنَ بِيْعْضِ) (۱)

— حق و باطل را در هم می آمیزند. (وَ لَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ) (۲)

— در دین خدا غلو می کنند. (لَا تَغْلُوا فِي دِيْنِكُمْ) (۳)

— با مسلمانان به جنگ و ستیز بر می خیزند. (لَا يَزَالُوْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ حَتَّى يَرْدُوْكُمْ عَنْ دِيْنِكُمْ) (۴)

۱۴. خطر دشمن، همیشگی است. اسلام در طول تاریخ از بی خردی بعضی مسلمان ها خیلی ضربه خورده است. به اسم مستشار، مستشرق، توریست، جهانگرد، متخصص و ده ها اسم زیبای دیگر به کشورهای اسلامی، نفوذ کرده و اسرار و اموال ما را به غارت برده اند؛ در حالی که ما در خواب غفلت بوده ایم. چرا باید آثار فرهنگی ما و کتاب های خطی دانشمندان مسلمان و ایرانی در کتابخانه های بیگانگان و غربی ها باشد؟!

ص: ۱۳۱

۱- سوره بقره، آیه ۸۵.

۲- سوره بقره، آیه ۴۲.

۳- سوره مائده، آیه ۷۷.

۴- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (۱)

«او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند.»

نکته ها:

۱. این آیه به همین صورت، در دو سوره دیگر نیز آمده است؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹. گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می کند. چنان که در آیات دیگری نیز «ظَهَرَ» به معنای «استیلا یافتن» آمده است؛ به عنوان نمونه: (إِنَّ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ)؛ (۲) «اگر بر شما غالب شوند، سنگسارتان می کنند» و نیز: (إِنَّ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً)؛ (۳) «اگر بر شما غالب شوند، هیچ عهد و پیمانی را مراعات نمی کنند».

از یک سو، این آیه تاکنون تحقق نیافته و از سویی دیگر، خداوند وعده حاکمیت کلی اسلام را داده است و وعده او دروغ نیست؛ در نتیجه، همان گونه که در روایات بسیاری آمده است، این آیه به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد.

۲. مسأله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام جهانی او، در روایات بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده و در اغلب کتب حدیثی عامه آمده است و از مسلمات اعتقادی

ص: ۱۳۲

۱- سوره توبه، آیه ۳۳.

۲- سوره کهف، آیه ۲۰.

۳- سوره توبه، آیه ۸.

۳. امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، جایی بر روی زمین باقی نمی ماند، مگر این که در آن جا صدای اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله بلند می شود».(۱)

و فرمود: «هرگاه قائم ظهور کند، عدل را در میان مردم برقرار می سازد و در زمان او جور و ستم بر طرف می شود، راه ها امن می گردد، زمین برکات خود را بیرون می دهد و او هر حق را به صاحبش بر می گرداند. در زمان ظهور او، تمام مردم روی زمین، دین اسلام را خواهند پذیرفت و آیه شریفه (وَلَهُ أَشْرَ لَمْ مَرِنٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ)(۲) مصداق پیدا خواهد کرد.

قائم در میان مردم مانند داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کند. در آن زمان، گنج های زمین ظاهر می گردد، زینت هایش آشکار می شود، همه مردم ثروتمند خواهند شد و دیگر جایی برای مصرف صدقات باقی نخواهد ماند».(۳)

۱. محور و پایه دین اسلام، حق است: (دِينِ الْحَقِّ) اگرچه ادیان آسمانی همه حق اند، ولی به خاطر پیدایش تحریف در آن ها، حقانیتشان مخدوش شده است.

۲. حق بر باطل پیروز است. (لِيُظْهِرَهُ)

۳. اراده و حرکت خود را با اراده الهی هماهنگ سازیم، و گرنه محو و نابود خواهیم شد. (لِيُظْهِرَهُ... وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)

ص: ۱۳۳

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

﴿قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصَِّبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبَّصُونَ﴾ (۱)

«ای پیامبر! به منافقان [بگو: آیا برای ما جز یکی از دو نیکی (فتح یا شهادت) را انتظار دارید؟ ولی ما منتظریم که عذاب خداوند یا از سوی خودش یا به دست ما به شما برسد. پس شما منتظر باشید، ما نیز با شما در انتظار می مانیم».

نکته ها:

۱. امام باقر علیه السلام در تفسیر (إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ) فرمودند: «مراد، مرگ در راه خدا یا درک ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است». (۲)

۲. باید دید گاه «إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» را برای دوست و دشمن، تبیین و تبلیغ کرد. (قُلْ)

۳. ارزش ها و ملاک های ارزش گذاری، در بینش مؤمنان و منافقان متفاوت است. در دید اهل ایمان، عمل به وظیفه مهم است، رفتن یا ماندن مهم نیست، مهم در خط بودن است؛ لذا در نظر آنان، فتح و شهادت، هر دو پیروزی است.

۴. منافقان چه در جنگ و درگیری با نظام اسلامی کشته شوند و چه به مرگ طبیعی بمیرند، اهل دوزخ اند. پس یا به دست مؤمنان یا از سوی خدا گرفتار عذاب می شوند. (مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا)

۵. مؤمن، به هدف و نتیجه کار، یقین دارد. (فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبَّصُونَ)

۶. در روایات متعددی، از نابودی یهودیان متجاوز، قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به دست انقلابیون مؤمن خبر داده شده است که شمشیرهای خود را بر دوش نهاده، تا مرز شهادت پیش می روند و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شوند. (۳)

ص: ۱۳۴

۱- سوره توبه، آیه ۵۲.

۲- الکافی، ج ۸، ص ۲۸۶.

۳- نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

سوره هود

اشاره

ص: ۱۳۵

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و لقب بقیه الله

(بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ) (۱)

«[مال و سرمایه ی حلالی که] خداوند [برای شما] باقی گذارده، [از مال و ثروتی که در اثر کم فروشی به دست می آورید] برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید؛ و من نگهدارنده شما [بر حفظ ایمانتان و پذیرش این راه] نیستم.»

نکته ها:

۱. (بَقِيَّةَ اللَّهِ) در این آیه، به معنای درآمد و سودی است که از یک سرمایه حلال و خدایسندانه برای انسان باقی می ماند و صد در صد حلال است. اما در روایات، به هر وجود مبارکی که به اراده خداوند برای بشریت باقی می ماند، «بقیه الله» گفته می شود؛ از جمله، سربازان مؤمنی که پیرومندان از جبهه جنگ برمی گردند؛ زیرا به اراده الهی باقی مانده اند.

به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز «بقیه الله» می گویند؛ چون آن وجود شریف، به خواست خداوند برای هدایت مردم ذخیره شده است. البته به سایر معصومین علیهم السلام نیز لقب «بقیه الله» داده شده است. (۲)

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم ما چون ظاهر شود، تکیه به خانه کعبه زند و سیصد و سیزده مرد گرد او فراهم شوند و اول سخنش این آیه باشد: (بقیه الله خیر لکم إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) سپس گوید من بقیه الله و حجت خدا و خلیفه او بر شما هستم و هیچ مؤمنی نباشد، مگر آن که به این لفظ او را سلام دهد: السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه». (۳)

ص: ۱۳۶

۱- سوره هود، آیه ۸۶.

۲- کنز الدقائق، ج ۶، ص ۲۲۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

سوره يوسف

اشاره

ص: ۱۳۷

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت یوسف علیه السلام

(وَ جَاءَ إِخْوَهُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ) (۱)

«[سرزمین کنعان را قحطی فراگرفت] و برادران یوسف [در پی مواد غذایی به مصر] آمدند و بر او وارد شدند. آن گاه [یوسف] آنان را شناخت، ولی آن ها او را نشناختند.»

نکته ها:

۱. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می خواستم از قائم آل محمد پرسش کنم، اما امام پیش از آن که من سؤال کنم، فرمود: «یا محمد بن مسلم! إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ شَبْهًا مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ... وَ أَمَّا شَبْهُهُ مِنْ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ فَالْغَيْبِيُّ مِنْ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ اخْتِفَاؤُهُ مِنْ إِخْوَتِهِ وَ إِشْكَالُ أَمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَةِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَبِيهِ وَ أَهْلِهِ وَ شِيعَتِهِ» (۲) ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد علیهم السلام شباهتی با پنج تن از انبیا وجود دارد... اما شباهت او با یوسف بن یعقوب علیهما السلام آن است که از خاص و عام غایب می شود و او از برادرانش مخفی بود و امر او بر پدرش هم پوشیده بود با وجود آن که مسافت بین او و پدرش و خاندان و شیعیانش کم بود.»

۲. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را می شناسد، ولی ما او را نمی شناسیم. وقتی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنند بعضی از مردم می گویند: من ایشان را قبلاً دیده بودم! «فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»، یعنی یوسف علیه السلام برادرها را شناخت، اما برادرها او را نشناختند. امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی، شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با حضرت یوسف علیه السلام را چنین توضیح می دهد که برادرانش با او

ص: ۱۳۸

۱- سوره یوسف، آیه ۵۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷.

معامله می کردند و سخن می گفتند، اما او را نمی شناختند. (۱)

۳. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به فرموده امام باقر علیه السلام در زیبایی و سخاوت نیز شبیه به یوسف علیه السلام است. (۲)

ص: ۱۳۹

۱- دلایل الإمامه، ص ۵۳۲.

۲- اثبات الوصیه، ص ۲۶۷.

سوره رعد

اشاره

ص: ۱۴۱

(وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (۱)

«و کسانی که کفر ورزیدند می گویند: چرا از طرف پروردگارش نشانه ای [آشکار و به دلخواه ما] بر او نازل نشده است؟ [ای پیامبر!] تو فقط بیم دهنده ای و برای هر قومی راهنمایی است.»

نکته ها:

۱. از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارکش را بر روی سینه گذاشتند و فرمودند: «انا المنذر» و آن گاه به علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره کردند و فرمودند: «انت الهادی، بک یهتدی المهتدون بعدی». (۲)

۲. با آن که دیگر پیامبری مبعوث نمی شود، اما خداوند حجت خود را بر همه مردم تمام می کند و هرگز زمین از حجت خالی نمی ماند. (و لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)

۳. طبق این آیه، در عصر حاضر نیز ما باید امام یا هادی زنده داشته باشیم. (۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «منذر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و هادی، امیرالمؤمنین و ائمه بعد از وی هستند و این است معنی (و لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)، یعنی در هر زمانی امامی هدایتگر و روشنگر خواهد بود». (۴)

۴. به همان دلایلی که به پیامبر نیاز داریم، به امام هم نیاز داریم و ما پیش از این در

ص: ۱۴۲

۱- سوره رعد، آیه ۷.

۲- مفاتیح الغیب، ج ۱۹، ص ۱۴ و احقاق الحق، ج ۳، ص ۸۷.

۳- در تفاسیر مجمع البیان و کنز الدقائق، ۲۶ حدیث آمده که مراد از «هاد» را ائمه معصومین علیهم السلام بیان کرده اند.

۴- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۹.

کتاب _نبوت_، در این زمینه دلائلی را بیان کرده ایم که اینک آن ها را مرور می کنیم:

_ آیا می توان قبول کرد که هدف از آفرینش انسان، رشد و کمال و قرار گرفتن در مسیر خدا باشد، ولی در این میان، هادی و راهنمایی در کار نباشد؟!

_ آیا می توان قبول کرد که انسان، عاشق رسیدن به مقام والای انسانی باشد، ولی در خارج چنین الگویی وجود نداشته باشد؟! مگر نه این است که برای هر نیاز و احساس درونی، یک واقعیت خارجی و بیرونی وجود دارد که آن احساس را اشباع می کند؟ اگر ما در درون، احساس تشنگی می کنیم و نیاز به آب داریم، برای رفع آن نیاز، آبی در خارج از بدن وجود دارد. حال چگونه قبول کنیم که علاقه به کمال و رسیدن به قله سعادت در انسان وجود دارد، اما چیزی که پاسخ گوی این نیاز باشد، در خارج از ذهن پیدا

نمی شود؟!

_ چگونه می توان پذیرفت که میزبانی از مردم دعوت کند، ولی نشانی منزلش را ندهد یا راهنمایی نفرستد؟! به خصوص در مواردی که بدون راهنما، راه یابی ممکن نباشد و در مسیر، مواردی وجود داشته باشد که ممکن باشد مهمان را به بیراهه و انحراف از منزل میزبان بکشاند. در این جا بر میزبان لازم است تا راهنمایی با نام و نشانی روشن برای مهمان بفرستد تا هم راه را به او بنماید و هم با برخورد با موارد انحرافی، او را به مقصد برساند.

_ چگونه قبول کنیم که انسان در راه های ساده و محسوس زندگی، نیاز به راهنما دارد، اما در پیمودن راه های سعادت و معنویت و رسیدن به رشد واقعی _ که پیچیده تر هستند و علم انسان درباره آن ها کم تر و وسوسه های شیطانی در آن بیشتر است _ نیاز به راهنما نداشته باشد؟!

_ مگر نه آن است که حیواناتی که زندگی دسته جمعی دارند، همچون زنبور عسل، برای خود ملکه ای را به طور غریزی می پذیرند؟ در تاریخ سیاست ها و جنگ ها کدام موفقیتی را سراغ دارید که نقش رهبر و فرمانده در آن نادیده گرفته شده باشد؟
جامعه

ص: ۱۴۳

بدون امام یعنی هرج و مرج؛ و کدام عقل و وجدان، آن را می پذیرد؟! حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لابد للناس من امیر برّ کان او فاجر»^(۱) وجود رهبر برای مردم ضروری است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار».

۵. علاوه بر موارد فوق _ که میان نیاز به پیامبر و امام، مشترک است _ در خصوص نیاز به امام، دلایل دیگری نیز وجود دارد:

_ برای پیاده شدن دستورات الهی و حفظ احکام، قدرت و حکومت لازم است و قدرت و حکومت به امام و رهبری لایق نیاز دارد. مخصوصاً در صورتی که دسترسی به پیامبر امکان نداشته باشد و خاتمیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته باشیم.

_ مگر می شود که خدا برای مردم پیامبری بفرستد و آن پیامبر، با خون دل، احکام و قوانینی بیاورد و بعد همه را رها کرده، از دنیا برود؟! آیا این کار حکیمانه است؟ آیا رها کردن امت با آن حرص و سوزی که از پیامبر سراغ داریم، سازگار است؟ کسانی که می گویند پیامبر مکتب و امتی را بنیان گذاری کرد و رفت، حکمت خدا و سوز پیامبر را چگونه توجیه می کنند؟ کدام مقام مسئول، این گونه بی تفاوت مردم را رها می کند که پیامبر چنین کند؟!

_ اساساً دین و مکتب، یا هماهنگ با خواسته های درونی و حوادث خارجی و به اصطلاح رشد آور و رشددهنده و به روز است یا فقط قوانینی مقطعی و خشک است که با مرور زمان به دست فراموشی سپرده می شود و به اصطلاح، ایستاست.

اگر در کنار مکتب، امامی با شرایط ویژه باشد، مکتب از نوع اول خواهد بود، و گرنه از نوع دوم خواهد شد و به همین دلیل امام رضا علیه السلام می فرماید: «انّ الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین... انّ الامامه اسّ الاسلام النامی»^(۲) امامت و رهبری

ص: ۱۴۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶.

حق، زمام دین و مایه نظام بخشیدن به مسلمانان و صلاح امور دنیوی و عزت مؤمنین است... امامت، اساس اسلام رشدیافته است». یعنی چیزی که بتواند همه احتیاجات فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان ها را تأمین کند، تنها امامت است.

امام رضا علیه السلام با تعبیر «الاسلام النامی» به ما می فهماند که اسلام بدون امام، نمو و رشدی ندارد و در معرض کهنگی و زوال است. جامعه انسانی هر آن در معرض حوادثی است که اگر حکم و دستور خدا از طریق وحی یا رهبری حق به انسان ها نرسد، مردم آرامش خود را از دست می دهند و هر کدام راهی را می پیمایند و هرج و مرج به وجود می آید. لذا در کنار مکتب، وجود امام و رهبر ضروری است.

— همان گونه که شنا در استخر، نیاز به مربی و ناجی دارد، گذر از دریا نیز نیاز به کشتی و ناخدا دارد؛ چنان که امام فرمود: «الدنيا بحر عمیق؛ (۱) دنیا دریای عمیق و پر تلاطم است» که به کشتی و کشتی بان نیاز دارد. این با کدام منطق و حکمت سازگار است که خداوند، شناوران ناتوان و ناآشنا را در دریای پرخطر به حال خود رها کند؟!!

— همان گونه که خداوند در کشور تن فرمانروایی به نام عقل قرار داده تا به وسیله آن، چشم و گوش و تمام اعضا از انحراف و خطا حفظ شوند، لازم است برای جامعه نیز امام و فرمانروایی قرار دهد تا مردم دچار تحیر و انحراف و هرج و مرج نشوند و به مقصد برسند.

۶. پرسش: با وجود قرآن و کتاب آسمانی، دیگر چه نیازی به امام است؟

پاسخ: قرآن، کتاب قانون است و قانون به مفسّر و مجری نیاز دارد. در نظام امروز جهان نیز در کنار قوه مقننه، قوه مجریه و قضائیه وجود دارد؛ زیرا قانون به مجری و ضمانت اجرا نیاز دارد. این نیاز در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دست ایشان و پس از ایشان، توسط امامان علیهم السلام برطرف می شد.

ص: ۱۴۵

علاوه بر این، جزئیات همه چیز، مثلاً تعداد رکعات نماز یا تعداد شوط های طواف در قرآن ذکر نشده و بسیاری از مطالب جزئی و مقطعی در قرآن نیامده است؛ بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام این موارد را برای مردم بیان می کردند. خود قرآن می فرماید: (ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا)؛^(۱) «آنچه را پیامبر بیان می کند، بپذیرید و آنچه را نهی می کند، رها کنید».

این آیه دلالت دارد که پیروی از سنت نبوی واجب است؛ زیرا پیروی از آن، در حقیقت، پیروی از خداست: (مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ).^(۲) امامت و ولایت نیز پذیرش سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

۷. آفرینش به خاطر اولیای خداست. به خاطر گل است که همه علف ها و آب می خورند. وجود اولیای خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث امنیت است. در احادیث متعددی آمده است که اگر حجت خدا نباشد، زمین به هم می ریزد. حق هم همین است. مثال زدم که اگر بچه درس نخواند، مدیر اصلاً در آزمایشگاه و کتابخانه را باز نمی کند.

۸. امام رضا علیه السلام فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (توحید) دژ خداست». بعد مدتی صبر کرد و بعد از مدتی فرمود: «وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا».^(۳) امام رضا علیه السلام می فرماید من از شروط توحید هستم، چون توحید بدون امام ارزش ندارد. شرط توحید، وجود یک رهبر لایق است و آن هم یک رهبر زنده. امام نمی گوید: «الامام من شروطها»، می گوید «وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»، یعنی من که امام زنده ام، شرط توحید هستم. توحید همیشگی است، پس در هر زمان باید یک امام معصوم وجود داشته باشد. الآن هم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرط توحید هستند.

ص: ۱۴۶

-
- ۱- سوره حشر، آیه ۷.
 - ۲- سوره نساء، آیه ۸۰.
 - ۳- ثواب الأعمال، ص ۶.

۹. درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می خوانیم: «أَيُّ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» (۱) هستی به وجود او زنده است؛ مثل ناخدایی که اگر نباشد، کشتی غرق می شود.

۱۰. اگر معتقد به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم، در واقع می گوئیم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

— نعوذ بالله — دروغ گفته است. چون در حدیث ثقلین فرموده که قرآن و

اهل بیت علیهم السلام هیچ وقت از هم جدا نمی شوند. اکنون قرآن هست، پس اهل بیت علیهم السلام کجایند؟!

اگر بگوئیم از دنیا رفته اند، یعنی این دو از هم جدا شده اند؛ در حالی که پیغمبر خدا می گوید این دو هیچ وقت از هم جدا نمی شوند. یعنی تا هر زمان که قرآن هست، باید یک نفر از اهل بیت هم باشد و او در زمان ما، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ص: ۱۴۷

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶.

سوره نحل

اشاره

ص: ۱۴۹

(أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ) (۱)

«فرمان [قهر] خدا آمد، پس در آن شتاب نکنید. او منزّه و برتر از هر چیزی است که برای او شریک می سازند.»

نکته ها:

۱. گرچه مورد آیه، عجله کفار برای نزول قهر خداوند است، اما جمله (أَتَى أَمْرُ اللَّهِ) اختصاصی به فرمان قهر الهی ندارد؛ بلکه شامل همه فرمان های خداوند، همچون فرمان جهاد، فرمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرمان برپایی روز قیامت می شود و در همه این موارد، نباید عجله کرد.

۲. امام صادق علیه السلام در معنای این فرمایش خدای تعالی فرمود: «آن امر ما است که خدای عزوجل دستور فرموده است که در آن شتاب نشود تا [این که در وقت آن، خداوند] او را با سه [لشکر] که عبارت اند از فرشتگان، مؤمنان و «هراس انگیزی» پشتیبانی فرماید، و [شرایط و احوال] خروج او همانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.» (۲)

۳. فرمان های الهی، قطعی و وقوع قهر او، حتمی است. (أَتَى) فعل ماضی است؛ گویا می فرماید عذاب آمده است.

۴. خداوند به وعده های خود عمل می کند. (أَتَى أَمْرُ اللَّهِ)

۵. در کار خدا عجله نکنید که کار او حکیمانه است و در وقت مناسب، آن را انجام می دهد. (فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ)

ص: ۱۵۰

۱- سوره نحل، آیه ۱.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۳.

۶. عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: «قربانت شوم! به من خبر دهید که این امری که در انتظارش هستیم، چه زمانی واقع می شود؟» فرمود: «ای مهزم! وقت گذاران دروغ گفتند و عجله کنندگان هلاک شدند و تسلیم شوندگان نجات یافتند.» (۱)

ص: ۱۵۱

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

سوره اسرا

اشاره

ص: ۱۵۳

تلاوت سوره اسرا و افتخار یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. در روایات به تلاوت این سوره در شب های جمعه سفارش شده و از جمله فوائد آن، درک محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که سوره اسرا (بنی اسرائیل) را هر شب جمعه تلاوت کند، جان نسپارد تا آن گاه که قائم

آل محمد علیهم السلام را دریابد و از یاران او باشد».(۱)

۲. امام باقر علیه السلام در فضیلت نصرت کنندگان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ»(۲) خوشا به حال آن کس که او را در می یابد و از یاوران اوست».

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ أَدْرَكَتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»(۳) اگر او (قائم آل محمد علیهم السلام) را درک می کردم، تمام عمر در خدمتش می بودم».

۴. خدایا تو را به آبروی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به حق علمش، اشکش، اخلاصش و پدران معصومش علیهم السلام قسم می دهیم که دل آن حضرت را برای همیشه از ما خشنود کن و ما را از بازوهای آن امام قرار بده.

ص: ۱۵۴

۱- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۰۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۵.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۵.

(وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا* فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأَسْ شَدِيدِ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا* ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا* إِنَّ أَحْسَنَ نَسَبِكُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَأَنَّ أَسَاطِمَ فُلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرِ لِيُسُوُوا وُجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا) (۱)

«ما در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً شما دوبار در زمین فساد می کنید و برتری جویی بزرگی خواهید کرد* پس همین که وعده نخستین فتنه فرا رسد، گروهی از بندگان توانمند و جنگجوی خویش را [برای سرکوبی شما] بر می انگیزیم. پس درون خانه ها را جستجو کنند [تا فتنه گران را بیابند و کیفر دهند] و آن، وعده ای قطعی است* سپس جنگ را به سود شما و علیه آنان برگردانیم و شما را با اموال و فرزندان کمک کنیم و نفرات شما را بیشتر قرار دهیم* اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده اید و اگر بدی کنید [باز هم] به خود بد کرده اید. پس همین که وعده [فسادگری] دوم فرا رسد [جنگجویان نیرومند و مؤمن را برای قلع و قمع شما می فرستیم] تا سیمای [نظامی و عزت دنیوی] شما را زشت نمایند و [برای گرفتن قدرت] به مسجدالاقصی وارد شوند؛ همان گونه که بار اول وارد شدند و تا آنچه را زیر سلطه در آورده اند، به سختی ویران کنند.»

نکته ها:

۱. آنچه در حوادث تاریخی اهمیت داشته و موجب سازندگی می شود، عبرت ها و

ص: ۱۵۵

درس های آن است؛ نه جزئیات حوادث. ماجرای تار و مار شدن مستکبران یهود به دست بندگان مؤمن خدا از این جهت بیان شده که بگوید: استکبار و کفر، بی پاسخ نیست و چون همین هدف کلی و تربیتی مقصود بوده است، آیه به ذکر جزئیات درگیری و نفرت و چگونگی سلاحشان پرداخته است.

۲. سوابق قوم یهود، در تورات هم ثبت شده است. (فی الْکِتَابِ)

۳. فساد، شامل انواع فسادهای جانی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی می شود. (لَتَفْسِدُنَّ) به صورت مطلق آمده است.

۴. قرآن، برای آن گروهی که فسادگران بنی اسرائیل را سرکوب می کنند، مصداقی بیان نکرده است. در برخی تفاسیر، آن را به بخت النصر، طالوت، پادشاه روم، هیتلر و... تطبیق داده اند؛ ولی هیچ کدام از آنان، با کلمه مقدس (بَعَثْنَا) _ که در قرآن تنها برای قیامت و بعثت انبیا آمده _ و (عِبَاداً لَنَا) _ که قرآن برای افرادی همچون پیامبران به کار می برد _ سازگار نیستند. بنابراین شاید نظر آیه به آینده ای باشد که هنوز نیامده است.

۵. گرچه بعضی تفاسیر، استکبار و فساد یهود و قلع و قمع شدن آنان در دو نوبت را به افرادی در گذشته های دور یا نزدیک نسبت داده اند و مسجدالاقصی نیز در طول عمر چند هزار ساله خود، بارها شاهد حوادث و خاطرات تلخ بوده است، ولی با توجه به آیات و روایات، باید منتظر تجاوز و استکبار اسرائیل در آینده و ریشه کن شدن آنان از سوی بندگان صالح خدا باشیم. چنان که از ظاهر آیه ۵ و ۶ اسرا بر می آید که هنوز چنین فساد گسترده ای در زمین از طرف بنی اسرائیل، و قلع و قمع مهمی توسط مردان خدا انجام نشده است.

۶. روایات متعددی در تفسیر این آیات آمده است. برخی از روایات، نابودی یهودیان متجاوز را قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و توسط انقلابیون مؤمنی دانسته اند که شمشیرهای خود را بر دوش نهاده، تا مرز شهادت پیش می روند و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شوند. کما این که امام صادق علیه السلام درباره آیه (عِبَاداً لَنَا أُولَىٰ بِأُسِّ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ) چنین فرموده اند و امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود: «هو القائم و

۷. از سنت های الهی، نابودی مستکبران طغیان گر است. (بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ)

۸. تحقق وعده های الهی، به معنای کنار بودن انسان از وظیفه جهاد نیست. (بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا)

۹. فراز و نشیب های تاریخ و نابودی یهود به دنبال بلندپروازی آنان، بر پایه قانون و سنت الهی می باشد. (إِنَّ أَحْسَنَ نَسْتُمْ أَحْسَنُتُمْ...)

۱۰. مساجد، پیوسته پایگاه قدرت ادیان و سمبل قدرت بوده اند و آزاد کردن این اماکن مقدس از سلطه کفار، از وظایف مؤمنان است. برای سرکوب یهودیان متجاوز، مردان خدا وارد بیت المقدس می شوند؛ چنان که مسلمانان با فتح مکه وارد مسجد الحرام شدند. (لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ)

۱۱. یهودی ها ابتدا قوم خوبی بودند، لذا خدا راجع به آن ها فرمود: (فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ) (۲) اما بعد فرمود: (وَ بَأْوُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ) (۳) چرا خدا یک بار می گوید: زنده باد و یک بار می گوید: مرگ بر شما؟! چون افکار و رفتار آن ها به شدت تغییر کرد و

خصلت های آنان را عوض کرد. از جمله آن که:

__ رفاه طلب شدند. (لن نصبر على طعام واحد) (۴)

__ غرق در گناه و نافرمانی شدند؛ به گونه ای که دیگر قابلیت پاکیزگی را ندارند. (لم يرد الله ان يطهر قلوبهم) (۵)

__ در روی زمین فساد کردند. (يسعون في الارض فسادا) (۶)

ص: ۱۵۷

۱- نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲- سوره بقره، آیه ۴۷.

۳- سوره بقره، آیه ۶۱.

۴- سوره بقره، آیه ۶۱.

۵- سوره مائده، آیه ۴۱.

۶- سوره مائده، آیه ۴۱.

— حتی به خداوند تهمت زدند و گفتند دست خدا بسته است. (ید الله مغلوله) (۱)

— کتاب الهی را تحریف کردند. (یحرفون الکلم عن مواضعه) (۲)

— هر کجا وحی طبق میل آن ها نبود، تکبر ورزیدند. (افکلما جاءکم رسول بما لا تهوی انفسکم استکبرتم) (۳)

— نسبت به اهل ایمان، بیشترین کینه را داشته و دارند. (اشد الناس عداوه للذین آمنوا الیهود) (۴)

— بعضی از انبیا را به قتل رساندند و برخی را تکذیب کردند. (لقد اخذنا میثاق بنی اسرائیل و ارسلنا الیهم رسلنا ... فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون) (۵)

— غضب شده خداوند شدند. (فباؤوا بغضب علی غضب) (۶)

— گروهی از آنان مورد لعنت حضرت عیسی و حضرت داود علیهما السلام شدند. (لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان عیسی و داود) (۷)

— در مقابل منکرات بی تفاوت شدند. (کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا) (۸)

— اهل تلاش و جهاد نبودند. (انا هاهنا قاعدون) (۹)

— انتظارات و توقعات زیادی داشتند. (واذ قلتم یا موسی لن نصبر علی طعام واحد)

ص: ۱۵۸

۱- سوره مائده، آیه ۶۴.

۲- سوره نساء، آیه ۴۶.

۳- سوره بقره، آیه ۸۷.

۴- سوره مائده، آیه ۸۲.

۵- سوره مائده، آیه ۷۰.

۶- سوره بقره، آیه ۹۰.

۷- سوره مائده، آیه ۷۸.

۸- سوره مائده، آیات ۷۹ و ۸۰.

۹- سوره مائده، آیه ۲۴.

فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْتَبِئُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِيلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ (۱)

— تعصب نابجا به خرج می دادند. (وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ) (۲)

— دنیاگرا شدند. (فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا) (۳)

— پیمان شکنی کردند. (وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ) (۴)

— انحصار طلب شدند. (وَ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً) (۵)

— خوی استکباری پیدا کردند. (وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَتَغَلَّبَنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا) (۶)

— به دنبال اختلاف افکنی بودند. (وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ فَاحْتَلَفَ فِيهِ) (۷)

— برای انجام گناه توجیه می آوردند. (وَ سَيَلَّمُوهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ) (۸)

ص: ۱۵۹

۱- سوره بقره، آیه ۶۱.

۲- سوره بقره، آیه ۱۱۳.

۳- سوره بقره، آیه ۷۹.

۴- سوره بقره، آیه ۸۳.

۵- سوره بقره، آیه ۸۰.

۶- سوره اسراء، آیه ۴.

۷- سوره فصلت، آیه ۴۵.

۸- سوره اعراف، آیه ۱۶۳.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

(وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا) (۱)

«و کسی را که خداوند [قتل او را] حرام کرده است نکشید، مگر به حق. و هر کس مظلوم کشته شود، قطعاً برای ولی او تسلط [و اختیار دیه یا قصاص] قرار داده ایم، پس نباید در کشتن [و قصاص] زیاده روی کند؛ چراکه آن [ستم دیده به طور عادلانه] یاری و حمایت شده است.»

نکته ها:

۱. قتل نفس و آدم کشی از گناهان کبیره است. هر کس در غیر موضع حق، کسی را بکشد، گویا همه مردم را کشته است: (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا) (۲) و کیفر چنین کاری، ماندن در دوزخ برای همیشه است: (مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا) (۳) این کیفر، برای کسی که اسلحه بکشد و تهدید به قتل کند و به عنوان مفسد و محارب شناخته شود نیز ثابت است. (۴)

۲. در روایات، یکی از مصادیق «ولی» در آیه مورد نظر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است؛ چراکه انتقام جدّ عزیزش، امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت. امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه (و مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً...) فرمود: «منظور این آیه، امام حسین علیه السلام می باشد؛ زیرا آن بزرگوار مظلومانه شهید شد و ما امامان خون خواه آن حضرت هستیم. هنگامی که قائم ما

ص: ۱۶۰

۱- سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲- سوره مائده، آیه ۳۲.

۳- سوره نساء، آیه ۹۳.

۴- سوره مائده، آیه ۳۳.

خاندان قیام کند، خون امام حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد».(۱)

۳. وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش قیام کنند، شعار انقلابشان این خواهد بود: «یا لثارات الحسین»، یعنی ما آمده ایم انتقام خونی که از امام حسین ریخته شد را بگیریم.(۲)

۴. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انتقام شهدا را می گیرد. در دعای ندبه می گوئیم: «این طالب بدم المقتول بکربلا»،(۳) کجا هستی ای کسی که می آیی و انتقام خون امام حسین علیه السلام را

می گیری؟ حدیث داریم که خداوند می فرماید: «وَأَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي؛(۴) من توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دشمنانم انتقام می گیرم».

۵. حمایت خداوند از مظلوم و سپردن حق قصاص به ولی دم، هم عامل بازدارنده از آدم کشی است و هم باعث جلوگیری از اسراف در قصاص می شود. (جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا)

۶. قرار دادن حق قصاص، برای حمایت از مظلوم است. (جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا)

۷. در قصاص باید خشم و غضب، مهار، و عدالت مراعات شود: (فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ) اسلام حتی برای انتقام گیری از متجاوزان به جان انسان ها، عدالت را شرط دانسته است.

۸. خداوند در قرآن مجید خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)؛(۵) «ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

۹. خداوند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر پیامبران علیهم السلام را برای برخوردار ساختن انسان ها از رحمت خود در دنیا و آخرت مبعوث کرد. اوصیا و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز ادامه دهنده راه آن حضرت هستند.

ص: ۱۶۱

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲- الامالی، صدوق، ص ۱۳۰.

۳- اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۸.

۵- سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

امام دوازدهم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز جلوه ای از رحمت گسترده پروردگار برای همه انسان ها، به ویژه برای شیعیان و معتقدانش است. در زیارت آل یاسین _ که از زیارت های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد _ ایشان را «الرحمه الواسعه»^(۱) می خوانیم و می گوئیم: «سلام بر تو، ای رحمت گسترده پروردگار».

۱۰. در حدیثی از جابر، صحابی پیامبر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «رحمة للعالمین» یاد شده است.^(۲) آن امام، ذخیره خداوند برای آینده جهان و واسطه لطف و رحمت او در زمین است. خود ایشان در نامه ای خطاب به یکی از نمایندگان خاص خود در زمان غیبت صغری فرمود: «من موجب امان و آرامش اهل زمین هستم»^(۳) و در جای دیگری فرمود: «وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ»^(۴) ما لحظه ای شما را فراموش نمی کنیم».

آری! امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوه مهر و لطف خداوند بر اهل زمین است و اگر شمشیر کشیدن و جنگی نیز وجود خواهد داشت، در برابر ستمگران و مستکبرانی خواهد بود که مانع بارش رحمت الهی بر مردم هستند.

۱۱. شمشیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای کسانی کشیده خواهد شد که جز منطق زور، چیز دیگری نمی فهمند؛ مثل اسرائیلی های امروز. آیا این صهیونیسم قابل نصیحت است؟! آیا سازمان ملل می تواند مهارش کند؟! آیا آمریکا می تواند کنترلش کند؟! اصلاً چه قدرتی می تواند اسرائیل را سرجایش بنشانند؟ اسرائیل جز منطق زور چیزی نمی فهمد، و گرنه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سر تا پا مهر است.

۱۲. در روایت آمده است که امام زمان با شمشیر قیام می کند: «يَخْرُجُ بِالسَّيْفِ» شمشیر یا رمز و نماد خاصی است یا به معنی جنگ عادلانه است؛ چراکه جنگ با غیر شمشیر، عادلانه نیست. در جنگ های امروز با بمباران، یک شهر را زیر و رو می کنند و

ص: ۱۶۲

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۷۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷.

۳- الغیبه، طوسی، ص ۲۹۲.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

آثار بمباران حتی برای نسل های بعد هم می ماند. مثلاً در ژاپن بعد از ۵۰ سال هنوز هم آثار بمباران شیمیایی در مردم هست. نسل چهارم و نسل پنجم چه گناهی کرده اند؟

جنگ حقیقی، جنگ با شمشیر است. این جنگ های مدرن، همه اش وحشی گری است. در این جنگ ها هیچ انسانی مطرح نیست. تعجب آور است که چرا اسم این کارها را تمدن گذاشته اند. حقیقتاً که وحشی گری در هیچ زمانی، از زمان ما بیشتر نبوده است. صد رحمت به زمان جاهلیت! در زمان جاهلیت نسل کشی نبود. جنگ واقعی، جنگ تن به تن است. مراد از این که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر ظهور می کند، این است که ایشان با عقل و شناخت و انصاف خواهند جنگید.

ص: ۱۶۳

محشور شدن با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قیامت

(يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَّمُونَ فِتْنًا) (۱)

«روزی که هر گروه از مردم را با پیشوایشان فرا می خوانیم، پس هر کس نامه عملش به دست راستش داده شود، پس آنان نامه خود را [با شادی] می خوانند و کم ترین ستمی بر آنان نمی شود.»

نکته ها:

۱. قرآن از دو گونه پیشوا نام برده است؛ یکی امام نور و هدایت: (أئِمَّةٌ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا) (۲) و دیگری امام نار و ضلالت: (أئِمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ) (۳) گروه اول از سوی خدا به امامت منصوب شده اند؛ اما گروه دوم، با زور و تهدید و تطمیع و تحقیر، مردم را به اطاعت خود وامی دارند.

۲. ابوبصیر به امام صادق علیه السلام گفت: «أشهد أنك امامي؛ گواهی می دهم که تو امام من هستی». آنگاه امام فرمود: «در قیامت، هر گروهی با امامشان محشور می شوند، خورشید پرستان با خورشید و ماه پرستان با ماه». (۴)

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره این آیه فرمود: «در روز قیامت هر گروهی به نام امام زمانش و نیز به کتاب خدا و سنت پیامبرشان فرا خوانده

ص: ۱۶۴

۱- سوره اسراء، آیه ۷۱.

۲- سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۳- سوره قصص، آیه ۴۱.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۳.

۳. فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی (یوم ندعوا کل اناس بامامهم) پرسیدم. فرمود: «ای فضیل! امام خود را بشناس، زیرا هرگاه امامت را شناختی، تقدم یا تأخر این امر به تو زیان نمی رساند. کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت نشسته است» (۲).

۴. تقسیم بندی مردم در قیامت، بر اساس رهبرانشان خواهد بود. (كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ)

۵. انسان، ناگزیر، الگو و رهبری را برای خود انتخاب می کند. (كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ)

۶. مسلمان نباید در مسائل رهبری، منزوی و بی تفاوت باشد؛ زیرا در قیامت به همراه او محشور می شود.

۷. آثار مسأله انتخاب رهبری و اطاعت از او، تا قیامت ادامه دارد. (نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ)

۸. قیامت، نه تنها دادگاه افراد، بلکه محکمه بزرگ امت ها، ملت ها، احزاب، مکتب ها و حکومت ها نیز هست. (نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ)

۹. جایگاه امامت و ولایت، در متن زندگی است؛ نه آن که صرفاً موضوعی اعتقادی و در حاشیه باشد. رهبر، زمینه ساز سعادت یا شقاوت مردم است.

ص: ۱۶۵

۱- صحیفه الإمام الرضا علیه السلام ، ص ۴۹.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

سوره كهف

اشاره

ص: ١٦٧

تلاوت سوره كهف و رهایی از فتنه های آخرالزمان

۱. در فضیلت سوره كهف و آثار تلاوت آن، احادیث بسیاری وارد شده است؛ از جمله آن که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من قرأ الکهف یوم الجمعة فهو معصوم إلى سته أيام من کل فتنه تكون، فإن خرج الدجال عصم منه؛ (۱) کسی که سوره كهف را در روز جمعه بخواند، تا شش روز از هرگونه فتنه ای دور خواهد بود و اگر دجال خروج کند، از شری وی مصونیت خواهد داشت».

۲. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: روزی سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دامن من بود و آن حضرت به خواب رفت و ما جمعی بودیم که درباره دجال و خطر آن گفتگو می کردیم. ناگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که صورت مبارکش سرخ شده بود، از خواب بیدار شد و فرمود: «إن أخوف ما أخاف علی هذه الأمة من الدجال أئمه مصلون و هم رؤساء أهل البدع؛ (۲) بدترین چیزی که از دجال بر اتمم می ترسم، رهبران گمراهی است که پیشوایان اهل بدعت هستند».

۳. سدیر صیرفی گوید: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان، امام صادق علیه السلام وارد شدیم و دیدیم که بر خاک نشسته و جبه خیري طوق دار و بی گریبان و آستین کوتاهی پوشیده و مانند مادر فرزندمرده و جگر سوخته می گرید و اندوه تا وجناتش رسیده، گونه هایش دگرگون شده و دیدگانش پر از اشک است و می گوید:

«ای آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و بستر را بر من تنگ ساخته و

ص: ۱۶۸

۱- نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۴۲.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

آسایش قلبم را از من سلب نموده است. آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده و فقدان یکی پس از دیگری، جمع و شمار را نابود کرده است.

من دیگر اشکی را که از دیدگان بر گریبانم روان است و ناله ای را که از مصائب و بلاهای گذشته از سینه ام سر می کشد، احساس نمی کنم؛ بلکه تنها چیزی که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه گرفتاری ها بزرگ تر، جانگدازتر، سخت تر و ناآشنا تر است، ناملایماتی است که با غضب تو در آمیخته و مصائبی است که با خشم تو عجین شده است».

چون امام صادق علیه السلام را در چنین حالی دیدیم، از شدت وله و جزع، عقل از سرمان پرید و به واسطه آن رخداد سهمگین و پدیده وحشتناک، قلوبمان چاک چاک شد و پنداشتیم که مکروهی کوبنده یا مصیبتی از مصائب روزگار بر ایشان نازل شده است. گفتیم: «ای فرزند بهترین خلایق! چشمانت گریان مباد! به واسطه چه حادثه ای اشک از دیدگانتان ریزان است و کدام حالتی است که این ماتم را بر شما واجب کرده است؟» امام صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید که بر اثر آن، آه از درونش برآمد و هراسش افزون شد و فرمود:

«وای بر شما! صبح امروز در کتاب جفر می نگریستم و آن کتابی است مشتمل بر علم منایا و بلایا و مصائب عظیمه و علم ماکان و مایکون تا روز قیامت؛ همان کتابی که خدای تعالی آن را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه پس از او اختصاص داده است. در فصولی از آن کتاب، میلاد قائم ما و غیبتش و تأخیر کردن و طول عمرش و بلوای مؤمنان در آن زمان و پیدایش شک و تردید در قلوب آن ها به واسطه طول غیبت و مرتد شدن آن ها از دینشان و برکندن رشته اسلام از گردن هایشان را مشاهده کردم...» (۱).

ص: ۱۶۹

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (۱)

«ما داستان آنان (اصحاب کهف) را به درستی برای تو حکایت می کنیم. آنان

جوان مردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.»

نکته ها:

۱. داستان اصحاب کهف، مهم و مفید است. به خبر مهم و قابل توجه، «نبأ»

می گویند.

۲. «فِئْتِيَه» جمع «فِئْتِي» به معنای جوان مرد است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «فتی به انسان باایمان گفته می شود؛ زیرا خداوند اصحاب کهف را با آن که سالمند بودند، به سبب ایمانشان «فتی» معرفی کرده است.» (۲)

۳. در داستان اصحاب کهف، مسائلی چون قدرت و اراده الهی، شجاعت، دل کندن از دنیا، هجرت، تقیه، امدادهای الهی و تغذیه حلال مطرح است.

۴. اصحاب کهف، افرادی انقلابی، مهاجر و مؤمن بودند؛ چراکه به خدا اعتقاد داشتند و زیر بار شرک نرفتند و هجرت کردند. آن ها وابسته به هیچ کس نبودند و در بندگی خدا اخلاص داشتند.

۵. هنر اصحاب کهف این بود که در جامعه فاسد، هضم نشدند و وقتی دیدند که همه مردم شهر منحرف هستند و امکان یا امید اصلاح آن ها وجود ندارد، گفتند: ما از رفاه و لذت جامعه فاسد می گذریم و غارنشینی را ترجیح می دهیم تا دینمان را حفظ کنیم.

ص: ۱۷۰

۱- سوره کهف، آیه ۱۳.

۲- الکافی، ج ۸، ص ۳۹۸.

۶. مردم، نسبت به فساد و جامعه فاسد سه دسته اند:

— گروهی در فساد جامعه هضم می شوند. این دسته، ایمان کامل ندارند و نمی توانند دین خود را حفظ کنند؛ ولی هجرت هم نمی کنند و زیان حالشان این است: (وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ)؛ (۱) «با اهل باطل در سخنان باطل فرو می رفتیم».

— گروهی در جامعه فاسد، خود را حفظ می کنند؛ مثل اصحاب کهف: (إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ).

— گروهی جامعه فاسد را تغییر می دهند و اصلاح می کنند؛ مثل انبیا و اولیا. وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام بت ها را شکست و پرسیدند: چه کسی بت ها را شکسته است؟ پاسخ دادند: (يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ)؛ (۲) «جوانی است که به او ابراهیم گویند».

۷. در روایات آمده است که اصحاب کهف، جزو اصحاب و یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود. (۳)

۸. حرکت و تلاش انسان، سبب رشد و هدایت اوست. (آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى)

۹. حتی یک گروه کوچک نیز باید مسئول و رهبر داشته باشد. در میان اصحاب کهف، یک نفر بود که امر و نهی می کرد. (قَالَ قَائِلٌ ... فَابْعَثُوا...)

۱۰. اصحاب کهف بعد از بیداری از خواب چندصد ساله، به یک دیگر گفتند: یک نفر برود و غذایی که پاکیزه تر است برایمان بیاورد. (۴) فکر نکنیم که اگر خمس و سهم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ندادیم زرنگ هستیم.

ص: ۱۷۱

۱- سوره مدثر، آیه ۴۵.

۲- سوره انبیاء، آیه ۶۰.

۳- منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

۴- (فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ). سوره کهف، آیه ۱۹.

(الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) (۱)

«کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و [دیگران را] به خوبی ها دعوت می کنند و از بدی ها باز می دارند؛ و پایان همه امور برای خداست.»

نکته ها:

۱. امام محمدباقر علیه السلام فرمود: «این آیه، متعلق به آل محمد علیهم السلام یعنی دوازده امام و شخص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران اوست که خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جای دهد و دین اسلام را غالب گرداند و هر بدعت و باطلی را به وسیله او و یارانش محو کند؛ همان طور که سفیهان حق را از میان برده باشند و آنچنان عالم در آسایش به سر برد که اثری از ظلم در جایی دیده نشود.» (۲)

۲. امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد. (مَكَّنَّاهُمْ)

۳. پیروزی مؤمنان، زمینه بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می کند و غفلت و غرور را از بین می برد. (إِن مَّكَّنَّاهُمْ)

۴. برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است. آنان هر کجا که توان بیابند، هدف مقدس خود را پیاده می کنند. (فِي الْأَرْضِ)

۵. رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست. (أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ ...)

ص: ۱۷۲

۱- سوره کهف، آیه ۴۱.

۲- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۶. اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. در این آیه آمده است: (أَقَامُوا)، نه «یقیمون».

۷. حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد معنوی افراد تحت حکومت خود هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. (أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ...)

۸. جامعه ای تحت حمایت خداوند است که ارزش های محوری اش طبق ارزش های قرآنی باشد.

۹. امر و نهی افراد، زمانی در جامعه مؤثر خواهد بود که هر کس ابتدا به وظایف فردی خود عمل کند. (أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ)

۱۰. اقامه نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد. (إِنْ مَكَّنَّاهُمْ ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ)

۱۱. زکات، همتای ناگسستی نماز است. (۱) (أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ)

۱۲. باید بدانیم که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، استمرار حکومت علوی و با همان خصوصیات و اهداف است. این ویژگی ها و اهداف عبارت اند از:

— عدالت. مشخصه حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا». (۲) هدف همه انبیا اجرای عدالت بوده است.

— امنیت. در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک زن از منطقه ای به منطقه ای دوردست می رود، بدون آن که دغدغه و دلهره ای داشته باشد.

— رشد عقلانی در روایات آمده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِمَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَعْلَانَهُمْ» (۳) وقتی امام بیاید، دستی روی سر مردم می کشد و مردم رشد عقلی پیدا می کنند.

— اقامه نماز. در همین آیه آمده است: (الَّذِينَ ان مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ).

ص: ۱۷۳

۱- در ۲۸ آیه قرآن، زکات در کنار نماز آمده است.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۴۱.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

— احیای زکات. در ادامه آیه آمده است: (وَ آتُوا الزَّكَاةَ) طبق روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانع الزکات را می کشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «...و مانع الزکاه یضرب رقبتہ». (۱)

— امر به معروف و نهی از منکر. در همین آیه آمده است: (وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ)

— احیای فرهنگ قرآن. اولین اقدام حضرت پس از استقرار حکومت، تشکیل کلاس قرآن است: «السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه». (۲)

— آبادی شهرها و روستاها. امام باقر علیه السلام درباره عصر ظهور فرمود: «لا یبقی فی الارض خراب إلا قد عمر». (۳)

— شکوفایی علم و دانش. طبق سخنی از امام صادق علیه السلام، علم ۲۷ حرف دارد و ۲۵ حرف آن در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشف خواهد شد. (۴)

— محو فقر. مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: «هنگامی که قائم ما قیام کند... زمین گنج های خود را ظاهر می سازد و مردم آن ها را به روی زمین مشاهده می کنند. آنان از هم می پرسند که افراد فقیر و مستحق کجا هستند تا زکات و صدقات خود را به آنان برسانند؛ زیرا در زمان او، مردم همگی غنی می شوند و مستحق برای صدقات پیدا نمی شود». (۵)

— شایسته سالاری در عزل و نصب. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت عملی به این سفارش حضرت علی علیه السلام عمل خواهد نمود که فرمود: «کارمندان را از میان اهل پرهیزگاری و دانش و سیاست برگزین و از بین آنان نیز مردم آزموده و باحیا که از خاندان های صالح و سابقه دار هستند را مدنظر قرار بده که اینان اخلاقی بزرگوارانه تر و آبرومند تر و آزمندی

ص: ۱۷۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲- الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۵- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴.

هایی کم تر و عاقبت نگری های بیش تر از دیگران دارند» (۱).

— سازش ناپذیری. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَانِهِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي» (۲). بر گردن همه پدرانم بیعت سرکشان زمانه بود، اما من وقتی خروج نمایم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نخواهد بود».

— انتقادپذیری. آن امام همچون پدر بزرگوارش حضرت علی علیه السلام است که فرمود: «لَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ» (۳) با من بدان گونه که با زورگویان سخن می گوید، صحبت نکنید». ایشان انتقاد منتقدان را خواهد شنید.

— حق محوری. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که بر مبنای حق، حکومت خواهد نمود و حتی در زمان تولد، این آیه بر بازوانش بسته شده بود: (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)؛ (۴) «حق آمد و باطل رفت، همانا باطل رفتنی است».

— مهربانی با مردم و سخت گیری بر کارگزاران. در وصف سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است که ایشان با مردم، مهربان و با کارگزارانش، سخت گیر خواهد بود. (۵)

خلاصه آن که حفظ دین از بدعت ها و شبهات و اقامه حدود و همه آنچه که یک حکومت الهی باید داشته باشد، در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حد کمال وجود خواهد داشت.

ص: ۱۷۵

۱- تحف العقول، ص ۱۳۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۴- سوره اسراء، آیه ۸۱.

۵- بشاره المصطفی لشيعه المرتضى عليه السلام، ج ۲، ص ۲۰۷.

سوره انبياء

اشاره

ص: ۱۷۷

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (۱)

«و همانا در [کتاب آسمانی] زبور [که] بعد از ذکر [یعنی تورات، نازل شده] نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

نکته ها:

۱. کلمه «زبور» در لغت عرب به معنای هر نوع نوشته و کتاب است؛ چنانکه در قرآن نیز آمده است: (وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ) (۲) ولی در آیه (و آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا) (۳) به قرینه نام حضرت داود علیه السلام به نظر می رسد که مراد، کتاب اختصاصی آن حضرت است که در برگیرنده مجموعه مناجات ها، نیایش ها و اندرزهای ایشان بوده و پس از تورات نازل شده است.

مراد از «ذکر» در این آیه نیز تورات می باشد؛ چنان که در آیه ۴۸ همین سوره تصریح شده که تورات، ذکر است. (۴)

بعضی گفته اند که منظور از «زبور» در این آیه، تمام کتب آسمانی، مراد از «ذکر»، قرآن مجید، و کلمه «مِنْ بَعْدِ» نیز به معنای «علاوه بر» است، که در این صورت معنای آیه چنین می شود: «ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین، قطعاً بندگان صالح من خواهند بود».

از امام صادق علیه السلام درباره زبور و ذکر سؤال شد. آن حضرت فرمودند: «ذکر نزد خداوند

ص: ۱۷۸

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲- سوره قمر، آیه ۵۲.

۳- سوره نساء، آیه ۶۳ و سوره اسراء، آیه ۵۵.

۴- (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ) .

است و زبور، کتاب نازل شده بر داود علیه السلام است و همه کتاب های نازل شده، نزد اهل علم است و آنان ما (اهل بیت) هستیم»^(۱).

۲. در پنج مورد از مطالب زبور (مزامیر) حضرت داود علیه السلام _ که امروزه جزو کتب عهد قدیم به شمار می رود _ شبیه این تعبیر آمده است: «مردان صالح، وارث زمین خواهند شد».

۳. همه دین ها معتقدند که نجات دهنده ای خواهد آمد؛ لذا در زیارات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه خطاب قرار می دهیم: «السَّلَامُ عَلَی مَهْدِیِّ الْأُمَمِ»^(۲) یعنی سلام بر تو، ای امامی که همه امت ها منتظرت هستند، نه فقط مسلمان ها!

۴. در روایات متعدد آمده است که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش هستند^(۳).

۵. یکی از سنت الهی آن است که بندگان صالح، حاکم و وارث جهان باشند. (کَتَبْنَا)

۶. دین از سیاست جدا نیست. (يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)

۷. به ارث بردن زمین و حکومت بر جهان، دو شرط دارد؛ بندگی خداوند و انجام اعمال صالح. (عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)

ص: ۱۷۹

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

۳- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

سوره حج

اشاره

ص: ۱۸۱

(أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرؤُوفٌ رَحِيمٌ) (۱)

«آیا ندیدی که خداوند، آنچه را در زمین است و نیز کشتی هایی که به امر او در دریا می روند را برای شما رام کرده است و آسمان را نگاه داشته تا جز به فرمان او به زمین نیفتد؟ همانا خداوند نسبت به مردم، رأفت و رحمت دارد.»

نکته ها:

۱. مراد از تسخیر موجودات برای انسان، آن است که همه آن ها در مسیر کام گیری و منافع بشر قرار داده شده اند؛ مثلاً خورشید مسخر ماست، یعنی از او بهره مند می شویم.

۲. تسخیر جهان هستی، به اراده خداست. (أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ)

۳. انسان شریف ترین مخلوق خداوند است و می تواند بر زمین و پدیده های آن غالب شود. (سَخَّرَ لَكُمْ)

۴. سیر طبیعت، در مسیر اراده خداوند است. (تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ)

۵. قوانین طبیعی، مانع اراده الهی نیست. (إِلَّا بِإِذْنِهِ)

۶. وجود امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف عامل امنیت اهل زمین است. خود ایشان فرمود: «إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛ (۲) من امان و مایه امنیت اهل زمین ام؛

همان گونه که ستارگان امنیت بخش اهل آسمان هستند».

۷. امام سجاد علیه السلام فرمود: «نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا (يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ) وَ بِنَا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ

ص: ۱۸۲

۱- سوره حج، آیه ۶۵.

۲- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۵۳.

تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَتُشْرِرُ الرَّحْمَهُ وَتَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ وَ لَوْ لَمَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛(۱) ما امان اهل
زمین هستیم، هم چنان که ستارگان امان اهل آسمان اند. و ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه داشته تا بر
زمین نیفتد، مگر به اذن او و به خاطر ما زمین را نگاه داشته است که اهلش را نلرزاند. به سبب ما باران را فرو فرستد و رحمت
را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازد و اگر ما بر روی زمین نبودیم، زمین اهلش را فرو می برد».

ص: ۱۸۳

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷.

سوره نور

اشاره

ص: ۱۸۵

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نور الهی

(اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ ۖ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (۱)

«خداوند، نور آسمان ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغ دانی است که در آن چراغی [پرفروغ] باشد، آن چراغ در میان حبابی شیشه ای، و آن شیشه همچون ستاره ای تابان و درخشان باشد. چراغ از روغن درخت پربرت زیتون بر افروخته شده که نه شرقی است و نه غربی. [روغنش به قدری صاف و شفاف است] که بدون تماس آتش، نزدیک است [شعله ور شود و] روشنی دهد. نوری است بر فراز نور دیگر. هر کس را خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می کند، و خداوند برای مردم مثل ها می زند و خداوند به هر چیزی آگاه است.»

نکته ها:

۱. در فرهنگ اسلام، برخی از اشیا و انسان ها به عنوان «نور» معرفی

شده اند؛ مثل قرآن، علم، عقل، ایمان، هدایت، اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام.

۲. حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «مشکات، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مصباح، وصی او (علی علیه السلام) و جانشینان پس از او (ائمہ علیهم السلام)، زجاجه، فاطمه علیها السلام، شجره مبارکه، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و کوكب درّی، قائم منتظری است که زمین را پر از عدل می کند.» (۲)

ص: ۱۸۶

۱- سوره نور، آیه ۳۵.

۲- إثبات الهداه، ج ۲، ص ۱۵۰.

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همانا خدای عزوجل در آن شب (معراج) که به گردش شبانه برده شدم، به من وحی فرمود: «ای محمد! چه کسی از میان امت را به جای خود گذاشتی؟» خدا خود بدان آگاه تر بود، اما عرض کردم: «پروردگارا! برادرم را». فرمود: «ای محمد! علی بن ابی طالب را؟» عرض کردم: «بله، ای خدای من!»

فرمود: «ای محمد! من ابتدا از مقام ربوبیت نظری بر زمین افکندم و تو را از میان مردم اختیار کردم؛ هیچ گاه یادی از من نمی شود، مگر این که تو نیز با من یاد شوی. من خود، محمودم و تو محمد. سپس نظری دیگر بر زمین افکندم و از آن میان، علی بن ابی طالب را برگزیدم و او را وصی تو قرار دادم. پس تو سرور پیامبران، و علی سرور جانشینان است. سپس از اسمای خویش، نامی مشتق ساختم و بر او نهادم. «اعلی» از نام های من است و «علی» نام اوست.

ای محمد! من علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم السلام را از یک نور آفریدم، سپس ولایت ایشان را بر فرشتگان عرضه داشتم. هر که آنان را پذیرفت، از مقربین گردید و هر که آن را رد کرد به کافران پیوست. ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم مرا چنان پرستش کند که رشته حیاتش از هم بگسلد، اما در حالی که منکر ولایت آنان است با من روبرو شود، او را در آتش دوزخ خواهم افکنم. ای محمد! آیا مایلی آنان را ببینی؟»

عرض کردم: «آری!» فرمود: «قدمی پیش گذار». من قدمی جلو نهادم. ناگاه دیدم علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی علیهم السلام آن جا بودند و حجت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند ستاره ای درخشان در میان آنان بود.

عرض کردم: «پروردگارا! اینان چه کسانی اند؟» فرمود: «اینان امامان هستند و این نیز قائم است که حلال کننده حلال من و حرام دارنده حرام من است و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمد! او را دوست بدار که من او را دوست می دارم و هر کس را که او را دوست بدارد نیز دوست می دارم.» (۱)

ص: ۱۸۷

۴. (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) یعنی خداوند هدایت کننده آسمان و زمین است. چون هدایت آفرینش، در آیات دیگر نیز آمده است: (أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) (۱) عبارت (نُورٌ عَلَى نُورٍ) نیز به معنای هدایت های دائمی و پی در پی است. خداوند در پایان آیه نیز می فرماید: (يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ)

۵. در این آیه، خداوند به نور تشبیه شده است. با مطالعه ای اجمالی، روشن می شود که نور دارای خواص و ویژگی های زیر است:

— نور، لطیف ترین موجود در جهان ماده و سرچشمه زیبایی ها و لطافت هاست.

— نور، وسیله تبیین اجسام و مشاهده موجودات است و بدون آن چیزی را نمی توان دید. بنابراین هم «ظاهر» است و هم «مُظهِر». (ظاهرکننده غیر)

— نور آفتاب — که مهم ترین نور در دنیای ماست — پرورش دهنده گل ها و گیاهان و بلکه رمز بقای همه موجودات زنده است.

— تمام انرژی های موجود در محیط (به جز انرژی اتمی) همه از نور آفتاب سرچشمه می گیرند؛ حرکت بادهای، ریزش باران، جریان نهرها و آبشارها و بالاخره، حرکت همه موجودات زنده، با کمی دقت، به نور آفتاب منتهی می شود. سرچشمه گرما و حرارت نیز همان نور آفتاب است. حتی گرمی آتش که از چوب درختان یا ذغال سنگ یا نفت و مشتقات آن به دست می آید نیز از گرمی آفتاب است.

— نور آفتاب نابود کننده انواع میکروب ها و موجودات موزی است و اگر تابش این نور پربرکت نبود، کره زمین، تبدیل به بیمارستان بزرگی می شد که همه ساکنانش با مرگ دست به گریبان بودند.

خلاصه هرچه در این پدیده عجیب عالم، یعنی نور، می نگریم و دقیق تر می شویم، آثار گران بها و برکات عظیم آن آشکارتر می شود. اما عجیب این جاست که بشری که با این همه پیشرفت علمی از شناخت حقیقت نور — که یک امر مادی است — عاجز مانده، در پی شناخت ذات و حقیقت خداست و چه بسا این نیز یکی از وجوه تشبیه خدا به نور باشد.

ص: ۱۸۸

حال اگر بخواهیم برای ذات پاک خدا تشبیه و تمثیلی از موجودات حسی انتخاب کنیم _ گرچه مقام باعظمت او از هر شبیه و نظیری برتر است _ آیا جز از واژه «نور» می توان استفاده کرد؟ خداوند پدیدآورنده تمام هستی است، روشنی بخش عالم است، همه موجودات به برکت او زنده اند، همه مخلوقات بر سر خوان نعمت او هستند و اگر لحظه ای لطف خود را از آن ها باز گیرد، همگی در ظلمت فنا و نیستی فرو می روند. جالب این که هرچیز به هر اندازه که با او نسبت دارد، به همان اندازه نورانیت کسب می کند:

قرآن نور است، چون کلام اوست؛

اسلام نور است، چون آئین اوست؛

پیامبران نورند، چون فرستادگان اویند؛

امامان انوار الهی هستند، چون حافظان آئین او بعد از پیامبران اند؛

ایمان نور است، چون رمز پیوند با خداست؛

علم نور است، چون سبب آشنایی با خداست و

گرچه خداوند نور آسمان ها و زمین و مایه خلقت و هدایت همه هستی است، اما جایگاه او در دل های پاک و شفاف مؤمنان است که با نور ایمان برافروخته می گردد و هرچه خلوص ایمان بیشتر باشد، تَلَأْتُ بِيَشْتَرِي مِي يَابِد. (يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ)

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (۱)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا پرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان اند.»

نکته ها:

۱. در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام می خوانیم که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و خداوند وعده داده است که در آن روز، اهل ایمان بر جهان حکومت کنند. (۲)

۲. در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است؛ از جمله آن که سه مرتبه فرمود: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)؛ (۳) «اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد» و نیز در جای دیگری فرمود: (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (۴) «بندگان صالح من وارث

ص: ۱۹۰

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- رک: نورالثقلین، ذیل آیه شریفه.

۳- سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹.

۴- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

زمین خواهند شد» و در جای دیگر می خوانیم: (وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ).

۳. اسلام، دین آینده جهان است. آینده تاریخ به سود مؤمنان و با شکست سلطه کافران رقم خواهد خورد. (وَعِدَ اللَّهُ ... لِيَمَكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمْ)

۴. به مؤمنان امید دهید تا فشار و سختی ها، آن ها را مأیوس نکند. (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا)

۵. کلید و رمز لیاقت یافتن برای به دست گرفتن حکومت گسترده حق، ایمان و عمل صالح است. (الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)

۶. دین از سیاست جدا نیست؛ بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. (لَيْسَتْ خِلْفَتُهُمْ ... يَعْبُدُونَنِي)

۷. برای باور کردن مردم، بیان نمونه هایی از تحقق وعده های الهی در تاریخ گذشته مفید است. (كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ)

۸. پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. (كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ)

۹. هدف از حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است. (لِيَمَكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمْ ... لِيَبْدُلَنَّهُمْ ... لَا يُشْرِكُونَ)

۱۰. دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. (وَعَدَ اللَّهُ ... لِيَمَكِّنَ لَهُمْ ... لِيَبْدُلَنَّهُمْ)

۱۱. دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. (دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ)

۱۲. امنیت واقعی در سایه حکومت دین است. (وَلِيَبْدُلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا)

۱۳. امنیت در جامعه اسلامی، شرایط مناسبی را برای عبادت فراهم می سازد. (أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي)

۱۴. هدف نهایی وعده های الهی، عبادت خالصانه خداوند است. (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)

۱۵. عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ گونه شرکی در کنار آن نباشد. (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ)

۱۶. در زمان حکومت صالحان نیز گروهی انحراف خواهند داشت. (وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ

۱۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر برگشت از آخرین سفر حج خود، در منطقه غدیر خم به فرمان خداوند حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود اعلام کرد. در آن روز (هجدهم ذی الحجه) این آیه نازل شد: (رَضِيَتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ (۲) «امروز من اسلام را به عنوان دین کامل برای شما پسندیدم». در این آیه نیز خداوند پیروزی آن دینی را که پسندیده، وعده داده است: (دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ) بنابراین اسلامی که جهان را خواهد گرفت، اسلام غدیر خم است.

۱۸. امت بی امام، کشتی بی ناخداست؛ شب بی چراغ است. اگر رهبری الهی نباشد، استعدادها شکوفا نمی شود. در کنار پیشرفت امروز دنیا، فساد و جنایات نیز پیشرفت کرده است؛ یعنی بال علم و تکنولوژی حرکت می کند، ولی بال معنویت شکسته است و این است سیمای انسان بدون رهبری الهی در جهان.

خیلی تعجب است از کسانی که می گویند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت و کسی را تعیین نکرد! مگر در تاریخ نمی خوانیم که هرگاه قبیله ای مسلمان می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فوراً برای آنان حاکم تعیین می فرمود؟ یا هرگاه لشگری اعزام می کرد، برای آنان فرمانده تعیین می کرد؟ یا همین که به مدینه هجرت نمود، در مکه برای خود جانشینی گمارد؟

۱۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تصریح کرده و فرمودند: «معاشر الناس! أنا نبي و علی وصيي، ألا إن خاتمة الأئمة من القائم المهدي؛ (۳) ای مردم! من پیامبرم و علی علیه السلام وصی من است. آگاه باشید که خاتم امامان، قائم و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خاندان ماست».

غدیر، تداوم خط رسالت تا روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق وعده های مکرر خداوند برای جهانی شدن اسلام است. غدیر یعنی بیعت با امامی که حکومت او، وسیله ای

۱- سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۲- سوره مائده، آیه ۳.

۳- إثبات الهداه، ج ۲، ص ۲۲۰.

برای برقراری عدالت اجتماعی است.

غدیر یک روز نیست؛ یک تاریخ است، یک نوع عقیده و فکر است و ضامن اجرای احکام خداست. غدیر، افشاندن بذر ولایت در دل امت و نشان دادن خورشید است. غدیر، گذاشتن دست انسان در دست ولی خدا و امام معصوم و بیمه شدن در برابر

طاغوت هاست.

غدیر تداوم رسالت است. همان گونه که انسان نیاز به پیامبر دارد و پیامبر را خدا تعیین می کند، بعد از پیامبر نیز انسان به امام نیاز دارد و امام را نیز خدا تعیین می کند. زیرا انسان همان انسان است و نیاز به رهبری الهی در همه زمان ها و مکان ها وجود دارد.

۲۰. خداوند در غدیر خم فرمود: (وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛^(۱) «امروز راضی هستم که اسلام، دین شما باشد». در غدیر خم، نعمت، تمام و علی علیه السلام به رهبری منصوب شد. در این آیه هم درباره حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: (وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ)؛^(۲) یک بار در غدیر فرمود: (رَضِيتُ) و این جا می فرماید: (ارْتَضَى) ریشه لغوی این دو کلمه، یکی است و این معنا را می رساند که دین غدیر و دین زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد رضایت خداوند است.

ص: ۱۹۳

۱- سوره مائده، آیه ۳.

۲- سوره نور، آیه ۵۵.

سوره نمل

اشاره

ص: ۱۹۵

(أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ) (۱)

«کیست که هر گاه در مانده ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند و شما را جانشینان [خود در] زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می پذیرید.»

نکته ها:

۱. در روایات و تفاسیر، مطلبی ندیدم که ثابت کند تلاوت این آیه در استجاب دعا نقشی داشته باشد؛ لکن مردم به خاطر محتوای آیه، آن را تبرکاً می خوانند و مانعی هم ندارد. مناجات با خدای سبحان و راز و نیاز با او، کاری پسندیده و لازم است. دعا به درگاه خدا برای حل مشکلات، خصوصاً در هنگام درماندگی، برای همگان ضروری است.

۲. از راه های شناخت خدا و یکتایی او، توجه به یک قدرت نجات بخش و بریدن از قدرت ها و وسایل دیگر در هنگام اضطرار است. (أَمَّنْ يُجِيبُ)

۳. شرط استجاب دعا، قطع امید از دیگران و اخلاص در دعاست. (يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ)

۴. اگر کسی در سکوت از خداوند حاجتی بخواهد، خداوند از خواسته اش باخبر خواهد بود، ولی او دوست دارد که بندگانش حاجت خود را به زبان آورند. (إِذَا دَعَاهُ)

۵. در روایات می خوانیم که نمونه مضطرّ واقعی، امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف است. از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد این آیه روایت شده است: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، هُوَ وَ اللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي

ص: ۱۹۶

الأرض؛(۱) این آیه درباره قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده است. به خدا قسم، مضطر اوست که وقتی دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز او را اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و وی را در زمین خلیفه خود گرداند».

بدترین (الشوء) هم سلطه کفار است که در زمان آن حضرت برطرف می شود و نمونه (يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءً) نیز حکومت صالحان در آن زمان خواهد بود.

۶. اجابت مضطر، کاری الهی است، ولی سنت های الهی را تغییر نمی دهد. مثلاً یکی از سنت های خداوند آن است که مردم به نحوی باید از دنیا بروند. از سویی، همه انسان ها در لحظه احتضار، مضطر می شوند. پس اگر خداوند بخواهد به همه، جواب مثبت دهد، باید قانون مرگ را لغو کند!

ص: ۱۹۷

سوره قصص

اشاره

ص: ۱۹۹

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پایان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام

(و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) (۱)

«و ما اراده کرده ایم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم.»

نکته ها:

۱. کلمه «منت» در این جا به معنای نعمت بزرگ و باارزش است؛ نه منت زبانی به معنی بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر دیگران، که مسلماً کار زشت و ناپسندی است.

۲. شکی نیست که هرگاه اراده الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسأله قطعاً عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی تواند سد راه آن شود. قرآن می فرماید: (إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)؛ (۲) «همانا فرمان اوست که هرگاه چیزی را اراده کند که باشد، پس آن چیز خواهد بود و محقق خواهد شد.»

۳. با این که همه نعمت ها از جانب خداوند است و بندگان در هر نعمتی رهین منت او هستند، لیکن او در خصوص چند نعمت، تعبیر به منت فرموده که طبعاً از اهمیت بالای آن ها حکایت دارد؛ از جمله:

— نعمت اسلام: (كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ) (۳)

— نعمت نبوت: (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا) (۴)

ص: ۲۰۰

۱- سوره قصص، آیه ۵۵.

۲- سوره یس، آیه ۸۲.

۳- سوره نساء، آیه ۹۴.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

— نعمت هدایت: (بَلِ اللّٰهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ) (۱)

— نعمت حاکمیت مؤمنان: (و تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ) (۲)

۴. مسأله حاکمیت مستضعفان بر زمین، با عبارات و بیان های مختلفی در قرآن آمده است:

— (وَعِدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ تَخْلُفَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ)؛ (۳) «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند، وعده خلافت در زمین را داده است.»

— (وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ... ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ)؛ (۴) «بعد از آن که اقوام ستمگر پیشین را هلاک کردیم ... شما را جانشینان زمین قرار دادیم.»

— (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (۵) «بندگان صالح، وارث زمین می شوند.»

— (وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا)؛ (۶) «ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمین گردانیدیم.»

— (لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ* وَ لَنَسْئِلَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ)؛ (۷) «ما ستمگران را نابود، و بعد از آن، شما را ساکن زمین می گردانیم.»

۵. مراد از مستضعفان در این آیه — با توجه به مجهول بودن فعل (اسْتُضِعُوا) — کسانی هستند که خود در این امر نقش نداشته اند و استکبار، آن ها را به استضعاف کشانده است.

۶. مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نظری به علی

ص: ۲۰۱

۱- سوره حجرات، آیه ۱۷.

۲- سوره قصص، آیه ۵۵.

۳- سوره نور، آیه ۵۵.

۴- سوره یونس، آیات ۱۳ و ۱۴.

۵- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۶- سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۷- سوره ابراهیم، آیات ۱۳ و ۱۴.

و حسن و حسین علیهم السلام افکند، گریست و فرمود: شما مستضعفان بعد از وفات من هستید». من سؤال کردم: «یا بن رسول الله! معنی آن چیست؟» فرمود: «یعنی شما امامان بعد از من هستید، چون خداوند می فرماید: (و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) و این آیه تا روز قیامت بر ما جاری است».(۱)

۷. در روایات بسیار، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت آن بزرگوار در آخرالزمان، مصداق اتم این آیه معرفی شده است. حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَ يُدِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛(۲) اینان که در زمین ضعیف گشته اند، آل پیغمبرند که خداوند مهدی آن ها را برمی انگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند».

۸. حکومت جهانی مستضعفان و حمایت از مظلومان تاریخ، اراده و خواست الهی است. (نُرِيدُ)

۹. در حکومت خودکامه طاغوتی، نیروهای کارآمد به ضعف کشانده می شوند. (اسْتَضَعُوا)

۱۰. آینده از آن مستضعفان است. (نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً)

۱۱. امامت، همچون بعثت، نعمت ویژه ای است که خداوند بر مردم منت می نهد. قرآن در مورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا) (۳) در این جا هم می فرماید: (نَمُنَّ ... نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً).

ص: ۲۰۲

۱- معانی الأخبار، ص ۷۹.

۲- الغیبه، طوسی، ص ۱۸۴.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

سوره نوح

اشاره

ص: ۲۰۳

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ) (۱)

«و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس در میان آنان هزار سال، به استثنای پنجاه سال، درنگ کرد [ولی جز اندکی از مردم به سخن او گوش ندادند]. پس طوفان (قهر خداوند) آنان را در حالی که ستمگر بودند، فرا گرفت.»

نکته ها:

۱. قرآن، با بیان عمر طولانی انسان های گذشته، آن را امری ممکن و شدنی خوانده است. (أَلْفَ سَنَةٍ)

۲. تنها پیامبری که مدت رسالتش در قرآن بیان شده، حضرت نوح علیه السلام است. البته نهصد و پنجاه سال، مدت رسالت آن حضرت تا زمان طوفان است؛ اما مدت پیامبری ایشان پس از طوفان و سال های عمرش بیان نشده است.

۳. عمر طولانی دادن به بشر، برای خداوند محال نیست؛ همان گونه که او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قرن ها زنده نگه داشته تا حکومت عدل جهانی را بر پا کند. گرچه جسم تمام مردم پس از کهولت سن فرسوده می شود، ولی آن حضرت به گفته بزرگان دین، هم چنان در چهره انسان چهل ساله ثابت است و این جای تعجب نیست.

در صورت همه ما، موی ابرو و مژه ده ها سال ثابت است، در صورتی که موی سر و صورت همواره در حال تغییر و تحول است، با آن که آب و غذا و هوا و محل هر دو مو، یکی است. آری! خداوند می تواند انسانی را ثابت و دیگران را متغیر قرار دهد.

ص: ۲۰۴

۴. گاهی پرسیده می شود که چگونه عمر بیش از هزار سال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را باور کنیم؟

پاسخ آن است که در آیه ۲۵۹ سوره بقره می خوانیم: شخصی _ که به گفته روایات و تفاسیر، عُزیر نام داشت _ از کنار یک آبادی عبور می کرد که دیوارهای آن بر روی سقف هایش فرو ریخته بود و مشخص بود که مدتی طولانی از مرگ ساکنین آن جا و زمان تخریبش می گذرد. با خود گفت: «خداوند چگونه ساکنین این جا را پس از مرگشان زنده می کند؟»

خداوند در همان لحظه جان او را گرفت و پس از صد سال زنده کرد و به او گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز!» خداوند فرمود: «نه؛ بلکه صد سال است که در این جا مانده ای. به غذا و نوشیدنی خود که همراه داشتی، نگاه کن که با گذشت سال ها تغییر نکرده است. به الاغ خود نگاه کن که هیچ اثری از آن باقی نمانده است. ما زنده شدن تو را نشانه و حجتی برای مردم قرار می دهیم. اکنون به استخوان های الاغ مرده خود بنگر و بین که چگونه آن ها را به هم پیوند می دهیم و بر آن ها گوشت می پوشانیم و زندگی دوباره به آن می بخشیم.»

بنابر این آیه، غذا و نوشیدنی به مدت صد سال تغییر نکرد؛ در حالی که به طور طبیعی می بایست پس از چند روز فاسد می شد. صد سال برابر ۵۲۰۰ هفته است و خداوند غذایی که فقط یک هفته سالم می ماند را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی اش سالم نگاه داشت. اکنون به سراغ عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می رویم که هنوز حتی به حد ۲۰ برابر عمر طبیعی نرسیده است. بنابراین نه دلیل عقلی بر محدود کردن عمر انسان داریم و نه عمر طولانی، چیز محالی است.

از طرفی تعجب ما از طولانی بودن عمر به خاطر مقایسه آن با خودمان و قدرت محدود خودمان است. در حالی که نمونه های دیگری از طول عمر نیز در تاریخ و طبیعت وجود دارد؛ از جمله: مدت رسالت حضرت نوح علیه السلام (۹۵۰ سال)، اصحاب کهف و خواب چند صدساله آن ها، عمر چندین هزارساله نوعی ماهی و برخی از درختان و... آری! خداوندی که به استخوان، قدرت شنیدن و به پیه چشم، قدرت دیدن می دهد، می تواند عمر

انسان را نیز طولانی کند.

متأسفانه برخی در پذیرفتن مسائل منطقی دین، دیرباور هستند. اگر یک روزنامه خارجی گفته باشد که یک ماهی در اقیانوس اطلس پیدا شده است که سه میلیون سال عمر دارد، فوراً باور می کنند، اما اگر ۱۵۰ حدیث داشته باشیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده است و هزار و سی صد سال عمر دارد، می گوید: از نظر علمی نمی شود!

ص: ۲۰۶

سوره لقمان

اشاره

ص: ۲۰۷

(أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ) (۱)

«آیا ندیدید که خداوند آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، برای شما مسخر کرده، و نعمت های ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرده است، ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایتی و بدون هیچ کتاب روشنگری، درباره خداوند به جدال و ستیز می پردازند.»

نکته ها:

۱. نعمت های الهی، هم گسترده و فراوان (أَسْبَغَ) (۲)، هم در دسترسندگان (عَلَيْكُمْ) و هم متنوع (ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً) است.

۲. در این آیه، به دو گونه نعمت اشاره شده است؛ نعمت ظاهری، مانند سلامتی، رزق و روزی، زیبایی و امثال آن، و نعمت باطنی، مانند ایمان، معرفت، اطمینان، حسن خلق، امداد غیبی، علم، فطرت، ولایت و... .

۳. محمد بن زیاد آزادی گوید: از سرور خود، موسی بن جعفر علیه السلام درباره تفسیر این کلام الهی پرسیدم: (وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً) فرمود: «نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطن، امام غائب». گفتم: «آیا در میان ائمه علیهم السلام کسی هست که غائب شود؟»

فرمود: «آری! شخص او از دیدگان مردم غائب می شود، اما یاد او از قلوب مؤمنین غایب نمی گردد. او دوازدهمین ما امامان است. خداوند برای او هر امر سختی را آسان، و هر امر دشواری را هموار سازد و گنج های زمین را برایش آشکار کند و هر بعیدی را

ص: ۲۰۸

۱- سوره لقمان، آیه ۲۰.

۲- «اسبغ» به معنای گسترانیدن و توسعه دادن است.

برای وی قریب سازد و توسط وی تمامی جباران عنود را نابود کند و هر شیطان متمردی را به دست وی هلاک سازد.

او فرزند سرور کنیزان است، کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده، و ذکر نامش بر آن ها روا نیست؛ تا آن گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. (۱)

۴. بی توجهی به آفریده ها و نقش آن ها در زندگی بشر، سبب سرزنش و توبیخ است. (أَلَمْ تَرَوْا)

۵. تمام آفریده ها هدف مند و به خاطر بهره گیری انسان خلق شده اند. (سَخَّرَ لَكُمْ)

۶. نباید از نعمت های باطنی خداوند غفلت کنیم و نسبت به آن ها بی توجه باشیم. (أَلَمْ تَرَوْا... بَاطِنَهُ)

ص: ۲۰۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۹.

سوره فتح

اشاره

ص: ۲۱۱

(إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (۱)

«همانا کسانی که با تو بیعت می کنند، در واقع با خدا بیعت می کنند. دست خداوند، بالای دست آن هاست. پس هر کس پیمان شکنی کند، به زیان خود پیمان می شکند و هر کس به آنچه با خداوند عهد بسته، وفا کند، خداوند به زودی پاداش بزرگی به او خواهد داد.»

نکته ها:

۱. «بیعت» به معنای پیمان و تعهد است. کسی که با دیگری بیعت می کند، گویا مال و جان خود را برای اهداف او در معرض بیع و فروش قرار می دهد. چنان که جابر بن عبدالله انصاری می گوید: «ما در روز بیعت رضوان، زیر درخت، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای جان بازی و عدم فرار در جنگ ها بیعت بستیم.»

۲. برای بیان لطف خدا نسبت به وفاداران، در این آیه دو تعبیر آمده است: یکی (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) و دیگری (أَجْرًا عَظِيمًا)؛ ولی برای بیان قهر خدا نسبت به پیمان شکنان، یک تعبیر آمده است: (يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ).

۳. بیعت گرفتن از مردم، منافاتی با توحید و توکل ندارد. (يُبَايِعُونَكَ)

۴. عمل و تصمیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همان اراده و خواست خداوند است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به چیزی جز اراده الهی اقدام نمی کند. (الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ)

ص: ۲۱۲

۵. بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بیعت با خداست. (يُيَايِعُونَكَ ... يُيَايِعُونَ اللَّهَ)

۶. رهبر مسلمانان باید در شرایط بحرانی بر وفاداری مردم اطمینان حاصل کند و از آنان مجدداً پیمان بگیرد.

۷. حمایت رهبری الهی، حمایت خداوند را در پی دارد. (يُيَايِعُونَكَ ... يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ)

۸. خداوند به حمایت کسی نیازی ندارد؛ پس باید از پیمان شکنی پرهیز کرد. زیرا با خدایی طرف هستیم که فوق قدرت هاست. (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ)

۹. پیمان شکنی، خودشکنی است. (فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ)

۱۰. عاقبت خوبان و بدان را برای مردم بیان کنید تا با مقایسه سرنوشت آنها راه خود را انتخاب کنند. (فَمَنْ نَكَثَ ... وَ مَنْ أَوْفَى...)

۱۱. گرچه پای بندی به هر تعهد و قول و قراری که خلاف شرع و قانون نباشد، لازم است و در روایات شیعه و سنی، عمل به تعهدات نشانه دین داری عرفی شده (لا دین لمن لا عهد له)، (۱) اما وفای به چند عهد، از اهمیت بیش تری برخوردار است:

— عهدی که خداوند از طریق فطرت یا انبیا با انسان بسته است: (أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ). (۲)

— عهدی که انسان با خدا می بندد: (مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ) (۳)

— عهدی که انسان با دیگران می بندد: (وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا) (۴)

— عهد رهبر الهی با امت و بالعکس: (الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ) (۵)

ص: ۲۱۳

۱- بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸.

۲- سوره یس، آیه ۶۰.

۳- سوره توبه، آیه ۷۵.

۴- سوره بقره، آیه ۱۷۷.

۵- سوره انفال، آیه ۵۶.

۱۲. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر علاوه بر حضرت علی علیه السلام برای یازده امام بعدی علیهم السلام از جمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از مردم بیعت گرفت و فرمود: «فَأَمَرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَائِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أئِمَّةُ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ؛ از طرف خداوند مأمور شده ام که از شما برای علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان پس از او علیهم السلام که از نسل من و علی علیه السلام هستند، از شما بیعت بگیرم. آنان تا روز قیامت، امام و پیشوا خواهند بود و مهدی امت من که به حق داوری می کند، از آنان است» (۱).

۱۳. بیعت با امام، نصب امام به امامت نیست؛ تأکید بر وفاداری با امام است.

۱۴. یکی از دعاهایی که در آن بر مسأله بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید شده، دعای عهد است. آن جا که می خوانیم: «اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً؛ خدایا من در صبح این روز با امام تجدید عهد و عقد و بیعت می کنم». گاهی وقت ها ما دعای عهد را می خوانیم، در حالی که به مضامین آن توجه نمی کنیم و فکر می کنیم عهد و عقد و بیعت به یک معناست؛ در حالی که این گونه نیست.

«تجدید عهد» یعنی من با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوباره تعهد می بندم. «تجدید عقد» یعنی من دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گره می خورم و تعهدم را محکم می کنم، چون عقد یعنی گره. «تجدید بیعت» یعنی من با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوباره بیعت می کنم و به او سر می سپارم.

بنابراین، اول باید با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تعهد ببندیم؛ بعد تعهدمان را محکم کنیم و بعد با او بیعت نماییم. مثل این که ابتدا باید دیوارهای ساختمانی را با آجر ساخت، سپس دیوارهایش را گچ و خاک کشید و در آخر سفیدکاری کرد.

۱۵. رسول خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «خدای عزوجل در روز قیامت با سه کس سخن نخواهد گفت و نگاهشان نخواهد کرد و لیاقتشان نخواهد بخشید و آنان را به شکنجه ای دردناک گرفتار خواهد کرد. اول، مردی که به خاطر دنیا با امامی بیعت کند، پس هرگاه خواسته اش

ص: ۲۱۴

را از دنیا به او بدهد، به بیعتش وفادار بماند، و گرنه دست از بیعت بر دارد و...» (۱).

۱۶. ما باید به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وفادار باشیم. یکی از نشانه های وفاداری، عمل به فرمایشات ایشان است. ایشان فرموده است: «در زمان غیبت من، در حوادثی که برای شما پیش می آید، به مجتهدان و علمای دین مراجعه کنید». بنابراین باید چنین کسی را که عادل و بی هوس است، شناسایی کنیم و دستمان را در دستش بگذاریم و مطیع او باشیم.

ص: ۲۱۵

۱- الخصال، ج ۱، ص ۱۰۷.

سوره واقعه

اشاره

ص: ۲۱۷

(لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) (۱)

«جز پاکیزگان به آن دست نزنند.»

نکته ها:

۱. تلاوت الفاظ و فهم لغات قرآن، برای همه ممکن است؛ اما تماس با روح قرآن، طهارتی مخصوص می خواهد. قرآن مطهر است (۲) و تنها پاکان می توانند آن را مس کنند. لذا نفرمود: «لا-یقرئه و لا-یفهمه إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، بلکه فرمود: (لا- يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)؛ چون تماس، معنای خاصی دارد. چنان که در روایات تصریح شده که تنها مقربان در گاه الهی با قرآن تماس پیدا می کنند.

۲. حضرت علی علیه السلام در ضمن سخنی فرمود: «القرآن الذي عندي لا يمسه إلا المطهرون والأوصياء من ولدي؛ به قرآنی که نزد من است، جز پاکان و جانشینان از فرزندانم به آن دست نمی یابند». عمر پرسید: «آیا زمان معلومی برای ظاهر کردن آن هست؟» آن حضرت فرمود: «نعم، إذا قام القائم من ولدي يظهره و يحمل الناس عليه فتجری السنه عليه؛ (۳) آری وقتی قائم از فرزندانم قیام کند، آن را ظاهر می کند و مردم را به عمل کردن به آن وادار می نماید و سنت طبق آن جاری می شود».

۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر و در ضمن خطبه معروف خود، پس از آنکه حضرت علی و یازده فرزند معصوم وی را جانشین خود معرفی نمود، قرآن کریم را همراه همیشگی آنان خواند: «عَلِيِّ أَحِي وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ وَصِيِّ وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَليُّ

ص: ۲۱۸

۱- سوره واقعه، آیه ۷۹.

۲- (صُحُفًا مُطَهَّرَةً) . سوره بینه، آیه ۲.

۳- کنز الدقائق، ج ۱، ص ۴.

كُلُّ مُؤْمِنٍ بَعِيدٍ ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ ثُمَّ تَسْبِعُهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعِيدٌ وَاحِدٍ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ وَهُمْ مَعَ الْقُرْآنِ لَا يُفَارِقُونَهُ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرُدُّوا عَلَيَّ حَوْضِي» (۱).

۴. امام باقر علیه السلام فرمود: «علم به کتاب خدای عزوجل و سنت پیغمبرش در دل مهدی ما رشد می کند؛ آنچنان که بهترین زراعت ها به بهترین وجه رشد می کنند» (۲).

۵. در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه _ که گفته شده امیرالمؤمنین علیه السلام در آن به سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره نموده _ آمده است: «يُعْطَى الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رأی مردم را به قرآن باز می گرداند، در زمانی که آن ها قرآن را به رأی و اندیشه [خود] مبدل کرده اند».

هنگامی که مردم از قرآن چشم پوشیده و امور را طبق اندیشه نادرست خود پیش برند، ایشان مردم را از به کار بستن اندیشه های نادرست، نهی، و به رجوع به قرآن و می دارد تا به دستور کتاب خدا رفتار کنند و مخالف آن را دور اندازند.

۶. در زمان حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به آموزش قرآن اهمیت فراوانی داده می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ» (۳) هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، خیمه هایی برپا کند و قرآن را به ترتیبی که فرود آمده، به مردم بیاموزد».

۷. متأسفانه قرآن کریم در امت اسلامی مهجور مانده است؛ به گونه ای که خود قرآن از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: (وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا)؛ (۴) «پیامبر [خدا] گفت: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند».

رابطه میان انسان و کتاب آسمانی، باید دائمی و در تمام زمینه ها باشد؛ زیرا کلمه «هجر» در جایی به کار می رود که میان انسان و چیزی رابطه ای باشد، ولی از هم جدا

ص: ۲۱۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳- الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۴- سوره فرقان، آیه .

شده باشند. (۱) بنابراین باید تلاشی همه جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریت درآوریم و آن را در همه ابعاد زندگی، محور علمی و عملی خود قرار دهیم و رضایت پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را جلب کنیم.

لازم است بدانیم که نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر آن، محور قرار ندادن آن، تدبیر نکردن در آن، تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن، از مصادیق مهجور قرار دادن قرآن است. حتی اگر کسی قرآن را فرا گیرد، ولی آن را کنار گذارد و به آن نگاه نکند و تعهدی نسبت به آن نداشته باشد، او نیز قرآن را مهجور کرده است. (۲)

۸. به نظرم رسید که اقرار بعضی بزرگان را درباره مهجوریت قرآن نقل کنم:

— ملاصدرا در مقدمه تفسیر سوره واقعه می گوید: «بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آن جا که گمان کردم کسی هستم؛ ولی وقتی کمی بصیرت پیدا کردم، خودم را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر عمر که به فکر افتادم به سراغ تدبیر در قرآن و روایات محمد و آل محمد علیهم السلام بروم، یقین پیدا کردم که در طول عمر، کارم بی اساس بوده است؛ زیرا به جای نشستن در نور، در سایه ایستاده بودم!

از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید، تا وقتی که رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبیر در قرآن کردم. در خانه وحی را کوبیدم، درها باز شد، پرده ها کنار رفت و دیدم که فرشتگان به من می گویند: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ)». (۳)

— فیض کاشانی در رساله الانصاف می گوید: «کتاب ها و رساله ها نوشتم، تحقیقاتی کردم، ولی در هیچ یک از علوم، دوایی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم. بر خود ترسیدم و به سوی خدا فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد».

ص: ۲۲۰

۱- التحقیق فی کلمات القرآن، ذیل ماده هجر.

۲- التفسیر المنیر، ج ۱۹، ص ۵.

۳- سوره زمر، آیه ۷۳.

— امام خمینی (ره) در گفتاری، از این که تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده، تأسف می خورد و به حوزه ها و دانشگاه ها سفارش می کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه رشته ها، مقصد اعلی قرار دهند تا مبادا در آخر عمر، بر ایام جوانی خود تأسف بخورند. (۱)

ص: ۲۲۱

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰.

سوره حدید

اشاره

ص: ۲۲۳

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، احیاگر زمین با عدالت

(اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) (۱)

«بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می کند. همانا ما نشانه های [توحید و عظمت] را برای شما روشن کردیم، باشد که تعقل کنید.»

نکته ها:

۱. امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: «يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَئِمَّةِ الضَّلَالِ؛ (۲) خداوند زمین را پس از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه عدالت او زنده می کند، پس از آن که با جور و ظلم رهبران گمراه، مرده باشد.»

۲. توجه به عدالت و جایگاه والای آن، در روایات متعدد و متواتر به چشم می خورد. از جمله پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «عِدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلِهَا وَصِيَامٌ نَهَارِهَا؛ (۳) یک ساعت به عدالت رفتار کردن، از هفتاد سال عبادتی که روزهای آن به روزه، و شب های آن به احیا گذشته باشد، بهتر است.»

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره فرمود: «فِي الْعَدْلِ صِيْلَاحُ الْبَرِيَّةِ وَالْاِقْتِدَاءُ بِسُنَّةِ اللَّهِ؛ (۴) عدالت، هم به مصلحت مردم است و هم اقتدا به روش الهی.» ایشان هم چنین فرمود:

ص: ۲۲۴

۱- سوره حدید، آیه ۱۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۵.

۳- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۳.

۴- الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

«الْعَدْلُ حَيَاةُ الْجُورِ مِمَّحَاتٌ» (۱) عدالت، باعث حیات جامعه و ظلم، باعث مرگ آن است».

۳. با سیری کوتاه در آیات و روایات به وضوح در می یابیم که فضای اسلام، فضای عدالت است. آیات و روایات فراوانی، مردم را به عدالت و پاسداری از آن، توصیه و امر کرده و از ظلم و ستم و خیانت باز داشته اند. اسلام، مکتب عدل و اعتدال، نظام اسلامی، نظام عادلانه و امت اسلامی، امت میانه و وسط است.

اسلام اگر نماز دارد، زکات هم دارد؛ اگر تولی و دوستی با اولیای خدا را دارد، تبری و دوری از دشمنان را هم دارد؛ اگر از علم طرفداری می کند، از عمل هم پشتیبانی می نماید؛ اگر ایمان را مطرح می کند، عمل صالح را هم در کنار آن لازم می داند؛ اگر توکل به خدا را سفارش می کند، دستور فعالیت و تلاش هم می دهد؛ اگر مالکیت را محترم می شمرد، اجازه سوء استفاده از مالکیت را هم نمی دهد؛ اگر دستور عفو می دهد، در اجرای حدود، به داشتن قاطعیت نیز سفارش می کند و می گوید: «رحم در شما اثر نکند و شما را از مجازات مجرم باز ندارد».

۴. عدالت از چیزهایی است که انسان فطرتاً آن را دوست دارد. به همین دلیل، حتی ستمگران نیز ظلم خود را توجیه، و سعی می کنند که کار خود را عادلانه جلوه دهند. گاهی چند نفر با یک دیگر شریک می شوند و دست به یک دزدی می زنند، ولی بعد از آنکه اموال سرقت شده را به مکان دیگری انتقال دادند، در زمان تقسیم می گویند: بیاید اموال را عادلانه تقسیم کنیم! این سخن گاهی ناخودآگاه گفته می شود و اگر هم به زبان نیاورند، قلباً تقسیم عادلانه را دوست دارند و اگر یکی از آنان بخواهد سهم بیش تری بردارد، ناراحت می شوند.

در همه جوامع، کسی که برای تحقق بخشیدن به عدالت، جلوی ستمگران ایستادگی می کند، تحسین می شود و این نیست مگر به خاطر آن که حمایت از عدل و مبارزه با ظلم،

ص: ۲۲۵

خواسته عقلی، طبیعی و فطری هر انسانی است.

۵. وجود قوانین عادلانه، شرط لازم برای اجرای عدالت در جامعه است. شاید کم تر حکومتی باشد که از حق و عدالت سخن نگوید و خود را حامی حقوق و مصالح جامعه نداند. قانون باید به تمام ابعاد انسان توجه داشته باشد.

قانونی که به انسان به چشم یک موجود شهوی یا شکمی می نگرد، نمی تواند عادلانه باشد؛ زیرا برنامه ریزی آن بر اساس مادی نگری است. قانونی می تواند انسان را به رشد و کمال مطلوب برساند که قانون گذارش از هوس های شخصی و گروهی یا از استبداد فردی و گروهی به دور باشد. علاوه بر آن، باید دید قانون گذار طبق کدام معیار، قوانین عادلانه مقرر می کند و حافظ مصالح کدام طبقه و گروه است؟

بر این اساس، ما شریعت و قوانینی را که پیامبران آورده اند، بر قوانین بشری ترجیح می دهیم؛ زیرا اولاً به تمام ابعاد مادی و معنوی انسان توجه دارند و از علم و حکمت بی پایان الهی سرچشمه گرفته اند و ثانیاً قوانین آن ها به دنبال حفظ منافع شخصی یا گروهی نیست و از هر گونه هوا و هوس به دور هستند.

۶. در اسلام، تمام مسئولیت های حساس به عهده افراد عادل است؛ یعنی کسانی که سوء سابقه ای پیش مردم ندارند و به صلاحیت و پاکی معروف اند. از قاضی تا شاهد و منشی دادگاه، همه باید در هر جایگاهی که هستند، عادلانه بگویند و بنویسند. امام در نماز جمعه و جماعت باید عادل باشد. مرجع تقلید و رهبر جامعه و مسئول بیت المال باید عادل باشند. مسئولان و کلیدداران نظام باید فقط به خدا وابسته بوده و عدالت پیشه باشند تا مردم نیز با رغبت عدالت را بپذیرند.

کوتاه سخن این که اسلام اهمیت خاصی به عدالت داده و آن را در تاروپود جامعه و در مسائل حقوقی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی، شرط اساسی دانسته است.

۷. هدف انبیا آن است که ایمان به خدا و معاد را چنان در مردم زنده کنند و اخلاق و

طرز تفکر الهی را در تاروپود فرد و جامعه نفوذ دهند که خود مردم به عدالت برخیزند و جامعه عادلانه تشکیل دهند. قرآن می فرماید: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)؛ (۱) «ما پیامبران را با در دست داشتن دلایل روشن و کتاب آسمانی و معیار سنجش حق و باطل، برای مردم فرستادیم تا مردم در پرتو این رهبران و قوانین آسمانی، به عدل قیام کنند».

۸. میوه عدالت به کام کسی که عدالت به نفع اوست، بسیار شیرین است؛ ولی در کام کسی که اجرای عدالت به ضرر او تمام می شود، تلخ خواهد بود! لذا اسلام پیوسته مردم را متوجه جایگاه و اهمیت عدالت می سازد و آن ها را به جهاد با نفس و مبارزه با هوا و هوس دعوت می نماید؛ زیرا تا انسان بر تمایلات درونی و هوا و هوس خود غالب نشود، تن به عدالت نخواهد داد و زمینه ای برای اجرای عدالت نیز فراهم نخواهد شد.

۹. در اسلام، اجرای عدالت نه تنها درباره دوستان و مؤمنان، که درباره دشمنان در حال جنگ نیز سفارش شده است: (فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ)؛ (۲) «اگر به شما تعدی و تجاوزی صورت گرفت، تنها به همان مقدار می توانید مقابله به مثل کنید و با تقوا باشید».

ص: ۲۲۷

۱- سوره حدید، آیه ۲۵.

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۳.

(وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ) (۱)

«و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، آنان همان کسانی هستند که سر تا پا صداقت اند و نزد پروردگارشان گواهان اند، آنان پاداش و نورشان را دارند و [اما] کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اصحاب دوزخ اند.»

نکته ها:

۱. «صدیق» به کسی گفته می شود که سر تا پا راستی و درستی باشد، دل و زبان و عمل او یکی باشد و صداقت جزئی از خلق و خوی او شده باشد. در قرآن، این لقب به کسانی همچون ابراهیم، ادریس، یوسف و مریم علیهم السلام داده شده؛ ولی این آیه راه صدیق شدن را به روی همه کسانی که اهل ایمان باشند، باز کرده است.

۲. ایمان به خدا و تمام انبیا نشانه صداقت انسان است. (آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ... هُمُ الصَّادِقُونَ)

۳. برای کسانی که در دنیا از نور هدایت انبیا بهره مند شده اند، در قیامت، نوری خواهد بود. (لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ)

۴. تشویق خوبان و تهدید بدان در کنار هم لازم است. (أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ... أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ)

۵. مؤمنان، هم اجر دارند و هم نور؛ ولی کافران، تنها کیفر دارند. (أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ... أَصْحَابُ الْجَحِيمِ...)

۶. حارث بن مغیره روایت کرده است: خدمت حضرت باقر علیه السلام بودیم. ایشان فرمود:

ص: ۲۲۸

«کسانی از شما که عارف به این امر (امامت اهل بیت علیهم السلام) هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیک دارند، به خدا قسم مانند آن کسی هستند که به همراه قائم آل محمد علیهم السلام جهاد

می کند».

۷. سپس فرمود: «به خدا قسم مانند کسی هستند که در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیر جهاد نموده است». آن گاه برای مرتبه سوم فرمود: «به خدا قسم مانند کسی هستند که در خیمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به درجه شهادت رسیده است و درباره شما آیه ای در قرآن هست».

عرض کردم: «کدام آیه؟» ایشان این آیه را تلاوت فرمود: (وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ) آنگاه فرمود: «به خدا قسم در نزد خداوند، صادقین و شهدا محسوب می شوید».^(۱)

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا نمی دانی که اگر کسی منتظر ظهور دولت ما باشد و بر ترس و آزاری که در راه پیروی از ما می بیند صبر کند، فردا در زمره ما خواهد بود؟»^(۲)

ص: ۲۲۹

۱- الصافی، ج ۵، ص ۱۳۶.

۲- الکافی، ج ۸، ص ۳۷

سوره صف

اشاره

ص: ۲۳۱

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (۱)

«او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق [به سوی مردم] فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند.»

نکته ها:

۱. آینده از آن اسلام است. (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

۲. خداوند در غیر از این آیه، سه بار وعده پیروزی اسلام بر تمام ادیان را داده است: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ (۲) (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا) (۳) و بدون شک خداوند وعده خود را عملی می کند. (وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ) (۴)

۳. در روایات متواتر می خوانیم که پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی، در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت. حضرت علی علیه السلام فرمود: «به خداوندی که جانم در دست اوست، هیچ شهر و روستایی باقی نمی ماند مگر آنکه هر صبح و شام صدای اذان و شهادتین در آن شنیده خواهد شد.» (۵)

تاریخ اسلام، تحقق این آیه را به اثبات رسانده است؛ زیرا با این که دشمن از طریق استهزا و اذیت و شکنجه، محاصره اقتصادی و اجتماعی، تحمیل جنگ ها، توطئه های

ص: ۲۳۲

۱- سوره صف، آیه ۹.

۲- سوره توبه، آیه ۳۳.

۳- سوره فتح، آیه ۲۸.

۴- سوره روم، آیه ۶ و سوره حج، آیه ۴۷.

۵- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۶۷.

داخلی منافقان، ایجاد تفرقه میان مسلمانان، به راه انداختن جنگ های صلیبی، ترویج فحشا و منکرات، استعمار نظامی و سیاسی و... لحظه ای کوتاهی نکرده، ولی اسلام روز به روز توسعه پیدا کرده است.

۴. رسولان با اراده الهی انتخاب می شوند، نه انتخاب و اراده مردم. (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ)

۵. پیروزی اسلام به خاطر حقانیت آن است. (بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ)

۶. مکتب اسلام، امیدآفرین است. (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

۷. حاکمیت و غلبه ای ارزش دارد که کامل و دائم باشد. (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

۸. به جز اسلام، تمام ادیان، تاریخ مصرف دارند و تنها اسلام، مکتب جاودانی است. (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

۹. عوامل پیروزی اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند چیز است:

— اراده و امداد الهی (هُوَ الَّذِي)

— رهبری معصوم و لایق (رَسُولُهُ)

— نیاز طبیعی جامعه (بِالْهُدَىٰ)

— داشتن حقانیت (دِينِ الْحَقِّ)

— جامع و کامل بودن مکتب (مُتِمُّ نُورِهِ)

سوره ملک

اشاره

ص: ۲۳۵

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ (۱)

«بگو: به من خبر دهید اگر آب [چشمه ها و چاه های] شما در زمین فرو رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد؟»

نکته ها:

۱. «غور» به معنای فرورفتن در عمق، و «مَعِين» به معنای آسان و روان است.

۲. عمار می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: «پدر و مادرم به فدایت! مهدی کیست؟» فرمود: «يَا عَمَارُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْخُسَيْنِ تَشِيْعَهُ وَ التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِهِ يَغِيْبُ عَنْهُمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ يَكُونُ لَهُ عَيْبُهُ طَوِيلَةً يَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَيْهَا آخِرُونَ فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَخْرُجُ فَيَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَ عَدْلًا؛ (۲) ای عمار! به درستی که خدای تبارک و تعالی با من عهد فرموده که از صلب حسین علیه السلام امامان نه گانه را بیرون آورد و نهمین فرزندش از دیدگان پنهان شود، و همین است گفتار خدای تعالی: «بگو به من خبر دهید اگر آب [چشمه ها و چاه های] شما در زمین فرو رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد؟». برای او غیبتی است طولانی که در آن، جمعی [از اعتقادات خود] برگردند و جمعی پایدار بمانند. چون آخرالزمان شود، وی قیام نماید و دنیا را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد».

۳. امام باقر علیه السلام در تأویل این آیه فرمود: «این آیه درباره حضرت قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف نازل شده است

ص: ۲۳۶

۱- سوره ملک، آیه ۳۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۸.

و می گوید: اگر امام شما غائب باشد و ندانید که وی کجاست، چه کسی برای شما امام ظاهر می فرستد که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام را برای شما بگوید؟» (۱)

۴. احتمال بروز خطر در صورت بی تفاوتی و غفلت، برای دوری کردن از آن کافی است. (إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا)

۵. دست خداوند در تغییر قوانین هستی، باز است. (إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا)

ص: ۲۳۷

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ۳۲۵.

سوره قلم

اشاره

ص: ۲۳۹

خرافات جلوه دادن اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط دشمنان وی

(إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ) (۱)

«هرگاه آیات ما بر آنان تلاوت شود گویند: افسانه های پیشینیان است.»

نکته ها:

۱. «اساطیر» جمع «اسطوره»، به معنای افسانه هایی خرافی و خیالی است که یا درباره انسان های اولیه یا ساخته و پرداخته ذهن آنان است.

۲. این آیه نمونه ای از مکرهای فرهنگی دشمنان اسلام را که برای تحقیر آموزه های مکتب اسلام طرح کرده اند، بیان می کند.

۳. تهمت تحجر، سنت گرایی و کهنه پرستی، از قدیمی ترین تهمت ها به مؤمنان است. (أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ)

۴. امام صادق علیه السلام در تبیین این آیه فرمود: «یعنی تکذیبه بالقائم إذ يقول له: لسنا نعرفك، و لست من ولد فاطمه عليها السلام كما قال المشركون لمحمد ﷺ؛ (۲) معنی این آیه تکذیب حضرت قائم صلی الله علیه و آله و سلم توسط دشمنان است. زیرا به او می گویند ما تو را نمی شناسیم و تو از اولاد فاطمه نیستی؛ همان طور که مشرکین به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می گفتند.»

۵. بعضی جامعه شناسان امروز نیز مذهب را زاییده جهل و خرافه می دانند که شاید این حرف، به خاطر بعضی خرافاتی باشد که در میان اصول اصیل ادیان الهی، رخنه کرده است و در واقع ربطی به معارف حقیقی ندارد. البته خرافات می تواند در عقیده و توحید انسان اثر بگذارد. نسل بشر در طول تاریخ به خاطر خرافات، بسیار تاوان داده است. زمانی

ص: ۲۴۰

۱- سوره قلم، آیه ۱۵.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۰۵.

دختران را زنده به گور می کردند و چه خانواده هایی که به خاطر خرافه ها از هم پاشیده شدند.

۶. این را هم باید دانست که خرافات در بستر جهل، نادانی، تلقین، آداب و رسوم غلط، افکار نابه جای نیاکان، تبلیغات دروغین، توطئه استعمارگران و رندان، سادگی مردم، دور بودن از علمای ربّانی و نداشتن تکیه گاه اعتقادی رشد می کند. در عرصه مهدویت هم خرافاتی وجود دارد که اساس دینی و قرآنی ندارد.

۷. وظیفه ما این است که هرگاه با فکر، شعار، پیشنهاد یا عادت و رسومی برخورد کردیم، آن را با کمک علمای باتقوا و بی هوس، به قرآن و حدیث و عقل و علم و تجربه عرضه کنیم و صحت آن را بسنجیم.

۸. باید مراقب بود که اصول و حقایق مسلم و مستند دین، به نام خرافه، کوبیده نشود. هر چیزی که خدا یا ولیّ خدا از آن خبر دهند و ما آن را نفهمیم، خرافه نیست؛ زیرا برخی از آموزه های دین، فوق عقل ماست و حساب فوق عقل با ضد عقل جداست.

ص: ۲۴۱

سوره مدثر

اشاره

ص: ۲۴۳

(وَ ثِيَابِكَ فَطَهَّرْ) (۱)

«و لباست را پاکیزه دار.»

نکته ها:

۱. امام صادق علیه السلام در ضمن سخنی، منظور از این آیه را کوتاه کردن لباس بیان فرموده اند؛ (۲) زیرا در جاهلیت، اشراف و بزرگان، لباسشان را به قدری بلند می گرفتند که قسمتی از آن بر روی زمین کشیده شود و افرادی را اجیر می کردند که آن قسمت را همراه آن ها بیاورد!

۲. شرط نفوذ کلام رهبر آسمانی، آن است که دامنش از هر گونه آلودگی پاک باشد. (وَ ثِيَابِكَ فَطَهَّرْ)

۳. نه فقط پاکی بدن، بلکه نظافت و پاکیزگی لباس نیز مورد توجه اسلام است.

(وَ ثِيَابِكَ فَطَهَّرْ)

۴. امام صادق علیه السلام بعد از بیان کیفیت لباس حضرت علی علیه السلام و سادگی آن فرمود: «اما امروزه مسلمانان قادر بر پوشیدن چنین لباسی نیستند؛ زیرا اگر چنین کنند، مردم می گویند که او دیوانه شده یا اهل ریاکاری است، در حالی که خدای متعال می فرماید: (وَ ثِيَابِكَ فَطَهَّرْ)، یعنی لباست را از روی زمین بلند کن و آن را روی زمین نکش. هنگامی که قائم ما قیام کند، این گونه لباس می پوشد.» (۳)

این مطلب را فردی به نام حماد بن عثمان نیز نقل کرده است. او می گوید: در محضر

ص: ۲۴۴

۱- سوره مدثر، آیه ۴.

۲- کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۴.

۳- الکافی، ج ۶، ص ۴۵۵.

امام صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت عرض کرد: «خدا اصلاحت کند! شما فرمودی که علی بن ابی طالب علیه السلام لباس زیر و خشن در بر می کرد و پیراهن چهار درهمی می پوشید و مانند این ها، در صورتی که بر تن شما لباس نو می بینیم!»

حضرت به او فرمود: «همانا علی بن ابی طالب علیه السلام آن لباس ها را در زمانی می پوشید که بدنما نبود، و اگر آن لباس را این زمان می پوشید به بدی انگشت نما می شد. پس بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن زمان است. ولی قائم ما اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی که قیام کند، همان جامه علی علیه السلام را می پوشد و به روش علی علیه السلام رفتار می کند.» (۱)

۵. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «مَا تَشِيَتَعْجَلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَاللَّهِ مَا لِبَاسِهِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ» (۲) چرا به فرارسیدن خروج حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شتاب می کنید؟ به خدا قسم، لباس او جز جامه درشت و خشن، و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نخواهد بود».

ص: ۲۴۵

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۳.

سوره فجر

اشاره

ص: ۲۴۷

(وَ الْفَجْرِ) (۱)

«سوگند به سپیده دم»

نکته ها:

۱. «فجر» به معنای شکافتن است و مراد از آن در این آیه، شکافتن تاریکی شب با سپیده دم است که زمان مقدس و بارزشی است و در آن هنگام، جنبنده ها به تکاپو می افتند و صبح و روز تازه ای را آغاز می کنند.

۲. زمان، مقدس و قابل سوگند است. (وَ الْفَجْرِ)

۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام مراد از فجر، حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف عنوان شده است: (الفجر هو القائم) (۲) چرا که شب تاریک ظلم و فساد، به صبح قیام آن حضرت، برچیده خواهد شد.

ص: ۲۴۸

۱- سوره فجر، آیه ۱.

۲- تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۹۲.

سوره قدر

اشاره

ص: ۲۴۹

شب قدر، اثبات گر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

(تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) (۱)

«در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای انجام هر کاری فرود آیند.»

نکته ها:

۱. از مضمون روایاتی که درباره سوره قدر وارده شده اند، استفاده می شود که فرود فرشتگان در شب قدر تنها مربوط به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست؛ بلکه هر سال تکرار می شود. از جناب ابوذر روایت شده است: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: «از ليله القدر برایم بگویید. آیا فقط در زمان پیامبران بوده که وحی بر آن ها نازل می شده است و وقتی از دنیا رفته اند، دیگر شب قدری نیست یا این که تا روز قیامت، این شب در هر سالی خواهد بود؟» رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «شب قدر تا روز قیامت خواهد بود». (۲)

۲. فرشتگان هر سال در شب قدر نازل می شوند و البته شکی نیست که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ایشان نازل می شده اند؛ اما سؤال این است که با توجه به این که در هر سال شب قدر وجود دارد، ملائکه پس از رحلت آن حضرت بر چه کسی نازل می شوند؟

روشن است که هرکسی نمی تواند میزبان فرشتگان الهی باشد و باید بر کسی نازل شوند که در کمالات، نزدیک ترین فرد به خدا و رسول او باشد؛ زیرا اگرچه اوامر الهی برای رشد و هدایت همه مردم صادر و نازل شده، ولی جایگاه نزول آن، قلوب پاک مردان برگزیده بوده است. کما این که در آیه ۴۱ سوره زمر به این نکته تصریح شده است: (إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ).

همان طور که ملاحظه می فرمایید اگرچه کتاب برای استفاده و هدایت همگان نازل شده

ص: ۲۵۰

۱- سوره قدر، آیه ۴.

۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۲.

(لِلنَّاسِ)، ولی محل نزول آن، قلب مطهر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است (عَلَيْكَ). پس از ایشان نیز، طبق فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، قلب امامان دوازده گانه معصوم محل نزول فرشتگان خواهد بود؛ زیرا ایشان فرمود: «آمَنُوا بَلَيْلَهُ الْقَدْرِ إِنَّهَا تُكُونُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ لَوْلِدِهِ الْأَحَدِ عَشَرَ مِنْ بَعْدِي؛(۱) به ليله القدر ایمان آورید که آن بعد از من مخصوص علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده فرزند اوست».

۳. مجموع روایاتی که وجود شب قدر تا روز قیامت و نیز لزوم امام و حجتی که در آن شب فرشته ها بر او نازل شوند را تبیین می کنند، هم جایگاه والای امامت و هم لزوم امام زنده و معصوم را در هر زمان اثبات می کنند. چنین فردی در زمان ما، امام دوازدهم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد که در سال ۲۵۵ قمری متولد شده است و فرشتگان پس از شهادت پدر بزرگوارشان، امام حسن عسکری علیه السلام، در شب قدر شرف یاب محضر ایشان می شوند.

ص: ۲۵۱

۱. قرآن کریم.
۲. امام امیرالمؤمنین، گردآوری: رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم: انتشارات دارالهجره، بی تا.
۳. امام عسکری علیه السلام، ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام، تفسیر الامام العسکری، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.
۴. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۵. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز: انتشارات مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۸. بحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۱۳. _____، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۴. حسکانی، عبيدالله بن احمد، شواهد التنزيل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، ۱۴۱۱ق.
۱۵. حسینی استرآبادی، سيد شرف الدين، تأويل الآيات، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۹ق.
۱۶. حکیمی، محمدرضا، الحياه، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۸۰ش.
۱۷. خزاز قمی، علی بن محمد، كفايه الأثر، قم: انتشارات بيدار، ۱۴۰۱ق.
۱۸. ديلمی، حسن بن ابی الحسن، إرشادالقلوب، بی جا: انتشارات شريف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۹. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، المفردات فی غريب القرآن، بی جا: مکتبه رضويه، بی تا.
۲۰. سیوطی، جلال الدين، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۱. شوشتری، نور الله، احقاق الحق، قم: مکتبه آیت الله المرعشی، بی تا.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم: مرکز نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی، ۱۳۹۱ش.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین، الامالی، بی جا: انتشارات کتابخانه اسلاميه، ۱۳۶۲ش.
۲۴. _____، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۲۵. _____، ثواب الاعمال، قم: انتشارات شريف رضی،

۲۶. _____ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام ، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲۷. _____ ، كمال الدين و تمام النعمه، قم: دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۹۷ ق.
۲۸. _____ ، معانى الأخبار، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۳۶۱ ش.
۲۹. _____ ، من لا يحضره الفقيه، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، مترجم: سيد محمد باقر موسى همدانى، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ش.
۳۱. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. طبرسى، فضل بن حسن، إعلام الورى بأعلام الهدى، تهران: اسلاميه، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. _____ ، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۴. طبرى آملی، محمد بن ابى القاسم، بشاره المصطفى لشيعة المرتضى، نجف: المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۳ ق.
۳۵. طبرى آملی، محمد بن جرير، دلائل الإمامه، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ق.
۳۶. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
۳۷. _____ ، الغيبه، قم: مؤسسه معارف اسلامى، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. طيب، سيد عبدالحسين، أطيب البيان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۳۹. عروسی حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۴۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۲. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۴۳. قرائتی، محسن، پرتوی از نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۴۴. _____، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۹ش.
۴۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، محقق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۴۶. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم: انتشارات فاطمه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹ش.
۴۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنز الدقائق، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۴۸. کریمی جهرمی، علی، عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تبریز: انتشارات نور ولایت، ۱۳۸۳ش.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۵۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۵۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم: انتشارات انصاریان، ۱۴۲۴ق.
۵۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸ش.
۵۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.

۵۵. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، مترجم: سید جلال الدین مجتبوی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ش.

۵۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: مکتبه صدوق، ۱۳۹۷ق.

۵۷. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

ص: ۲۵۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹